

الله الرحيم
پ

شناخت حضرت مهدی(عج)

۲۰۴/۱

پژوهشکده تحقیقات اسلامی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه



نمایندگی ولی فقیه در سپاه

نام کتاب: شناخت حضرت مهدی(عج) کد: ۲۰۴/۱

تئیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی

نویسنده: احمد حیدری - علی رضا علی نوری

ناشر: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

فهرست مطالب

<p>بخش دوم: امامت حضرت مهدی(عج)</p> <p>فصل اول: سابقه تاریخی اعتقاد به حضرت مهدی(ع)..... ۴۶..... استفاده از عنوان «مهدی»..... ۴۶..... حکایت پرسش‌ها..... ۴۸..... اندیشه مهدویت در آینه ادبیات و شعر ۴۹..... فصل دوم: امامت حضرت مهدی در منابع شیعی ... ۵۱..... الف- روایات مربوط به تفسیر و تأویل آیات ۵۱..... ب- روایات اهل بیت ﷺ از پیامبر ﷺ ۵۴..... ج- گفتار اهل بیت ﷺ درباره امامت مهدی(عج) ۵۵..... ۱- امیر مؤمنان ؓ ۵۵..... ۲- حضرت زهرا ؓ ۵۶..... ۳- امام حسن ؓ ۵۶..... ۴- امام حسین ؓ ۵۷..... ۵- امام سجاد ؓ ۵۷..... ۶- امام محمد باقر ؓ ۵۷..... ۷- امام صادق ؓ ۵۸..... ۸- امام موسی کاظم ؓ ۵۸..... ۹- امام رضا ؓ ۵۸..... ۱۰- امام جواد ؓ ۵۹..... ۱۱- امام هادی ؓ ۵۹..... ۱۲- امام عسکری ؓ ۵۹..... فصل سوم: امامت حضرت مهدی در منابع اهل سنت الف- پیامبر ﷺ و دوازده جانشین ۶۱..... ب- «مهدی» نام دوازدهمین جانشین پیامبر ﷺ ۶۲..... ج- «مهدی» از اهل بیت و عترت پیامبر ﷺ ۶۳..... د- «مهدی» از اولاد علی و فاطمه ؓ ۶۳.....</p>	<p>پیشگفتار..... ۵</p> <p>مقدمه..... ۷</p> <p>بخش اول: آینده جهان و زمامدار آن</p> <p>فصل اول: آینده جهان..... ۱۰</p> <p>دیدگاه ملل و ادیان ۱۰</p> <p>دیدگاه قرآن ۱۴</p> <p>فصل دوم: زمامدار آینده جهان ۱۶</p> <p>حضرت مهدی(عج) در روایات شیعه ۱۶</p> <p>حضرت مهدی(عج) در روایات اهل سنت ۱۸</p> <p>دیدگاه صحابه و تابعین ۱۹</p> <p>دیدگاه عالمان اهل سنت ۲۰</p> <p>تردیدکنندگان ۲۲</p> <p>پاسخ به دو مطلب ۲۵</p> <p>چند نکته مورد اختلاف ۲۷</p> <p>فصل سوم: ویژگی‌های حضرت مهدی(عج) ۳۷</p> <p>نام ۳۷</p> <p>ممنوعیت بردن نام آن حضرت ۳۷</p> <p>کنیه و القاب ۳۸</p> <p>پدر و اجداد ۳۹</p> <p>مادر ۴۰</p> <p>سال و محل تولد ۴۰</p> <p>خصوصیات حمل و ولادت ۴۰</p> <p>ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی(عج) ۴۲</p> <p>ویژگی‌های پیامبران در مهدی(عج) ۴۲</p> <p>میراث پیامبران نزد مهدی(عج) ۴۳</p> <p>آخرین حجت الهی ۴۳</p>
--	--

فصل دوم: وظایف منتظران.....	۹۳
فصل سوم: در محضر امام عصر(عج).....	۹۶
عرضه هدایای پاک به محضر امام.....	۹۶
هدیه به امام، پاک کننده نفووس است	۹۷
اولویت خویشاوندان در صدقات.....	۹۸
نماز؛ بهترین به خاک مالنده بینی شیطان.....	۹۹
طور موسی برتر از میقات نماز نیست.....	۱۰۰
رد بر اهل غلو.....	۱۰۲
خداوند باکسی خویشاوندی ندارد.....	۱۰۵

بخش ششم: عصر ظهور

فصل اول: عالم ظهور	۱۰۸
عالمندی	۱۰۹
عالمندیگر.....	۱۱۱
فصل دوم: ظهور.....	۱۱۳
ویژگی‌های یاران حضرت مهدی(عج).....	۱۱۴
فصل سوم: شیوه حکومت امام مهدی(عج).....	۱۱۷
۱. اجرای صحیح و دقیق قوانین الهی.....	۱۱۷
۲. قضاوت به روش حضرت داوود.....	۱۱۸
۳. تقسیم عادلانه ثروت.....	۱۱۸
۴. ساده‌زیستی	۱۱۹
فصل چهارم: ترسیمی از حکومت جهانی حضرت مهدی(عج).....	۱۲۰
پاک شدن زمین از ستمگران	۱۲۰
حاکمیت مطلق بر جهان.....	۱۲۰
برقراری امنیت.....	۱۲۱
پیشرفت برق آسای علم	۱۲۱
رشد مواد غذایی و گیاهی	۱۲۲
آبادانی شهرها و گسترش مساجد	۱۲۳
شکوفایی روحیه برادری و مساوات	۱۲۳
گفتاری از علی	۱۲۴
منابع و مأخذ	۱۲۶

ه- «مهدی» از فرزندان امام حسین	۶۴
و- حضرت عیسی و یاری حضرت مهدی(عج) ..	۶۴
ز- آخرالزمان و فشارهای حوادث	۶۵
ح- ظلم به اهل بیت پس از رحلت	۶۶

بخش سوم: حضرت مهدی(عج) واقعیت موجود

فصل اول: حضور محسوس محدود.....	۷۰
در زمان حیات پدرش	۷۰
پس از رسیدن به مقام امامت	۷۱
آغاز غیبت صغیری	۷۲
تشرف افراد به حضور آن حضرت در غیبت	
کبری	۷۳
در موسوم حج	۷۴
فصل دوم: طول عمر حضرت مهدی(عج)	۷۵
امکان طول عمر	۷۵
وجود افراد استثنایی	۷۷
طول عمر در قلمرو قدرت الهی	۷۷

بخش چهارم: غیبت

فصل اول: راز غیبت	۸۰
الف- آماده پذیرش نبودن جامعه جهانی ..	۸۰
ب- بیم از کشته شدن	۸۱
ج- آزمایش مردم	۸۲
مشخص شدن راز واقعی غیبت پس از ظهور ..	۸۴
فصل دوم: آثار وجود حضرت مهدی(عج)	۸۵
الف- وساطت فیض	۸۶
ب- امیدبخشی	۸۷
توسل به حضرت مهدی(عج) و الطاف ویژه	۸۸

بخش پنجم: انتظار

فصل اول: در انتظار حضرت مهدی(عج)	۹۰
انتظار سازنده و مخرب	۹۰
پاداش منتظران	۹۲

پیشگفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که بر عهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است.

تحقیق عده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان‌پذیر می‌شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مؤمن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشند.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

مسئله آموزش در همه جامهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزش‌های قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه رابه عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی‌توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم رابه عهده دارند شما هستید.^۱

با توجه به اجرای «نظام تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه» از سالیان اولیه تأسیس این نهاد انقلابی و ضرورت بازنگری و بهینه‌سازی آن در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیة‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) و براساس راهبردهای تحول و تعالی سپاه، نظام

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۳ / ۱۳۶۳.

۶ شناخت حضرت مهدی(عج)

تریبیت و آموزش مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. نظام جدیدگرچه به امر خطیر آموزش و تقویت دانش عقیدتی سیاسی پاسداران توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم شده است. یکی از دوره‌های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته است آموزش‌های طولی پاسداران، بسیجیان و سربازان است که به معرفت افزایی نسبت به معارف پایه‌ای اسلام و مباحث بنیادی با رویکرد تربیتی می‌پردازد.

هم‌اکنون کلیه دوره‌های آموزشی سپاه در حال بازنگری و بازبینی است و طبیعی است که در تدوین موضوعات و سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی، بازخوردگیری، و در نهایت اصلاح یا تغییر سرفصلهای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کتاب حاضر تا قبل از بازنگری و تدوین متون جدید در دوره‌های طولی سپاه تدریس می‌شود.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون با توجه به سطح معلومات، نیازها و تخصص نیروهای آموزشی، درگروههای تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتباربخشی محتوایی و شکلی به تأیید نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می‌رسد. پیشنهادها و تجربیات مریبان ارجمند و متریبان گرامی، در رفع کاستی‌های متون آموزشی راهگشا و مشوق ما در رفع کاستی‌های متون آموزشی خواهد بود.

تعاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مقدمه

اندیشهٔ مهدویت و ظهور، یکی از اصیل‌ترین اندیشه‌های اسلامی است و بنیانگذار آن پیامبر اکرم ﷺ است. آن حضرت، خود عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) را در جدول عقاید اسلامی قرار داد، به همین جهت، این موضوع به طور یکسان در منابع شیعه و سنی منعکس گردیده است. اهل بیت پیامبر ﷺ نیز این اندیشه و اعتقاد را در جامعه اسلامی تبلیغ کرده‌اند. می‌توان ادعای کرد که هیچ مسأله اسلامی همانند عقیده مهدویت و ظهور، از قطعیت و سابقهٔ تاریخی برخوردار نیست.

حضرت مهدی (عج) به عنوان دوازدهمین جانشین پیامبر ﷺ در روایات شیعه و سنی مطرح و معرفی شده است. این معرفی چنان دقیق و مشخص است که قابل انطباق بر فرد دیگری جز شخص آن حضرت نیست که از فرزندان فاطمه زبده و امام حسین ع و نام پدرش امام حسن عسکری ع می‌باشد.

او آخرین حجت الهی از سلسلهٔ انبیا و اوصیاست که با ظهورش جهان را پر از عدل و داد می‌سازد. او هم اکنون به عنوان یک امام زنده، ولی غایب، در روی زمین زندگی می‌کند و در زمان پدرش و بعد از او در غیبت صفری و کبری مشاهده شده است.

در این کتاب ادلهٔ امامت آن حضرت، ویژگی‌های ایشان، مسألهٔ انتظار، طول عمر، علایم ظهور، شیوهٔ حکومت و کیفیت پیروزی ایشان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تمام این موارد به منابع معتبر شیعه و سنی مستند گردیده است.

۸ شناخت حضرت مهدی(عج)

امید است این اثر در تحقیم و تثبیت عقیده منتظران ظهورش مؤثر واقع شود و طول غیبت، موجب خروج آنان از صراط مستقیم امامت نگردد. اللهم عجل فرجه واجعلنا من اعوانه و انصاره.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

بخش اول
آیندهٔ جهان و زمامدار آن

فصل اول

آینده جهان

دیدگاه ملل و ادیان

دیدگاه‌های متفاوتی درباره آینده جهان وجود دارد؛ برخی از دریچه‌یأس و نامیدی و با ملاحظه قدرت‌های اتمی که در اختیار سران ظلم و بیداد قرار دارد، می‌گویند جهان به‌سوی یک جنگ جهانی و فراگیر پیش می‌رود که در آن، بشریت گور خود را کنده، تمدن‌کنونی را از بین خواهدبرد. در ظاهر، قرایین و شواهد، این دیدگاه را تأیید می‌کند؛ چرا که عوطف انسانی به‌شدت کاهش یافته، فاصله طبقاتی بین غنی و فقیر در حال گسترش است، مفاسد اخلاقی و جنایات در میان جامعه‌ها رو به فزونی است، اختلافات و اصطکاک بین دولت‌ها روز به روز عمیق‌تر می‌شود و درگیری‌های منطقه‌ای و مرزی میان کشورها شتاب بیشتری به خود گرفته است.

از طرف دیگر، سازمان ملل که یک نهاد بین‌المللی است و با هدف برقراری صلح و امنیت در جهان به وجود آمده، نه تنها بی‌خاصیت شده، بلکه تحت سلطه قدرت‌های بزرگ جهانی در آمده است و آنان برای رسیدن به اهداف و مقاصد شیطانی خود از این سازمان استفاده می‌کنند. مواد اعلامیه حقوق بشر و قطعنامه‌های شورای امنیت و سازمان ملل که اغلب با اعمال فشار و دسیسه قدرت‌های بزرگ به تصویب می‌رسد، همیشه اهرمی در دست ابرقدرت‌هاست تا کشورهای کوچک و ضعیف را برای پذیرفتن آنچه آنان می‌خواهند، تحت فشار قرار دهند.

علاوه بر این دو جهت، حس جاهطلبی و روحیه استکباری و جنون قدرت در میان سران کشورها، کافی است که روزی آتش جنگ را بروزد و تمدن‌کنونی را به ویرانه‌ای مبدل سازد. راسل می‌گوید:

اشخاصی هستند و از آن جمله اینشتاین که به زعم آن‌ها بسیار محتمل است که انسان، دوره حیات خود را طی کرده باشد و در ظرف سینی محدودی موفق شود با مهارت شگرف علمی خود، خوبیشتن را نابود سازد.^۱

نتیجه این‌که، براساس شواهد ظاهری، آینده جهان، تاریک و نگران کننده است. بررسی و ملاحظه مسائل فوق کافی است که انسان را نسبت به آینده بدین و مأیوس سازد. در مقابل، یک اندیشه و اعتقاد تا اندازه‌ای عمومی و فراگیر در میان همه جوامع و ملل وجود داشته و دارد، مبنی بر این‌که روزی یک منجی آسمانی ظهور خواهد کرد و صلح و عدالت را برای بشر به ارمغان خواهد آورد و بشر در سایه حکومت وی با صلح و صفا و به دور از ناهنجاری‌های ذکر شده خواهد زیست و مدینه فاضله انسانی در آن روز تحقق خواهد یافت. البته در چند و چون این اعتقاد و آن منجی بزرگ اختلاف است؛ اما مهم این است که اصل این اندیشه و اعتقاد، بین همه اقوام و ملل و ادیان، مشترک است. ما در اینجا به نقل قسمتی از نظریه‌ها و اندیشه‌ها می‌پردازیم:

در کتب هندیان: در کتاب «وید» که در نزد هندیان از کتاب‌های مقدس است، چنین می‌خوانیم:

پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا می‌شود که پیشوای خلق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.^۲

در کتاب «باسک» که آن نیز از کتاب‌های مقدس هندیان به شمار می‌رود، آمده است: دور دنیا تمام شود به پادشاه عادلی در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید.^۳

در کتاب «وشن جوک»، یکی دیگر از کتاب‌های هندیان آمده است: در اواخر، دنیا به کسی بگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد و خلق را زنده کند.^۴

۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، ص ۵۸.

۲- ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۱۶.

۳- ادیان و مهدویت، ص ۱۸.

۴- همان.

در آیین زرتشت: در آیین زرتشت نیز بشارت و وعده‌های صریحی در این زمینه آمده است که قسمتی از آن‌ها را از کتاب «زنده»^{*} نقل می‌کنیم.

ای سپیتمان زرتشت! چون زمان سر رود، این دشمنان مانند بن درختی که یک شب سرد زمستانی که بر سد و به یک شب برگ بیفکند، تباہ شوند.^۱
هنگام گرگان به سر رسد و هنگام میشان اندر آید.^۲

در جاماسب‌نامه که شامل پرسش‌های گشتاسب شاه از جاماسب است و او پیشگویی‌های زرتشت را برای گشتاسب نقل می‌کند، این چنین آمده است:

و هنگام گرگ بشود (سرآید) و هنگام میش اندر آید و هوشیدر (نجات دهنده) زرتشتیان به نموداری دین پدید آید آنانیه (زیان) و دروشک (دروغ) سرآید و رامش و شادی و خرمی باشد.^۳
در عهد عتیق و جدید: در عهد عتیق و جدید نیز پیشگویی‌های خوش‌بینانه‌ای درباره آینده جهان و ظهور یک منجی آسمانی به عمل آمده است که مواردی از آن‌ها نقل می‌شود.

به سبب شریران، خویشن را مشوش مساز و بر فتنه‌انگیزان حسد مبر؛ زیرا که مثل علف به زودی بریده می‌شوند و مثل علف سیز پژمرده خواهند شد... و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود... و نجات صالحان از خداوند است و در وقت تنگی، او قلعه ایشان خواهد بود و خداوند ایشان را اعانت کرده نجات خواهد داد، ایشان را از شریران خلاص کرده، خواهد رهانید؛ زیرا بر او توکل دارند.^۴

* - این کتاب شامل یک رشته حواری درباره آینده ملت و دین ایران است که اورمزد (خدای خوبی‌ها) وقوع آنها را به زرتشت پیشگویی می‌کند، این پیش‌آمدتها هر کدام در دوره مشخصی اتفاق می‌افتد، دوره‌های ماقبل آخر (یا آخرالزمان) هنگام تاخت و تاز اهریمن نژادان است تاینکه «سوشیانس» (منجی آخرالزمان) نژاد دیوان و اهریمن را ریشه‌کن می‌سازد.

۱ - کتاب «زنده» و هومون یسن (مسئله رجعت و ظهور در آیین زرتشت)، ص ۶۰، این کتاب در اواخر دوره پادشاهی خسرو اول انوشیروان، پادشاه معروف ساسانی (۵۳۱-۵۷۹ میلادی) [لغت‌نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۱۷۱۲] یا کمی بعد از او از «اوستا» ترجمه شده است. ر. ک. همان، ص ۱۳.

۲ - همان، ص ۶۶.

۳ - همان، ص ۲۰، گفتنی است که توضیحات داخل پرانتزها از خود آن کتاب نقل شده است.

۴ - عهد عتیق، کتاب مزمیر دارد، مزمور ۳۷.

اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود...

بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قوم‌ها را برای خویشتن فراهم می‌آورد.^۱

زیرا همچنان‌که برق از مشرق ساطع شده تابه مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... و پسر انسان را ببینند که بر آبرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آید و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تابه کران فلک فراهم خواهند آورد... اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس... لکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست در چه پاسی از شب دزد می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زند؛ لهذا شمانیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.^۲

کمرهای خود را بسته چراغ‌های خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشد که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای اوباز کنند... لکن اگر آن غلام در خاطر خود گوید آمدن آقایم به طول انجامید و به زدن غلامان و کنیزان و به خوردن و نوشیدن و می‌گساری شروع کند، هر آینه مولای آن غلام آید در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتی که او نداند.^۳

در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهید بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌هاروی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود؛ زیرا قوات آسمان متزلزل خواهد شد و آن گاه پسر انسان را خواهند دید که بر آبری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید و چون ابتدای این چیزها بشود، راست شده سرهای خود را بلند کنید از آن جهت که خلاصی شما نزدیک است.^۴

همان‌گونه که گذشت در کتاب‌های هندیان، زرتشت و عهده‌ین، حکومت جهانی صالحان پیش‌بینی شده است و می‌دانیم که تا کنون چنین چیزی اتفاق نیفتاده و حکومت پیامبر اکرم ﷺ نیز بر بخشی محدود از کره زمین تحقق پیدا کرد. بنابراین با توجه به پیشگویی این کتاب‌ها باید جهان در انتظار چنین روز فرخنده‌ای بنشینند.

۲- عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴.

۱- همان، کتاب حقوق نبی، باب ۳.

۴- همان، باب ۲۱.

۳- عهد جدید، انجیل لوقا، باب ۱۲.

ناگفته نماند، از آنجاکه به طور قطع دست تحریف در کتاب‌های ذکر شده راه یافته است، نمی‌خواهیم از آن‌ها برای اثبات مدعای خود به عنوان دلیل استفاده کنیم، بلکه هدف ما، در درجهٔ اول آشنایی با دیدگاه ملل و ادیان در مورد آیندهٔ جهان و بشریت و در مرحلهٔ دوم تأیید بر مطلب است و این که اگر شیعه با توجه به وعده‌ها و پیشگویی قرآن، در انتظار تحقق یک حکومت جهانی الهی به سر می‌برد و معتقد است که آیندهٔ جهان از آن صالحان و پرهیزکاران است و بیشتر های مادی و بدینسانه نسبت به آیندهٔ تاریخ را محکوم می‌کند، در این اندیشه و اعتقاد تنها نیست و پیرو هیچ دین و مذهبی نمی‌تواند او را در این اندیشه تخطی کند؛ بلکه از آن جاکه قرآن تنها کتاب آسمانی است که مصون از هر تغییر و تحریفی است و اعتبارش صد در صد و قطعی است، دیگر کتاب‌های آسمانی تحریف شده که به نحوی مسألهٔ ظهور و برقراری عدالت در آیندهٔ تاریخ را مطرح کرده‌اند، در طرح اصل مسأله، دلیلی بر اعتبار پیدا می‌کنند.

دیدگاه قرآن

قرآن کریم در موارد مختلفی با تعبیرهای متفاوت به این مسأله پرداخته و با قاطعیت و تأکید اعلام کرده که جهان آینده، جهان صالحان و پرهیزکاران خواهد بود و ارادهٔ خداوند بر پیروزی یکتاپرستان و بندگان شایستهٔ اوست. به آیهٔ شریفه زیر توجه کنید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَحْلِفُوهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَتْلِهِمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ دِيَنُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْدِلُونَ إِنَّمَا لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيئًا...^۱

خداوند به کسانی از شماکه ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده‌می‌دهد که آن‌ها را به طور قطع خلیفه روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که به پیشینیان خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس آنان را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد کرد، به گونه‌ای که تنها مرا بپرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند.

در هر وعده، سه رکن وجود دارد: وعده دهنده که در اینجا خداوند است، وعده گیرنده که مؤمنان صالحند و سوم موارد وعده که در آیهٔ یاد شده عبارتند از:

۱- نور (۲۴)، آیه ۵۵

۱. استخلاف و حکومت روی زمین به نمایندگی از خداوند
۲. تمکین دین که نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زندگی است.
۳. تبدیل خوف به امنیت و بر طرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه زمین، آرامش و امنیت ریشه دار و دائمی نه ظاهری و نسبی که در جهان امروز شاهد آن هستیم؛ چرا که امنیت حاکم بر جهان امروز بر اثر تعادل قوای نظامی و سلاح های ویرانگر میان قدرت های دنیاست و آن گاه که این تعادل بر هم بخورد، پایه های این امنیت کاذب و نسبی نیز فرو خواهد ریخت و در واقع می توان گفت که بر جهان، تعادل و حشت حاکم است نه امنیت.

هم چنین در آخر آیه، هدف نهایی از تحقق حکومت واحد الهی بر پهنه^{گیتی}، چنین ذکر شده که مردم تنها خدا را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند و این هدف، راه حکومت الهی را از راه حکومت های غیر الهی جدا می کند؛ چرا که هدف نهایی در آن ها، برخورداری همگان از رفاه برتر و بهره مندی بیشتر از لذایذ مادی است.

باید توجه داشت و عده قرآن نسبت به تحقق حکومت صالحان در پهنه زمین، نوعی پیشگویی نسبت به فراهم شدن زمینه پذیرش دین حق در سطح وسیعی نیز هست.

از نظر روایات اسلامی نیز افراد و گروه های ممتازی با عنایت های خداوندی، موانع تشکیل حکومت واحد جهانی را از سر راه برداشتند، زمینه را برای تحقق آن فراهم می کنند.^۱ نتیجه این که از دیدگاه قرآن با وجود همه عوامل یأس آور ظاهری، باید نسبت به آینده خوشبین بود و در انتظار تحقق وعده الهی در مورد حکومت صالحان بر تمام گیتی نشست و عنصر بدینی و یأس نسبت به آینده جهان را از خود طرد کرد.

۱- ر.ک: قیام و انقلاب مهدی(عج)، شهید مطهری، ص ۶۷

فصل دوم

زمامدار آینده جهان

در مبحث پیشین معلوم شد اعتقاد به ظهور یک منجی آسمانی، میان ملل و ادیان، مشترک است و از دیدگاه قرآن، حکومت آینده جهان در اختیار صالحان خواهد بود و آنان وارث زمین هستند. اکنون می خواهیم روشن کنیم که در اعتقاد مسلمانان اعم از شیعه و سنتی، آن منجی آسمانی -که تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی بر بنای دین پیامبر ﷺ است -حضرت «مهدی»(عج) است.

البته او در روایات به عنوان «قائم»، «صاحب الامر»، «دوازدهمین خلیفه پیامبر» و... نیز معروف شده است، اما مشهورتر از همه، نام «مهدی» است. این عناوین همه یک مصدق را معرفی می کنند و مسلمانان این واژه ها و نامها را فقط بر یک شخص منطبق می دانند که همان «مهدی»(عج) موعود پیامبر ﷺ است.

نخستین کسی که واژه «مهدی» را به عنوان نام آن منجی بزرگ به کار برده، او را به این اسم معرفی کرده، شخص پیامبر اکرم ﷺ است، به همین جهت تمام مسلمانان از هر فرقه و گروه، با نام مهدی آشنا هستند و او را به عنوان دادگستر آینده جهان و موعود پیامبر ﷺ می شناسند.*

حضرت مهدی(عج) در روایات شیعه

محدثان و روایان شیعی نیز، روایات مربوط به حضرت مهدی(عج) را از اهل بیت پیامبر ﷺ

* - اطلاق اسم بر کنیه و لقب، امری شایع و رایج است؛ از حضرت علیؑ نقل شده که فرمود: «پیامبر مرا ایوب تراب نامید و هیچ اسمی برایم محبوب تر از این اسم نیست.» (منتخب الاثر، صافی، ص ۲۳۴) در این روایت لفظ اسم رادر مورد کنیه به کار برده است. از این رو، هر چند در درس سوم خواهیم گفت که لفظ مهدی از القاب آن حضرت است، اماً منافات ندارد که اسم ایشان شمرده شود؛ می توان گفت: به خاطر استعمال زیاد واژه مهدی (به معنای هدایت شده به حق) در مورد آن منجی آسمانی، این لفظ به عنوان نام آن حضرت شناخته شده و به عبارت ادبی، برای حضرتش «علم بالغله» گردیده است. (لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۵۴، دار صادر، بیروت).

نقل کرده‌اند. بخشی از این روایات مستند به پیامبر اکرم ﷺ و بخشی دیگر سخنان خود آن بزرگواران است که به موجب حدیث ثقلین، منزلت و احادیث فراوان دیگر، مرجع رسمی امت بعد از پیامبر ﷺ هستند. اینک به ذکر چند نمونه از آن روایات می‌پردازیم.

□ جابر از امام باقر علیه السلام این‌گونه نقل می‌کند:

عمر از امیر المؤمنین ع درباره مهدی و نام او سؤال کرد. امام ع در پاسخ فرمود: اما اسمش رانمی‌گویم؛ زیرا حبیب و دوستم (محمد ع) با من پیمان بسته که اسمش رانیاورم تا وقتی که خداوند او را برانگیزد و آن (احتمالاً زمان برانگیخته شدنش) از چیزهایی است که خداوند علم آن را نزد پیامبر را به ودیعه سپرده است.^۱

□ ابو بصیر از امام صادق ع و آن حضرت از پیامبر ع نقل کرده که فرمود:

مهدی از فرزندان من است، نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من است، از نظر اخلاق و خلقش شبیه ترین مردم به من است، برای او غیبت و سرگردانی ای * خواهد بود تا این که مردم در آیین‌شان دچار گمراحتی شوند. در آن زمان مهدی مانند ستاره فروزان به مردم رومی نماید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ آن طور که از ظلم و ستم پر شده است.^۲

□ اصیغ بن نباته می‌گوید: روزی نزد امیر مؤمنان علی ع آمد، دیدم در حال فکر کردن است و بر روی زمین خط می‌کشد. گفتم: ای امیر مؤمنان! آیا (تفکر و اندوهت) به خاطر رغبت و اشتیاق به زمین است (که مالک آن شوی و فرمائی نافذ باشد؟) او فرمود:

نه، سوگند به خدا، هرگز حتی برای یک لحظه به زمین و دنیا رغبت و میلی نداشتم؛ اما به مولودی می‌اندیشیدم که بعد از من و یازدهمین از فرزندان من است؛ همان مهدی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن سان که از ظلم و ستم پر شده است.^۳

□ صفوان از امام صادق ع نقل کرده که فرمود:

سوگند به خدا، مهدی شما از شما غایب می‌گردد تا حدی که فرد نادان می‌گوید: خداوند احتیاجی به آل محمد ع ندارد. سپس مهدی مانند ستاره فروزان به مردم رومی آورد و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.^۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴.

*- شاید مراد سرگردانی حضرت مهدی (عج) از نظر مسکن است که در هر زمانی در شهر و ناحیه‌ای باشد.

۲- همان، ص ۷۲.

۳- کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی زینب، ص ۴۲-۴۱.

۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۵.

□ عبدالعظيم حسنی می‌گوید: بر آقایم امام جواد^ع وارد شدم و می‌خواستم از «قائم» سؤال کنم که آیا او همان مهدی است یا غیر است. حضرت قبل از سؤال من، سخن آغاز کرد و فرمود: ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی است که لازم است در غیبت او انتظارش را بکشند و در هنگام ظهرورش اطاعت‌ش کنند و او سومین از فرزندان من است.^۱

به کار بردن لقب «قائم» و «مهدی» توسط امام جواد^ع درباره امام دوازدهم نشان می‌دهد که این شیعیان از همان ابتدا به تعلیم پیامبر^ص و امامان^ع می‌دانستند که این دو اسم به شخص واحدی اطلاق می‌شود و عبدالعظيم حسنی نیز برای اطمینان بیشتر همین مطلب را از امام سؤال می‌کند و امام نیز در جواب بر آن تأکید می‌ورزد.

حضرت مهدی(عج) در روایات اهل سنت

محمدثان بزرگ اهل سنت در کتاب‌های خود به طور فراوان روایات مربوط به حضرت مهدی(عج) را از پیامبر اکرم^ص نقل کرده‌اند؛ بعضی از این روایات درباره تسب آن حضرت و بعضی در مورد شیوه حکومتداری و عدالتگسٹری اوست و بعضی دیگر در مورد علائم و حوادث قبل از ظهرور وغیر این‌ها از مسائل مربوط به آن حضرت است. در اینجا به ذکر چند نمونه از آن روایات می‌پردازیم.

□ ابو سعید خدری می‌گوید: پیامبر^ص فرمود:

«مهدی» از من است. او دارای بیشانی باز و روشن و بینی کشیده‌ای است، زمین را بر از عدل و داد می‌کند، آن سان‌که از ظلم و ستم پر شده‌است، هفت‌سال فرمانروایی می‌کند.^۲

□ هم او نقل می‌کند که پیامبر فرمود:

شمارابه «مهدی»(عج) مژده‌دهم. اور حال اختلاف مردم و (وقوع) زلزله‌ها، در میان امّتم برانگیخته می‌شود، زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می‌شوند، ثروت را به طور صحیح تقسیم می‌کند. مردی گفت: منظور چیست؟ حضرت فرمود: (یعنی) به‌طور مساوی میان مردم تقسیم می‌کند...^۳

۱- همان، ص ۱۵۶.

۲- سنن ابی داود، با حواشی محمد محیی الدین عبدالحمید، ج ۴، ص ۱۰۷.

۳- مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۷.

□ نیز هم او می‌گوید: ترسیدیم بعد از پیامبر ﷺ گرفتاری و مشکلاتی داشته باشیم؛ از این رو از پیامبر ﷺ سؤال کردیم. او فرمود:

در میان امّت «مهدی» خواهد بود که خروج می‌کند و پنج یا هفت یانه سال (تردید از راوی است) زندگی می‌کند... سپس فرمود: مرد نیازمند نزد مهدی می‌آید و می‌گوید: ای مهدی! با عطایت بی‌نیازم کن. پس مهدی آن قدر مال و ثروت در دامنش می‌ریزد که بتواند با خودش ببرد.^۱

□ محمد بن حنفیه از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند:
مهدی از ما اهل بیت است، خداوند کار او را در یک شب اصلاح می‌کند.^۲

□ عبدالله زبیدی می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود:
مردمی از مشرق زمین خروج می‌کند و زمینه را برای (حکومت) مهدی (عج) آماده می‌نمایند.^۳

□ ابو سلمه، (چوپان شتران پیامبر) می‌گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود:
شبی که خداوند مراد آسمان‌ها سیر داد، به من فرمود: ای محمد! من، تو و علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان او را، از نور خود آفریدم... سپس فرمود: به طرف راست عرش توجه کن که من متوجه آن ناحیه شدم، ناگهان دیدم علی، فاطمه، حسن، حسین و فرزندان او تا مهدی را که در میان انبوهی از نور ایستاده و نماز می‌گزارند و مهدی در وسط آنها بود، انگار ستاره درخشانی است. خداوند فرمود: ای محمد! آنان حجت‌های منند و از میان عترت، مهدی انتقام‌گیرنده است. سوگند به عزت و جلاله، او حجت اولیا یم و انتقام گیرنده از دشمنانم است.^۴

دیدگاه صحابه و تابعین

بسیاری از صحابه و تابعان، روایات مربوط به امام زمان را نقل کرده‌اند. شیخ عبدالمحسن العباد از

۱- سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، این حدیث با اختلاف کمی در الفاظ، در مستند احمد حنبل، ج ۳، ص ۲۱ نیز آمده است.

۲- سنن ابن ماجه، با حواشی محمد فؤاد عبدالباقي، ج ۲، ص ۱۳۶۷.

۳- همان، ص ۱۳۶۸.

۴- ر.ک: المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۹۱-۹۲، به نقل از فراید السمعطین، ابراهیم بن محمد شافعی، ج ۲، ص ۳۲۰-۳۲۱.

نویسنده‌گان معاصر اهل سنت و استاد دانشگاه مدینه منوره در ضمن مقاله‌ای مفصل با عنوان «عقيدة اهل السنة والاثر في المهدى المنتظر» اسامی ۲۶ نفر از صحابه ناقل احادیث امام مهدی(عج) را جمع آوری کرده است که عبارتنداز:

- ۱ - علی بن ابی طالب ۲ - عثمان بن عفان ۳ - طلحه بن عبیدالله ۴ - عبدالرحمن بن عوف ۵ - حسن بن علی ۶ - ام سلمه ۷ - ام حبیبه ۸ - عبدالله بن مسعود ۹ - عبدالله بن عمر ۱۰ - عبدالله بن عمرو عاص ۱۱ - ابو سعید الخدری ۱۲ - جابر بن عبدالله و...^۱ و از تابعین نیز محمد بن حنفیه، قتاده، مکحول، سعید بن جبیر و... احادیث مهدی^۲ را روایت کرده‌اند.

دیدگاه عالمان اهل سنت

عالمان حدیث اهل سنت از ابتدای تاکنون نسبت به احادیث مربوط به امام زمان(عج) بسیار توجه نشان داده، آنها را در ضمن دیگر احادیث یا جداگانه جمع آوری کرده‌اند. از جمله محدثان مشهور اهل سنت که نسبت به نقل احادیث مهدی(عج) کوشیده‌اند می‌توان از: ابو داود، ترمذی، ابن ماجه و نسایی در کتاب‌های «سنن» خودشان، احمد بن حنبل در «مسند» و حاکم نیشابوری در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» نام برد.

برخی دیگر از محدثان و عالمان اهل سنت از جمله سیوطی، ابن‌کثیر، ابن حجر و صاحب کنزالعمال نیز آثار خاص و جداگانه‌ای درباره امام زمان(عج) دارند.^۳

عده‌ای نیز تصریح کرده‌اند احادیث مربوط به حضرت مهدی(عج) متواتر می‌باشد؛ از جمله:

- ۱ - محمد بن حسین آبری صاحب کتاب مناقب الشافعی می‌گوید:

اخبار رسول خدا درباره مهدی و این‌که از اهل بیت است و...، متواتر و مستفيض است.

ابن قیم، ابن حجر و سیوطی این سخن را از آبری نقل کرده‌اند و آن را رد نکرده‌اند.^۴

- ۲ - قاضی شوکانی مؤلف نیل الاوطار گوید:

پنجاه حدیث درباره مهدی قابل توجه و اعتناست و این احادیث بدون شک متواتر هستند.^۵

۱ - الامام المهدی عند اهل السنّة، مهدی فقیه ایمانی، ج ۲، ص ۳۹۸. به نقل از مجله الجامعه الاسلامیه، شماره ۳، سال اول، ذوالقعدہ ۱۲۸۸ ه.ق.

۲ - شیخ عبدالمحسن العباد نام ۳۸ نفر از محدثان بزرگ اهل سنت را ذکر می‌کند که احادیث مربوط به امام مهدی(عج) را در کتب حدیثی خود نقل کرده‌اند و ده نفر از بزرگان اهل سنت که تألیف جداگانه در مورد امام(عج) دارند.

۳ - الامام المهدی عند اهل السنّة، ج ۲، ص ۴۰۲.

۴ - همان، ص ۴۰۳؛ نظم المتناثر من الحديث المتواتر، محمد بن جعفر الكتّانی، ص ۱۴۶.

۳- شیخ محمد بن جعفر الکتّانی متوفی ۱۳۴۵ ه. ق در کتابش «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» گوید:

حاصل آن که احادیث وارد در شأن مهدی منتظر، متواتر هستند.^۱

شیخ عبدالمحسن در باب دیگر، احتجاجات عده‌ای از عالمان اهل سنت به احادیث مهدی را جمع آوری می‌کند. ایشان بسیاری از عالمان بزرگ رانام می‌برد که احادیث مهدی را حجت دانسته، به مضامین آن معتقد بوده‌اند. از جمله قرطبی صاحب تفسیر مشهور بعد از ذکر این حدیث منسوب به پیامبر:

لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ.

مهدیی جز عیسیٰ بن مریم نیست.

می‌نویسد:

«سند این حدیث ضعیف است و احادیث نبوی که بر خروج مهدی از نسل فاطمه تصریح می‌کند، از این حدیث صحیح‌تر هستند و باید به مضمون آن‌ها حکم کرد [که دلالت دارد مهدی غیر از عیسیٰ و از نسل فاطمه زهرا است] و...»^۲

ابن قیم در کتابش «المنار المنیف فی الحدیث الصحیح والضعیف» بعد از بحث درباره احادیث مهدی و صحت و حجیت آن‌ها، راجع به حدیث منسوب به رسول خدا: «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَم» می‌گوید:

این حدیث را فقط محمد بن خالد نقل کرده است و محمد بن حسین آبری گوید: محمد بن خالد نزد عالمان رجال و محدثان شناخته شده نیست و احادیث مستفیض و متواتر از رسول خدا دلالت دارد که مهدی از اهل بیت رسول خداست.^۳

مناوی صاحب فیض القدیر در شرح جامع صغیر سیوطی می‌گوید:

خبر منسوب به پیامبر: «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَم» نمی‌تواند با اخبار دال بر مهدی (از نسل فاطمه) معارض باشد.^۴

شیخ الاسلام ابن تیمیه که اهل سنت او را اهل تحقیق و روایت و درایت می‌دانند در کتاب

۱- نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۱۴۷. ۲- الامام المهدی، عند اهل السنّه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۳- المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، ابن قیم، ص ۱۴۲.

۴- فیض الغدیر، مناوی، ج ۶، ص ۲۷۹.

«منهاج السنة النبویه» که از مهم‌ترین کتب او می‌باشد به صحت خروج مهدی از اهل بیت در آخرالزمان تأکید می‌کند.^۱

یکی دیگر از عالمان معاصر اهل سنت به نام سید محمد صدیق حسن در کتابش «الاذاعه» می‌نویسد:

شکی نیست در این که مهدی در آخرالزمان خروج می‌کند، ولی ماه و سال ظهورش معلوم نمی‌باشد. یقین به ظهور مهدی، نتیجهٔ احادیث متواتری است که در این باب وارد شده و جمهور امت از گذشته تا حال بر آن اتفاق داشته‌اند. از این رو به مخالفت یکی دونفر نباید اعتنای کرد. معنا ندارد در مورد خروج فاطمی موعود منتظر که ادلّه بر آن گواهی می‌دهد، شک کنیم و انکار آن جسارتی بزرگ در مقابل نصوص مشهور و فراوانی است که به حد تواتر رسیده‌اند.^۲

با توجه به آنچه ذکر شد، قریب به اتفاق اهل سنت اجمالاً به «مهدویت» اعتقاد داشته و منتظر مهدی موعود از اهل بیت رسول خدا^{علیه السلام} و نسل فاطمه زهراء^{علیها السلام} هستند. عبدالمحسن العباد در قسمتی از مقالهٔ خود چنین می‌آورد:

من بعضی از سخنان اهل علم را در شأن «مهدی»، که در آخرالزمان ظهور می‌کند، در این جا آوردم تاثیات و یقین توای خواننده محترم زیادگردد و مطمئن باشی که اعتقاد به خروج او در آخرالزمان راهی است که همهٔ پیشینیان رفته‌اند و عدول از آن جایز نیست و بدانی که تکیه‌گاه اهل علم در این مسأله به احادیث وارده از رسول خدا^{علیه السلام} است؛ زیرا این مجال، مجال رأی و اجتهاد نمی‌باشد [از امور غیبی است] و فقط باید از طریق وحی روشن گردد.^۳

ترددکنندگان

متأسفانه بعضی از عالمان اهل سنت، مهدی موعود را انکار یا درباره‌اش تردید کرده‌اند و احادیث وارده در شأن ایشان را جعلی یا ضعیف پنداشته‌اند. برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. ابو محمد بن ولید بغدادی با استناد به حدیث منسوب به پیامبر: «لَا مَهْدَىٰ إِلَّا عِسَىٰ بْنُ مَرْيَمٍ»، وجود مهدی موعود را انکار کرده است. ابن تیمیه بعد از نقل سخن او، در ردّ وی می‌گوید:

۱- الامام المهدی عند اهل السنّة، ج ۲، ص ۴۴۹ - ۱۴۶.

۲- الاذاعه، سید محمد صدیق حسن، ص ۱۴۵ - ۱۴۶.

۳- الامام المهدی عند اهل السنّة، ج ۲، ص ۴۲۴.

اولاً سند حديث مذکور ضعیف است و نمی‌تواند با احادیث مهدی موعود معارضه کند و بر آن‌ها غالب گردد. ثانیاً بر فرض صحت با احادیث مهدی موعود از نسل رسول خداقابل جمع است.^۱

۲. ابن خلدون در صحت احادیث مهدی تردید کرده است. او در مقدمه‌اش می‌گوید:

در طول اعصار و قرون گذشته بین مسلمانان مشهور بوده است که حتماً در آخرالزمان مردی از اهل بیت رسول خدا به نام مهدی ظهور می‌کند و دین را تقویت کرده، عدل را اقامه می‌کند. مسلمانان از او پیروی می‌کنند و بر ممالک اسلامی مسلط می‌گردد و خروج دجال و دیگر علامات قیامت بعد از ظهور و خروج او است و عیسیٰ از آسمان نازل می‌شود و او را باری می‌دهد و در نماز به او اقتدا می‌کند. تکیه‌گاه مسلمانان در این اعتقاد، احادیثی است که امامان حديث، در کتاب‌های خود آورده‌اند و منکران نیز درباره این احادیث سخنانی گفته و اخباری معارض آن‌ها مطرح کرده‌اند.^۲

البته خود ابن خلدون پس از ذکر روایات مربوط به حضرت مهدی -با این‌که وی همه روایات را جمع نکرده و فقط قسمتی را آورده است- تصریح می‌کند بعضی از آن‌ها صحیح و بری از نقد و اعتراضند:

این‌ها مجموعه احادیثی است که امامان حديث در شأن مهدی و خروج ایشان در آخرالزمان در کتب خود آورده‌اند و این روایات همان‌طور که دیدی از نقد در امان نیستند جز تعداد کمی از آن‌ها.^۳

با توجه به این‌که مسأله مهدویت از امور غیبی است و برای علم به آن راهی جز نقل نیست، تردید ابن خلدون در این مسأله با اعتراف به وجود تعداد کمی -حتی یک- روایت صحیح در این مورد، بی‌جا می‌باشد.^۴

۳. ابوالاعلی مودودی نیز از جمله کسانی است که روایات مربوط به مهدی را ضعیف دانسته و آن‌ها را مطابق موازین امام بخاری ندانسته و حجّت نمی‌شمرد.^۵

۱- الامام المهدی عند اهل السنّة، ج ۲، ص ۴۲۴، برای توجیه جمع گفته‌اند: منظور از «لَا مُهَدِّئِ إِلَّا عِصَمِيْنْ مَرْيَم» یعنی «لَا مُهَدِّئِ كَامِلًا مَعْصُومًا إِلَّا عِصَمِيْنْ مَرْيَم»، همان، ص ۴۱۱.

۲- تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۶۰. ۳- همان، ص ۲۶۹.

۴- ایرادهای زیاد دیگری برای خلدون گرفته‌اند که از ذکر آنها صرف نظر کردیم. ر. ک. الامام المهدی عند اهل السنّة،

۵- الامام المهدی عند اهل السنّة، ج ۲، ص ۴۲۶-۴۲۷.

۴. رشید رضا نیز با اعتماد بر کلام ابن خلدون، احادیث واردہ در شأن مهدی را ضعیف شمرده، همه آنها را جعل شیعه می داند^۱ و حال آن که هر دو دلیل او باطل است. اولاً همه عالمان اهل سنت و از جمله ابن خلدون حداقل به صحت بعضی از روایات مربوط به مهدی گواهی داده‌اند و ثانیاً کتب روایی معتبر اهل سنت از صدر اسلام تا کنون این روایات را با استناد معتبر و از غیر طریق شیعه نقل کرده‌اند.

۵. فرید وجدی صاحب دایرةالمعارف قرن بیستم نیز احادیث واردہ در شأن مهدی را جعلی می داند.^۲ عبدالمحسن عباد در رد او گوید:

وقتی فرید وجدی احادیث واردہ در شأن دجال را با همه کثرت آنها وجودشان در صحیحین، جعلی و از اساطیر می داند، پس جعلی دانستن احادیث واردہ در شأن مهدی از نظر او اولی است؛ زیرا غالب آنها در غیر صحیحین وارد شده‌اند.^۳

۶. احمد امین مصری نیز در کتاب ضحی الاسلام مهدویت را از اختراعات شیعیان دانسته است و اظهار می‌کند:

آنها وقتی خلافت را از دست دادند با جعل این روایات به پیروانشان روحیه می دانند و اذهان ساده نیز در جهان اسلام این روایات را قبول کرد و نقل نمود.^۴
وقتی احمد امین همه امامان حدیث سنّی و عالمان آنها را در طول تاریخ افراد ساده‌ای می شمرد که فریب گروهی جاعل حدیث را می خورند، دیگر لزومی برای جوابگویی به ادعای او وجود ندارد.

این، اسامی افرادی بود که در طول تاریخ اسلام احادیث مربوط به مهدی را انکار و یا در آن تردید کرده‌اند و مخالفت این عدهٔ کم در مقابل اتفاق قاطبه عالمان اهل سنت در طول تاریخ آن هم بدون استناد محکم نقلی یا عقلی هیچ ضرری به این اتفاق نظر در مورد اعتقاد به مهدی آخرالزمان نمی‌زند و باید با کلام محکم و قاطع گفت که: اعتقاد به مهدی اهل بیت که در آخرالزمان ظهور می‌کند از صدر اسلام تا به حال در بین اهل سنت مشهور بوده و عالمان و محدثان و مفسران سنی بر صحت آن تأکید ورزیده‌اند.

۱- همان، ص ۴۵۴.

۲- دایرةالمعارف قرن بیستم، فرید وجدی، ج ۱۰، ص ۴۸۰-۴۸۱.

۳- الامام المهدی عند اهل السنّة، ج ۲، ص ۴۵۵.

۴- همان، ص ۴۵۹ به نقل از ضحی الاسلام، ج ۳ ص ۲۴۱-۲۴۵.

پاسخ به دو مطلب

مطلوب اول: چرا احادیث مربوط به مهدی (عج) در صحیحین نیامده است و آیا این نیامدن دلیل بر عدم اعتبار آنها نیست؟ دلیل عمدۀ افراد فوق برای انکار یا تضعیف احادیث مربوط به مهدی (عج)، نبودن این روایات در صحیحین است. آنها می‌گویند اگر این روایات صحیح و معتر بود، در صحیحین می‌آمد.

در جواب گفته شده: اولاً^۱: مضمون روایات مهدی (عج) به صورت اجمال در صحیحین آمده است.^۲ آنچه در شان مهدی (عج) در صحیحین آمده به شرح زیر است:

۱. بخاری در صحیح در باب نزول عیسیٰ از ابو هریره از رسول خدا نقل می‌کند:

كَيْفَ أَتُّمْ إِذَا نَزَلَ أَبْنُ مَرْيَمَ فِيْكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؟

چگونه خواهید بود آن‌گاه که فرزند مریم در بین شما نازل شود و امام شما از خودتان باشد؟

۲. مسلم در صحیح در کتاب ایمان همین حدیث را نقل می‌کند و باز از ابی هریره از رسول خدا نقل می‌کند:

كَيْفَ أَتُّمْ إِذَا نَزَلَ فِيْكُمْ أَبْنُ مَرْيَمَ فَآمَامُكُمْ مِنْكُمْ؟

چگونه خواهید بود آن‌گاه که فرزند مریم در بین شما نازل شود و فردی از خودتان امامت کند؟

۳. مسلم در صحیح از جابر از رسول خدا نقل می‌کند:

لَا تَرَالْ طَائِفَةً مِنْ أُمَّتِي يُغَاثُلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَيَسِّرْ لِعَسَى بْنُ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُ لَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أُمَّاءُ تَكْرِمَةُ اللَّهِ هُنَّهُوَ الْأُمَّةُ.^۳

پیوسته طایفه‌ای از امت من در راه حق پیکار می‌کنند تا روز قیامت پس عیسی بن مریم نازل می‌شود و امیر آن گروه مؤمن به او می‌گوید: بیایید برای ما اقامه نماز کنید (امام جماعت باشید). حضرت عیسی جواب می‌دهد: نه، بعضی از شما باید برعضی امیر باشد؛ زیرا خداوند می‌خواهد این امت را گرامی بدارد.

۱ - ر.ک: موسوعة اطراف الحديث النبوی الشریف، ج ۶، ص ۵۲۰؛ الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲ - صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۰۵، باب نزول عیسی بن مریم از کتاب الانبیاء، دار احیاء التراث العربي.

۳ - صحیح مسلم، ج ۲-۱. جزء اول، ص ۹۴، صحیح مسلم بشرح النّووی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۴ - صحیح مسلم، ج ۲-۱، جزء اول، ص ۹۴؛ فیض القدیر، ج ۵، ص ۵۸.

عبدالمحسن العباد گوید: این احادیث بر دو مطلب دلالت صریح دارد:

اول - هنگام نزول عیسی مردی از مسلمانان متولی امور آنان است.

دوم - این که آن امیر از عیسی طلب می‌کند که امامت جماعت را عهده‌دار شود، دلالت بر ایمان و صلاح آن امیر دارد. بنابراین در این روایت گرچه به لفظ «مهدی» تصریح نکرده، ولی صفت «مهدی» و «هدایت یافتنگی» را برای آن امیر اثبات نموده است.

ثانیاً: در کتب سنن و مسانید، احادیث فراوانی در شأن مهدی وارد شده که بسیاری صحیح و حَسَن هستند و وقتی در کنار این‌ها قرار گیرند به خوبی برای ما روشن می‌گردد که آن احادیث ناظر به همین احادیث هستند و نام «مهدی» مربوط به همین امیر است؛ چون در آن احادیث هم بر امارت مهدی از مسلمانان و از اهل بیت و نسل فاطمه و هم بر نزول عیسی در آن زمان و طلب مهدی از او برای امامت و جواب عیسی تصریح شده و همگی مؤید این معنا می‌باشد.

ثالثاً: این که حدیثی در صحیحین ذکر نشده باشد، دلیل بر ضعف آن حدیث نیست؛ زیرا آن‌ها نه خودشان مدعی بوده‌اند که تمام احادیث صحیح را جمع آوری کرده‌اند و نه کسی چنین ادعایی درباره آن‌ها کرده است و عالمان حدیث اهل سنت در طول تاریخ اسلام در مقام عمل و گفتار بر این مطلب تأکید کرده‌اند و سند بسیاری از اعتقادات و احکام، احادیث صحیحی است که در غیر صحیحین موجود می‌باشد. یکی از کتاب‌های حدیثی معروف درین اهل سنت «المستدرک علی الصحیحین» از حاکم نیشابوری است. ایشان احادیثی را که بنا بر شرط بخاری و مسلم یا یکی از آنان صحیح بوده؛ ولی در کتاب آنها نیست، جمع آوری کرده است.^۱

با توجه به مطالب یاد شده معلوم شد که نیامدن تفصیلی احادیث مهدی در صحیحین دلیل بر عدم حجیت و تضعیف آن‌ها نمی‌باشد.

مطلوب دوم - یکی از دلایل افرادی که در احادیث مربوط به مهدی(عج) تردید کرده‌اند این است که اعتقاد به مهدی از اهل بیت که در آخرالزمان ظهور می‌کند، جزو اعتقادات اهل سنت نیست و در هیچ کتاب اعتقادی‌ای ذکر نشده است.

در جواب این شبهه گفته‌اند یکی از اعتقادات اهل سنت و حدیث، تصدیق اخباری است که از رسول خدا^{علیه السلام} به طریق صحیح نقل شده است و از آن جمله اخبار مهدی(عج) می‌باشد. سفارینی از عالمان بزرگ اهل سنت در کتاب عقیده‌اش گفته:

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۳.

ایمان به خروج مهدی واجب است و این مطلب در نزد اهل علم، مقرر و در کتب عقاید اهل سنت و جماعت، مدون است.^۱

چند نکتهٔ مورد اختلاف

تا این جا روشن شد که قاطبۀ عالمان اهل سنت احادیث واردۀ در شأن مهدی را حجت دانسته و اعتقاد به مهدی از اهل بیت را که در آخر الزمان خروج می‌کند و عدل و داد را گسترش می‌دهد لازم می‌دانند.

ولی چند مطلب درباره حضرت مهدی (عج) مورد اختلاف واقع شده است از جمله:

نکتهٔ اول: شیعه معتقد است مهدی موعود (عج) فرزند امام حسن عسکری است که در سال ۲۵۵ ه. ق. تولد یافت و هنگام شهادت پدرش در سال ۲۶۰ ه. ق، پنج ساله بود. ایشان در کودکی عهده‌دار امامت شد و از آن پس مخفیانه زندگی کرد. فقط افراد محدود و مخصوصی - نایبان و سفیران - می‌توانستند با ایشان تماس بگیرند و بعد از مدتی این ارتباط محدود نیز قطع شد و زندگی کاملاً مخفی آن امام شروع شد و هنوز ادامه دارد. گرچه ایشان در این مدت طولانی افراد بسیاری را به حضور پذیرفته است، ولی هیچ‌کس حق ندارد خود را سفیر یا وکیل ایشان معرفی کند و یا مدعی رساندن دستور و تکلیفی از ایشان باشد. این زندگی مخفی ادامه دارد تا روزی که خداوند او را به ظهور فرمان دهد و آن روز ایشان خروج کرده و ریشه ظلم و ستم را خواهد کند و عدل را در گستره زمین، حاکم خواهد کرد.

بسیاری از عالمان اهل سنت از گذشته تا کنون در این اعتقاد با شیعه همراه بوده و هستند. نویسندهٔ کتاب «منتخب الاثر» نام ۶۸ نفر و کتاب «نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی (عج)» نام ۱۰۱ نفر از عالمان بزرگ اهل سنت را ذکر می‌کند که معتقدند «مهدی» همان فرزند امام حسن عسکری است که متولد شده و اینک مخفیانه زندگی می‌کند و روزی که اراده خدا تعلق بگیرد، ظهور خواهد کرد؛ از جمله:

قاضی فضل بن روزبهان

شیخ احمد جامی

عطار نیشابوری

۱- المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۵۴

جلال الدين رومى

صلاح الدين صفى

قاضى بهلول بهجهت افندى؛ مؤلف كتاب «المحاكمه فى تاريخ آل محمد»^۱

شمس تبريزى (شيخ مولوى)

ابن خلکان؛ مؤلف وفيات الاعيان

سيد شبلنجى؛ مؤلف نورالبصار

سيوطى

شاه ولی الله دھلوی

بیهقی؛ صاحب شعبات الايمان

ياقوت حموی؛ صاحب معجم البلدان

شيخ سليمان قندوزی شافعی؛ صاحب ينایع المودة

محی الدین ابن عربی

و...

ولی در بین عالمان اهل سنت نظرهای دیگری نیز بوده یا هست، از جمله:

اول - بعضی با استناد به سخنی منسوب به پیامبر «لَا مَهْدِيَ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَم» مهدی موعود را همان عیسی^{علیه السلام} دانسته‌اند. باطل بودن این قول کاملاً آشکار است و مخالفت آن با احادیث فراوان و متواتر وارد شده در شأن مهدی از خاندان پیامبر، واضح می‌باشد و روایت مذکور که مورد استناد آنان واقع شده از لحاظ «سنده» و «متن» خدشده دارد و قابل ملاحظه نیست.

دوم - بعضی «مهدی عباسی» را مصدق این روایات دانسته‌اند، ولی این نیز صحیح نیست. گرچه اخباری در کتب اهل سنت نقل شده که مهدی از نسل عباس بن عبدالمطلب است، ولی جعلی بودن این اخبار نیز واضح است به عنوان مثال خبری از رسول خدا نقل شده که به عمومیش عباس فرمود:

آیا مژده ندهم تو را که از نسل تو برگزیدگان هستند و از عترت تو خلفا هستند و مهدی

آخرالزمان که خداوند به وسیله او هدایت رانش رمی‌دهد، از نسل تو است.^۱

چنان که در این نقل نیز آمده مهدی موعود در آخرالزمان ظهور می‌کند و حال آن که مهدی

۱- الإمام المهدي عند اهل السنّة، ج ۲، ص ۱۰، به نقل از «لوائح الانوار البهائية»، شيخ محمد سفاريني.

عباسی دورانش تمام شده است؛ گرچه از نظر عالمان اهل سنت او خلیفهٔ خوبی بوده، ولی نمی‌توان وی را جزو خلفای عادل و راشد شمرد. دیگر این که در بین فرزندان عباس بن عبدالملک کسانی که بتوان آنان را «اصفیای خدا» نامید، شناخته نمی‌شود. روایات صحیح دلالت دارد که مهدی از نسل فاطمه[ؑ] است و با وجود آن روایات نمی‌توان به این نقل‌ها اعتماد کرد.

سوم - بنا بر بعضی نقل‌های ثبت شده در کتب عامّه، مهدی از نسل امام حسن[ؑ] و پدرش همنام پدر رسول خدا (یعنی عبدالله) است. جعلی بودن این روایات نیز آشکار است؛ زیرا روایات صحیح دلالت بر این دارد که او از نسل امام حسن[ؑ] و نام پدرش حسن و دوازدهمین امام است. دقیقت در تاریخ اسلام، جعلی بودن این نقل‌ها و علت جعل آن‌ها را آشکار می‌کند. یکی از کسانی که به عنوان مهدی موعود در تاریخ معرفی شد و پیروان او می‌خواستند با استناد به روایات مربوط به مهدی، مردم را به سوی او جلب کنند، محمد بن عبدالله از نوادگان امام حسن مجتبی[ؑ] و معروف به «نفس زکیه» بود. او که در زمان سفّاح و منصور عباسی قیام کرد، از طرف پیروانش به عنوان مهدی موعود معرفی شد؛ زیرا هم‌نام رسول خدا بود. مخالفان شیعه و پیروان او در روایات دست بردن «و إِسْمُ أَبِيهِ أَسْمَ أَبِي» = نام پدرش، نام پدر من (عبدالله) است^۱ را در روایات مربوط به مهدی افزودند و روایاتی نیز جعل کردند مبنی بر این که مهدی موعود از نسل امام حسن مجتبی است تا بتوانند روایات را بر محمد بن عبدالله فرزند حسن مشتمی فرزند امام حسن مجتبی تطبیق کنند.

آنان که مهدی را از نسل امام حسن[ؑ] می‌دانند، توجیهی برای آن ذکر می‌کنند که شنیدنی است. ابن قیم^گ گوید:

سر این که مهدی از نسل امام حسن است، این می‌باشد که امام حسن به خاطر خدا خلافت را رها کرد و خداوند نیز به پاداش، در نسل او کسی را قرار داد که خلافت را به عهده گیرد و زمین را پراز عدل و داد کند و این سنت خداست که هر کس چیزی را به خاطر خدارها کند خداوند به ذریعه او بهتر از آن راعطا می‌کند، ولی امام حسین بر خلافت حریص بود و به خاطر رسیدن به آن جنگید، ولی به آن نرسید.^۲

۱ - عبارت منقول این چنین است:

«بُنَاطِيْهُ اسْمُهُ اسْمِيْ وَ اسْمُ ابِيهِ اسْمَ ابِي». برای پی بردن به وجه مردود بودن این نقل ر.ک: منتخب الائمه، ص ۲۳۱ - ۲۳۵.

۲ - المنار المنیف فی الصحيح والضعیف، ابن قیم الجوزی، ص ۱۵۱.

چنین داوری‌هایی نسبت به ذریء رسول خدا از افرادی که به شأن آن‌ها علم نداشتند یا انکار می‌کردند، بعید نیست.

البته در نقلی از رسول خدا خطاب به فاطمه زهراء^{علیها السلام} آمده است:

ای فاطمه! قسم به آن کس که مراببه حق فرستاد، مهدی این امت از نسل حسن و حسین است.^۱

این نقل توجیه صحیحی دارد؛ زیرا دختر امام حسن مجتبی^{علیهم السلام} به نام فاطمه با امام زین العابدین پسر امام حسین^{علیهم السلام} ازدواج کرد و شمره آن ازدواج امام باقر^{علیهم السلام} بود. حضرت مهدی نیز از نسل امام باقر^{علیهم السلام} است؛ پس او از نسل امام حسن و امام حسین^{علیهم السلام} است.

نکته دوم؛ گروهی از اهل سنت معتقدند او هنوز متولد نشده و در آینده متولد خواهد شد. ابن ابی الحدید گوید:

در نزد ما معتزلی‌ها او هنوز متولد نشده و در آینده متولد خواهد شد.^۲

این افراد هیچ دلیل معتبری بر متولد نشدن امام زمان در گذشته و تولد ایشان در آینده ندارند؛ زیرا ولادت امام یک مسأله پنهانی و غیر عقلی است و راهی برای علم به آن جز از راه اخبار افراد صادق و عادل یا مشاهده مولود وجود ندارد. آنچه دلیل عقلی اقتضا می‌کند، محال نبودن عمر طولانی است. البته انسان‌ها امور غیر عادی را بعید می‌شمرند، ولی عقل، آن‌ها را محال نمی‌داند. این که فرزند متولد شده در سال ۲۵۵ ق. عمری طولانی و بیش از چند صد سال خواهد کرد و یا این که منجی آخرالزمان عمر طولانی نداشته و در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد، امور عقلی نیستند تا برای اثبات یا نفی آن‌ها دلیل عقلی بیاوریم و راهی جز استناد به نقل صحیح نداریم. شیعه و همفکران با او با توجه به حکم عقل به محال نبودن عمر طولانی و با توجه به احادیث فراوان و مورد اعتماد از رسول خدا و نقل متواتر عالمان در طول تاریخ اسلام، بر این عقیده اندکه مهدی موعود همان فرزند امام عسکری است که در سال ۲۵۵ ق. متولد شد و بعد از پدرش به صورت پنهانی زندگی کرد و افراد معین و محدودی با ایشان ارتباط داشتند و پس از آن مدت نیز مطابق آنچه رسول خدا و امامان پیشین خبر داده بودند، زندگی کاملاً مخفی خود را آغاز کرد و به فرمان خدا، همه ارتباط‌های منظم و معین خود را با افراد قطع کرد تا آن‌گاه که خداوند او را امر به ظهور کند، ولی منکران این مطلب فقط به این دلیل که زندگی طولانی بعید است، تولد امام زمان را

۱- الاذاعه، ص ۱۳۶. ۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۸۱.

انکار کرده، معتقد‌نند مهدی در آینده متولد خواهد شد. تفتازانی از علمای بزرگ اهل سنت می‌گوید:

شیعه گمان می‌کند مهدی موعود همان محمد بن حسن عسکری است که به جهت در امان ماندن از دشمنان، زندگی مخفی را در پیش گرفت و طولانی بودن عمر ایشان محال نیست، همان‌طور که نوح، لقمان و خضر^۱ عمر طولانی داشته‌اند. سایر فرقه‌های مسلمان این مطلب را منکرند؛ زیرا این ادعای چیز جدّاً بعیدی است و ما در بین افراد این امت کسی را سراغ نداریم که چنین عمر طولانی داشته باشد و دلیل و اماره و اشاره‌ای هم بر آن از جانب رسول خدا اقامه نشده است. واقعاً بعید است کسی این مدت طولانی از مردم پنهان باشد؛ به طوری که هیچ خبری از او نباشد.^۲

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، دلیل اینان فقط استبعاد است و حتی ادله فراوان وارد شده از رسول خدا^۳ و امام علی^۴ مبنی بر غیبت امام دوازدهم را نیز انکار می‌کند و توجیه ناصحیح می‌نمایند. جوینی در فرائد السمعین از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود:

مهدی (عج) از نظر خلقت و اخلاق شبیه‌ترین مردم به من است و او یک دوران غیبت و سرگردانی دارد که در آن دوران امتهایی گمراه می‌شوند.

امام علی^۵ در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه، ضمن اشاره به پیش آمدگاهی آینده‌می فرماید: ای مردم! وقت است که هر وعده نهاده درآید و آنچه رانمی شناسید (از پرده) برآید. هر که از ما (اهل بیت) بدان رسد، با چراغی روشن در آن راه رود و برجای پای صالحان گام نهد تا بند (از گردن‌ها) بگشاید و از بندگی آزاد نماید. جمیع (گمراهان) را پراکنده گرداند و پریشانی (مؤمنان) را به جمیعت کشاند و نهان از مردمان (کار راند). پیشناش به نشان او راه نبرد هر چند پیاپی نگردد...

این خطبه به وضوح دلالت دارد که فردی از اهل بیت از پس پرده غیبت به هدایت و دستگیری مؤمنان همت دارد و با توجه به ادله و قرایین دیگر معلوم می‌شود منظور امام، مهدی موعود (عج) می‌باشد. ابن ابی الحدید در شرح این خطبه متوجه این مطلب شده و در پی توجیه آن

۱- شرح مقاصد، سعد الدین تفتازانی، ج ۵، ص ۳۱۳ ۲- فرائد السمعین، جوینی، ج ۲، ص ۳۳۵

۳- نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، خطبه ۱۵۰، ص ۱۴۶؛ المسترشد، طبری، ص ۷۴

مطابق عقاید خودش برمی آید. او می نویسد:

این کلام [فی سترة عن الناس] دلالت دارد که این شخص مورد اشاره پنهان و مخفی از مردم است و این کلام به درد امامیه نمی خورد گرچه آنان آن را تصريحی بر اعتقاد خود گمان کرده اند؛ زیرا جایز است که این امام را خداوند در آخرالزمان خلق کند و مدتی از مردم مخفی باشد و مأموران تبلیغی او در این مدت مردم را به سوی او دعوت کنند و بعد از پیشرفت کارش، ظاهر شود...^۱

در کلام دیگری امام علیؑ می فرماید:

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِذَبَبٍ فَيَحْتَمِلُونَ إِلَيْهِ...^۲

آن گاه که چنین شود [اشارة به مطلبی که امام فرموده و ثبت نشده است] آن آقای بزرگ و پیشوای دین، مستقر و پابر جاگردد و (مؤمنان) به دورش اجتماع کنند... ابن ابی الحدید در شرح این کلام نیز مانند قبل به دلالت حدیث بر غیبت امام اقرار می کند و آن گاه به توجیه برمی خیزد. او می گوید:

معنای «ضَرَبَ بِذَبَبٍ» یعنی بعد از زمانی که استقرار نداشت و هر روز در جایی بود، استقرار یابد؛ زیرا «يعسوب» به معنای پادشاه زنبور عسل است که بیشتر ایام در پرواز است و آن گاه که دُمش رابه زمین بزند، پرواز و سیر را هاکرده و استقرار می یابد.

این کلام مانند مذهب امامیه است که معتقدند مهدی به خاطر خوف از حاکمان ظلم و جور، در جایی استقرار ندارد، بلکه به صورت سیار زندگی می کند تا آخرالزمان که ظهور کند و استقرار یابد، ولی مطابق مذهب ما بعید نیست. امام مهدی که در آخرالزمان ظهور می کند، در ابتداء هنوز کارش استوار نشده و از این رو در جایی استقرار ندارد تا این که بعد از مدتی حکومتش تثبیت شود.^۳

نکته سوم: شیعه و بسیاری از عالمان اهل سنت^۴ به عصمت امامان و از جمله مهدی موعود معتقدند. ابن سیرین تصریح می کند که مهدی بر خلیفه اول و دوم و حتی بر بعضی انبیا فضیلت دارد.^۵

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۲۸.

۲- نهایه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۲۰۲.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۱۰۵.

۴- از جمله آنان محمد بن طلحه شافعی نویسنده مطالب السؤال، سبط ابن جوزی نویسنده تذكرة الخواص، ابن حجر

در الصواعق المحرقة و....

۵- الامام المهدی عند اهل السنّة، ج ۱، ص ۵۰۶.

بعضی از روایاتی که از طریق اهل سنت وارد شده و بر عصمت آن حضرت دلالت دارد عبارتند از:

۱. امام زمان (عج)، در روایات به «مهدی» و «هدایت شده» لقب یافته که به صورت مطلق و بی قید و شرط فقط درباره معصوم ﷺ معنا دارد. قرآن می فرماید:
 الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ.^۱
 آنان که ایمان آورند و ایمان خود را با ظلم (کفر و شرک نیالودند)، آنان در امان و راه یافته‌اند.

وقتی رسول خدا که قرآن ناطق است، فرزندش را بدون قید و شرط «مهدی» لقب می‌دهد، معلوم است که با این لقب دادن بر عصمت او اشاره و بلکه تصریح دارد.

۲. در روایات، رسول خدا مهدی را «خَلِيفَةُ اللَّهِ»^۲ خوانده است که جز معصوم کسی نمی‌تواند باشد.

یکی از عالمان اهل سنت چنین می‌نویسد:

- از دلایل برتری مهدی (بر دو خلیفه اول و دوم) این است که رسول خدا او را «خَلِيفَةُ اللَّهِ» نامید و حال آن که به ابوبکر خدا کثر «خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ» گفته می‌شود.^۳
۳. رسول خدا فرمود: «الْمَهْدِيُّ يَقُولُ أَثْرَى»^۴ مهدی رَدَّ مرا پیروی می‌کند. «محی الدین بن عربی» می‌گوید:

مهدی موعود، شریعت محمدی را از ملک به الهام می‌گیرد و مطابق آن حکم می‌کند و همچنان که حدیث «الْمَهْدِيُّ يَقُولُ أَثْرَى» دلالت دارد، معصوم از خطاست.^۵

۴. در روایات تأکید شده که «الْمَهْدِيُّ مِنِّي»^۶، «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِشْرَتِي»^۷ یا «مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»^۸ و این تأکیدها دلالت دارد که مهدی (عج) معصوم است؛ زیرا همچنان که رسول خدا معصوم است، هر کس از اوست نیز معصوم است و در جای خود ثابت شده که اهل بیت معصومند و آیه تطهیر بهترین شاهد بر طهارت اهل بیت است.

۵. در نقلی وارد شده که «يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاوَاتِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ = ساکنان آسمان و زمین از

۱- انعام (۶)، آیه ۸۲

۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۳، حدیث ۴۰۸۴

۳- الاشعاعه لا شرط الساعه، شریف برزنگی، ص ۱۱۳. ۴- الامام المهدی عند اهل السنّه، ج ۲، ص ۳۸

۵- همان.

۶- سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۷

۷- همان.

۸- همان.

او راضی می‌شوند». اگر چه ساکنان زمین و آدمیان ممکن است که از کسی راضی باشند که معصوم نیز نباشد، ولی ملائکه و ساکنان آسمان چون به باطن علم دارند از کسی که ذرّه‌ای شرک در وجود او باشد و مرتكب ظلمی اگر چه کوچک شده باشد؛ راضی نخواهند بود. پس رضایت مطلق ساکنان آسمان از امام مهدی(عج) دلیل عصمت اوست.

۶. رسول خدا فرمود: «مهدی شبیه ترین مردم به من است از حیث خلقت و اخلاق»^۱ این حدیث نیز به خوبی بر عصمت آن جناب دلالت دارد.

۷. رسول خدا فرمود: «من، علی، حسن، حسین و نفر از نسل حسین مطهر و معصوم هستیم».^۲

۸. روایات فراوانی دلالت دارد که عیسی^۳ به مهدی موعد اقتدا می‌کند^۴ و خود این مطلب به وضوح دلالت بر معصوم بودن مهدی(عج) دارد چون صحیح نیست خداوند پیامبر معصومش را موظف کند به فردی غیر معصوم اقتدا کند.

۹. این که درباره امام مهدی در روایات فراوان وارد شده که ایشان جهان را پر از عدل و داد می‌کند، خود دلیل محکمی بر عصمت ایشان است؛ زیرا کسی که معصوم نیست هر چند فرد مؤمن و عادلی نیز باشد، ولی چون معصوم نیست، خطأ و اشتباه از او سرمی زند و عبارت «یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»^۵ سزاوار او نخواهد بود، ولی پرکردن زمین از قسط و عدل فقط از جانب حاکمیت معصوم است.

نکته چهارم: آیا مهدی^۶ از عیسی^۷ برتر است؟ روایات ثبت شده در کتب اهل سنت، صراحة دارد حضرت عیسی بعد از نزول به امام مسلمانان یعنی مهدی موعد اقتدا می‌کند و خود این بهترین دلیل بر فضیلت و برتری حضرت مهدی است. برخی عالمان اهل سنت به عللی نخواسته‌اند این فضیلت حضرت مهدی را پذیرند و چون هیچ دلیل محکم و متقنی نیافته‌اند به توجیهات سنتی متول شده‌اند. مثلاً^۸ گفته‌اند ابتدا حضرت عیسی به مهدی اقتدا می‌کند تا نشان دهد که بر دین جد اوست و پس از آن حضرت مهدی به حضرت عیسی^۷ اقتدا می‌کند.^۹ این توجیهات بدون استناد، باطل است و نمی‌توان به آن‌ها توجه کرد. این که آیا عیسی امام می‌شود یا

۱- مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۷ دار صادر بیروت.

۲- فرائد السمعطین، ج ۱۲، ص ۳۳۵ ۳- فرائد السمعطین، ج ۲، ص ۲۱۳.

۴- بعضی از این روایات در ادامه نخواهد آمد.

۵- سنن، ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، حدیث ۴۲۸۲
۶- الامام المهدی عند اهل السنّه، ج ۲، ص ۴۶۴، ردیه شیخ عبدالمحسن العباد بر منکران حضرت مهدی(عج) به نقل از شیخ علی قاری از علمای اهل سنت.

مهدی؟ نیز امری غیبی است و جز نقل راهی برای علم به آن وجود ندارد. روایات صراحت دارد که عیسی ب مهدی اقتدا می‌کند و زبان روایات نیز زبان مدح و تفضیل است و این با مأمور واقع شدن مهدی بعد از مثلاً نماز اول نمی‌سازد. به روایات زیر توجه کنید:

إِنَّ الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلَفَهُ.^۱

از ماست آن شخص که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گزارد.

هُوَ الَّذِي يَتَّقَدِّمُ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ^۲

او کسی است که بر عیسی بن مریم امامت می‌کند.

سُدّی می‌گوید:

يَجْتَمِعُ الْمَهْدِيُّ وَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيَجِيِّءُ وَ قُتُّ الصَّلَاةِ فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ لِعَيْسَى: تَقْدَمْ فَيُقُولُ عَيْسَى: أَنْتَ أَوْلَى بِالصَّلَاةِ فَيُصَلِّي عَيْسَى وَرَاءَهُ مَأْمُومًا.^۳

مهدی و عیسی بن مریم با هم مجتمع می‌شوندو وقت نماز فرامی‌رسد. مهدی به عیسی می‌فرماید: پیشقدم شو (ونماز بگزار) و عیسی می‌فرماید: شما بر نماز گزاردن اولی هستید، پس عیسی پشت سر او به عنوان مأمور نماز می‌گزارد.

امامت امام مهدی (عج) بر عیسی بن مریم^۴ از مسلمات حدیث است و حتی در صحیحین همچنان که گذشت با این که نام امام نیامده، ولی امامت ایشان مورد تأکید واقع شده است. در احادیث حتی علت تقدّم حضرت نیز بیان شده است و آن کرامت خاصی است که به رسول خدا و اهل بیت ایشان عطا شده است؛^۴ به طوری که کسی دیگر نمی‌تواند بر اهل بیت امام باشد و حتماً امام بر اهل بیت باید از خودشان باشد.

گفتنی است احادیث واردہ در شأن مهدی^۴ در کتب اهل سنت - همچنان که خواهید دید - مجموعه‌ای است که اگر با هم و در کنار هم مورد ملاحظه قرار گیرند، هر حدیثی فراز و نقطه‌ای را روشن می‌کند و مطالب زیر از آن‌ها به دست می‌آید:

۱. جانشینان رسول خدا دوازده نفرند که تا قیامت جانشینی ایشان را عهده‌دار هستند.

۲. اولین جانشین رسول خدا امام علی^۴ و آخرین آن‌ها حضرت مهدی است.

۳. حضرت مهدی از فرزندان فاطمه زهرا و از نسل حسین بن علی است.

۲- همان.

۱- الامام المهدی عند اهل السنّة، ج ۲، ص ۸۸

۴- صحیح مسلم، ج ۲- ۱، جزء اول، ص ۹۴.

۳- تذکرہ الخواص، سبیط ابن جوزی، ص ۳۶۴

۴. فرزند امام حسن عسکری است.
۵. از اهل بیت و معصوم است.
۶. نام و کنیه او، نام و کنیه رسول خداست.
۷. دارای غیبی است که مدت آن را جز خداکسی نمی‌داند.
۸. پس از غیبی طولانی و پرشدن جهان از ظلم و ستم ظهور کرده، آن را از عدل و دادسرشار می‌سازد.
۹. حضرت عیسی ﷺ به یاری ایشان فرود آمده، به وی اقتضا می‌کند.
مطلوب یاد شده از روایات مکتوب در کتب معتبر اهل سنت به خوبی آشکار است و غالباً عالمان اهل سنت بر آنها اعتقاد دارند. در بخش‌های بعد نمونه‌هایی از این روایات ذکر خواهد شد.

فصل سوم

ویژگی‌های حضرت مهدی(عج)

بعد از آن که دانستیم زمامدار و دادگستر آینده جهان، حضرت «مهدی» است، لازم است با خصوصیات و ویژگی‌های ایشان بیشتر آشنا شویم.

نام

نام ایشان به اتفاق شیعه و سنی «م ح م د» است. روایات زیادی بر این مطلب تصریح دارد که برای نمونه به دو حدیث از طریق شیعه و سنی اشاره می‌کنیم.

۱. عبدالله بن عمر می‌گوید پیامبر ﷺ فرمود:

در آخر زمان مردی از فرزندان من خروج می‌کند که همنام و همکنیه من است، زمین را از

عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده است و او همان مهدی است.^۱

۲. امام سجاد علیه السلام از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند:

اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا این‌که مردی از

عترت من بباید که همنام من است، زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن سان که از ظلم و

ستم پر شده است.^۲

ممنوعیت بردن نام آن حضرت

اهل بیت پیامبر ﷺ از بردن نام حضرت مهدی(عج) در زمان غیبت، منع کرده و توصیه نموده‌اند که او را با القاب و اسامی دیگر شنید کنند. این دستور به طور قطع دارای حکمت و مصالحی است، هر چند ما از آن بی‌اطلاعیم.

۱- تذكرة الخواص، ص ۳۲۵.
۲- منتخب الائیر، لطف الله صافی گلپایگانی، ص ۱۵۹.

ریان بن صلت می‌گوید: از امام رضا[ؑ] (در حالی که از قائم(عج) سؤال می‌شد) شنیدم
که فرمود:

لَا يُرِي جِسْمَهُ وَ لَا يُسَمَّى أَسْمَهُ.^۱

* جسمش دیده نمی‌شود و اسمش (همان نام مخصوص) برده نمی‌شود.

داوود بن قاسم می‌گوید: از امام علی النقی[ؑ] شنیدم که می‌فرمود:

بعد از من جانشین، حسن است، ولی چگونه خواهید بود با جانشین بعد از جانشین؟ گفتم:

خداما فدایت کند چرا؟ فرمود: شما شخص او را نخواهید دید و بر شمار و رانیست که او را

به اسمش یادآوری کنید. عرض کردم: پس چگونه او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویید «الحجّةُ

مِنْ أَلِ مُحَمَّدٍ»^۲ حجت از آل محمد.^۳

کنیه و القاب

کنیه آن حضرت «ابوالقاسم»[ؑ] و القاب ایشان، بنابر آنچه در روایات بیان شده، عبارتند از:
«مهدی»، «قائم»، «منتظر» و «حجت»^۴.

البته القاب و اوصاف زیادی در روایات و دعاها همانند دعای ندبه برای حضرت
مهدی(عج) بیان شده است و آنچه ذکر شد، القاب مشهور بود.

باید توجه داشت کاربرد این القاب در مورد آن منجی آسمانی به لحاظ ویژگی هایی است که
در ایشان وجود دارد. برای نمونه به روایت زیر درباره لقب «قائم» توجه کنید.

ابو خدیجه می‌گوید: از امام صادق[ؑ] در مورد قائم سؤال شد، فرمود:

كُلُّنَا قَائِمٌ بِإِمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّىٰ يَجِيئَ صَاحِبُ السَّيِّفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيِّفِ جَاءَ
بِإِمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانَ.^۵

همه ما یکی بعد از دیگری به امر خدا به پا می خیزیم تا این که صاحب شمشیر بیاید. وقتی
او آمد، روش دیگری خواهد داشت.

در روایت دیگری از امام باقر[ؑ] سؤال شد:

۱- اصول کافی، با حواشی علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۳۳۳.

*- این عبارت در اصطلاح اصولی، جمله خبریه در مقام انشاء است و منظور این است که نباید اسمش برده شود.

۲- همان.

۳- منتخب الانثر، ص ۱۸۲.

۴- ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۵- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

مگر همه شما قیام کننده به حق نیستید؟
امام فرمود: آری.

راوی پرسید: پس چرا (فقط) قائم (امام منظر عج)، قائم نامیده شده است؟
امام فرمود:

آن گاه که جدم حسین - صلوات خدا بر او باد - کشته شد؛ ملائکه به درگاه خدانا له وضجه
زند و عرض کردند: خدای ما و آقای ما، آیا از اینکه برگزیدهات و فرزند برگزیدهات و
منتخب تو از بین خلقت کشته شده، تغافل می‌کنی (و انتقام نمی‌گیری)؟
خداآند بدانان وحی کرد: ای ملائکه من آرام بگیرید. به عزت و جلالم قسم از قاتلان انتقام
می‌گیرم ولی بعد از گذشت مدتی.

آن گاه خداآند امامان از نسل امام حسین ع را به ملائکه نمایاند ملائکه از مشاهده آنان
شادمان شدند و یکی از آنان رادر حال قیام نماز دیدند. خداآند عزوجل فرمود: به وسیله
آن قائم (ایستاده) از قاتلان انتقام می‌گیرم.^۱

از آن جا که ائمه ع همه نور واحد هستند، هر کدام واجد تمام صفات کمال بوده‌اند، ولی در
هر کدام از آنان به اقتضای شرایط، یک صفت، ظهور بیشتری داشته و لقبی مناسب آن در ایشان
شهرت بیشتری یافته است. از جمله امام زمان (عج) که مانند دیگر امامان برای تحقق امر حق و
حکومت جهانی اسلام قیام می‌کند، ولی فقط ایشان موفق به محقق ساختن این اراده خدا و انتقام
گرفتن از دشمنان دین می‌شود و ظاهراً از این رو لقب «قائم» در مورد آن حضرت کاربرد
بیشتری داشته باشد.

پدر و اجداد

روایات زیادی بیانگر آن است که حضرت مهدی (عج) از اولاد پیامبر ص و علی ع و فاطمه ع
و از تبار امام حسین ع و نیز بقیه امامان ع است؛ از این رو سلسله نسب آن حضرت به ترتیب
زیر است:

«حجۃ بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین
بن علی بن ابی طالب ع»

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۸-۲۹.

مادر

نام مادر حضرت مهدی(عج) نرجس، دختر یشواع پسر قیصر پادشاه روم است که بشر بن سلیمان او را به دستور امام هادی[ؑ] از برده فروشی به نام عمر بن یزید برای آن حضرت خرید؛ سپس امام او را به فرزندش بخشید و بدین ترتیب افتخار مادری حضرت مهدی(عج) را پیدا کرد.
نرجس دارای اسمی دیگری از قبیل ریحانه، سوسن و صیقل نیز بود.^۱

سال و محل تولد

بنابر قول مشهور بین محدثان و مورخان، حضرت مهدی(عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا به دنیا آمد و پدرش غیر از او فرزند دیگری نداشت.^۲ محمد بن علی می‌گوید: از امام حسن عسکری[ؑ] شنیدم که فرمود:
ولی خدا و حجت او بر بندگانش و خلیفه بعد از من، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری هنگام طلوع فجر، در حالی که ختنه شده بود، متولد شد و نخستین کسی که او را با آب کوثر و سلسیل (از آبهای بهشت) شست و شوداد، رضوان، نگهبان بهشت، با جمعی از فرشتگان مقرب الهی بود...^۳.

خصوصیات حمل و ولادت

نرجس دوران بارداری خود را بدون این که آثاری از بارداری در وجود او ظاهر شود سپری کرد؛ از این رو، کسی متوجه حاملگی او نشد، همان‌گونه که مادر موسی[ؑ] نیز در دوران حاملگی چنین بود؛ زیرا فرعون، شکم زنان حامله را می‌شکافت و می‌خواست پیامبری که سلطنت او را سرنگون خواهد کرد، متولد نشود. مادر حضرت مهدی(عج) از این جهت همانند مادر موسی بود^۴ تا این که دوران بارداری اش سپری شد و آن حضرت به دنیا آمد.

حضرت مهدی(عج) در شرایطی پا به عرصه گیتی گذارد که خبر ولادت و غیبتیش توسط پیامبر[ؑ] و اهل بیت آن حضرت بارها به مردم داده شده و جامعه اسلامی به ویژه شیعیان به او معتقد گشته بودند.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۴۳۲. ۲- ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۴۶.

۳- منتخب الاثر، ص ۳۲۰.

۴- ر.ک: تاریخ الغيبة الصغری، سید محمد صدر، ج ۱، ص ۲۶۲.

در همان عصری که امام هادی و امام حسن عسکری ع از غیبت فرزندشان حضرت مهدی (عج) سخن می‌گفتند، صاحبان کتب صحاح، بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه ^۱ می‌زیستند و روایات نبوی مربوط به حضرت مهدی (عج) را در کتاب‌های خود ثبت می‌کردند. از این‌رو، برای خلیفه عباسی فرصت بسیار مغتنمی بود تا اگر بتواند به مولود امام حسن ع دست یافته، او را از بین ببرد.

این شرایط اقتضا می‌کرد ولادت امام مهدی (عج) پوشیده بماند. از این‌رو، امام حسن ع کوک خود را فقط به شیعیان خاصش نشان داد تا آنان امام پس از او را بشناسند؛ زیرا هرچند که او از طرفی باید برای حفاظت از جان حضرت مهدی (عج) تلاش نماید و تمام اصول پنهان‌کاری را مراعات کند، اما از طرف دیگر وظیفه دارد وجود آخرين حجت الهی را برای مردم و نسل‌های بعد به ویژه شیعیانش ثابت کند. بدین جهت کوک خود را به شیعیان مورد اعتمادش نشان می‌داد تا بداند مهدی موعود (عج) پا به عرصه گیتی نهاده است و دیگر در انتظار تولدش نباشد و به آنان سفارش می‌کرد این قضیه را فاش نسازند.

احمد بن حسن می‌گوید: بعد از تولد خلف صالح (عج)، امام حسن عسکری ع با خلط خود نامه‌ای به جدم احمد بن اسحاق نوشت، در آن فرموده بود:

برایمان فرزندی متولد گردیده، این مطلب نزد تو پوشیده بماند و آن را ز مردم کتمان نما؛ که ما آن را جز برای خویشاوندان نزدیک و دوستان خاص خود آشکار نمی‌کنیم. دوست داشتیم این خبر را به تو دهیم تا خداوند تو را مسرور سازد، جنان که ما را خوشحال کرده است.^۲

ولادت حضرت مهدی (عج) به حدی مخفی بود که امام حسن ع از بین زنان، تنها به عمه‌اش حکیمه اطلاع داد که به هنگام وضع حمل نرجس، نزد او باشد و او را یاری کند.

حضرت مهدی (عج) لحظاتی پس از تولد سر بر سجدۀ عبودیت نهاد، و روی بازوی راستش نوشتۀ شده بود:

جَاءَ الْحَقُّ وَ رَأَهُقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ رَهْوًا.^۳

حق آمد و باطل نابود شد، به یقین باطل نابود شدنی است.^۴

۱- این افراد بین سال‌های ۲۵۶ و ۲۷۹ درگذشته‌اند. (ر.ک: تاریخ الغیة الصغری، ص ۲۴۱).

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۴۳۴. ۳- اسراء (۱۷)، آیه ۸۰.

۴- منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۲-۱، باب ۱۴، ص ۴۲۲.

ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی(عج)

در روایات خصوصیات شمایل و ویژگی‌های جسمانی حضرت به شرح زیر مطرح شده است:
پیشانی بلند، چهره نورانی، چشمان درشت و درخشنده، بازوی قوی و ستر، پاهایی قوی
و استوار، شانه‌هایی پهن، دارای دو علامت درشت که یکی همنگ پوستش و دیگری
همنگ علامتی که پیامبر داشت، خالی برگونه راست، میان قامت، صاحب موهایی زیبا که
بر شانه‌اش ریخته، گندمگون و نور چهره‌اش بر سیاهی محاسن و سر غلبه دارد.^۱

رسول خدا^{علیه السلام} فرمود:

سیما و قامت مهدی، چون سیما و قامت من است.^۲

امام رضا^{علیه السلام} فرمود:

مهدی شبیه من و موسی بن عمران است.^۳

ویژگی‌های پیامبران در مهدی(عج)

صفات و ویژگی‌هایی از پیامبران^{علیهم السلام} در مهدی(عج) مشاهده می‌شود که بنا بر روایات بعضی از آنان به شرح زیر است:

او کمال موسی، درخشش عیسی، پایداری و استقامت ایوب و طول عمر آدم را دارد. مردم درباره وی اختلاف می‌کنند مانند اختلافی که درباره عیسی کردند. گروهی گفتند: متولد شده است و عده‌ای گفتند: مرد است و بعضی گفتند: کشته شده و به دار آویخته شده است. همچون حضرت ابراهیم ولادتش مخفی است و از مردم کناره گیری می‌کند. مانند ایوب فرج و گشایش بعد از مصیبت دارد. مانند یونس به هنگام ظهر و بازگشت به میان مردم با وجود این که سال‌های طولانی از عمرش گذشته، ولی جوان به نظر می‌رسد. مانند یوسف^{علیه السلام} که از دید پدرش غایب شد، از دید شیعیان و خاص و عام مخفی می‌شود و در دوران غیبت کار بر محبانش سخت می‌شود با این که فاصله او تا شیعیانش نزدیک است. غیبت او از خوف و هراس است مانند غیبت حضرت موسی که از خوف و هراس فرعونیان از مصر فرار کرد و به مدین رفت. مانند جدش رسول خدا، برای حاکمیت

۱- اثبات الهداء، ج. ۳، ص. ۴۸۰-۴۸۲

۲- همان، ص. ۴۸۲

۳- اثبات الهداء، ج. ۳، ص. ۴۵۶

بخشیدن به دین خدا و سرکوب دشمنان دست به شمشیر می‌برد و خداوند با انداختن رعب و هراس در دل دشمنانش، او را یاری می‌کند.^۱

میراث پیامبران نزد مهدی (عج)

مواریث انبیا^۲ به مهدی به ارث رسیده و در نزد ایشان است از جمله: سنگی که حضرت موسی بر آن عصا می‌زد و از آن دوازده چشمۀ برای دوازده سبط بنی اسرائیل می‌جوشید. عصا موسی، پیراهن یوسف، تابوت آدم، انگشت[تر] سلیمان، کتاب‌های آسمانی انبیای گذشته (تورات موسی، انجیل عیسی، زبور داؤود، صحف آدم و شیث و نوح و ابراهیم) پیراهن، عمامه، زره و شمشیر رسول خدا.

به هنگام ظهر پیراهن ابراهیم بر تن، ردای اسماعیل بر دوش و نعلین شیث را به پا دارد.^۳

آخرین حجت الهی

حضرت مهدی (عج) پس از رحلت پدر بزرگوارش در سن پنج سالگی به امامت برگزیده شد، آن سان که حضرت عیسی در کوذکی به پیامبری برگزیده شد. ایشان آخرین حجت الهی از سلسله پیامبران و اوصیا در طول تاریخ است که خداوند او را برای روز موعود ذخیره کرده است و همان‌گونه که نبوت به حضرت محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم} ختم شد، وصایت و امامت نیز به حضرت مهدی (عج) ختم می‌شود. روایات زیادی از طریق شیعه و سنتی بیانگر این است که پیامبر دارای دوازده جانشین به عدد نقبای بنی اسرائیل است که همه از قریش و از اهل بیت او هستند و آخرین آنان حضرت مهدی (عج) است.^۳ در اینجا به ذکر یک روایت بسنده می‌کیم.

ابن عباس از پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} این‌گونه نقل می‌کند:

جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خدا بر خلق بعد از من، دوازده نفرند، اولین آنان برادرم و آخرینشان فرزندم است. گفته شد: ای رسول خدا! برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفته شد: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند. بعد

۱- همان، ج ۲، ص ۴۶۶-۴۷۹.

۲- اثبات الهدایة، ج ۳، ص ۴۳۹-۵۸۴، روایات ۲، ۱۰۵، ۳، ۵۰۸، ۲۵۱، ۵۰۹ و ۷۸۶.

۳- منتخب الاثر، ص ۱۴۰.

٤٤ شناخت حضرت مهدی(عج)

از آن که از ظلم و جور پر شده است....^۱

ابن ابی الحدید می‌گوید:

همه فرقه‌های مسلمانان اتفاق نظر دارند که دنیا و تکلیف جز با مهدی(عج) پایان
نمی‌پذیرد.^۲

با توجه به ویژگی‌هایی که برای مهدی موعود برشمردیم، پوچی و بطلان ادعای مدعیان
مهدویت در طول تاریخ آشکار شد و مسلمانان باید در انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) با چنین
ویژگی‌هایی باشند.

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.
۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۵۱۵.

بخش دوم
امامت حضرت مهدی (عج)

فصل اول

سابقهٔ تاریخی اعتقاد به حضرت مهدی(عج)

بررسی سابقهٔ تاریخی عقیده به مهدویت، چنان نتیجهٔ روش‌منی در اثبات امامت حضرت مهدی(عج) دارد که اگر از پیامبر ﷺ و اهل بیت‌ش هیچ‌گونه حدیث و روایتی نیز در مورد حضرت مهدی(عج) به مانمی‌رسید، کافی بود که ما امامت حضرت‌ش را پذیریم؛ زیرا می‌بینیم در میان امتی که افکار و اعتقاداتش را از پیامبر ﷺ و قرآن کریم اقتباس کرده، کمتر موضوعی است که به اندازهٔ عقیده به مهدی موعود(عج) از قطعیت و سابقهٔ دیرینه برخوردار باشد و از آن‌جا که معتقد کردن مردم و جامعه نسبت به موضوعی، تنها با چند مورد بیان و گفتار انجام نمی‌گیرد، بلکه باید در مناسبت‌های مختلف به طور مکرر به مردم گوشزد شود تا به صورت یک عقیدهٔ ریشه‌دار در دل‌ها جای‌گیرد، روشن می‌شود که معمار اندیشهٔ مهدویت و ظهور حضرت مهدی(عج)، شخص پیامبر اکرم ﷺ بوده و ایشان حضرت مهدی(عج) را به عنوان امام و آخرین جانشین خود به مردم معرفی و انتظار فرجش را توصیه کرده است.

استفاده از عنوان «مهدی»

با توجه به بیانات پیامبر در مورد مهدی(عج) به عنوان منجی نهایی، از قرن اول هجری افراد و گروه‌هایی پیدا شدند که لقب «مهدی» را به عنوان یگانه منجی که باید انتظار ظهورش را داشت، دربارهٔ رهبران و امامان خود به کار می‌بردند و از این عنوان برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود سوءاستفاده می‌کردند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- فرقه‌ای معروف به کیسانیه معتقد شدند پس از شهادت امام حسین علیه السلام، امامت به برادرش محمد بن حنفیه منتقل گردید. آنان او را مهدی موعود می‌دانستند و می‌گفتند: او نمرد

و در کوه «رَضْوَى» - بین مکه و مدینه - اقامات دارد و به زودی باز می‌گردد و فرمانروای زمین می‌شود.^۱

◻ عباسیان و حتی بعضی از علویان برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود در برابر اموی‌ها، در صدد بهره‌برداری از اعتقاد جامعه نسبت به مهدویت برآمدند؛ آنان در اوج مبارزه با امویان با محمد بن عبدالله محض، معروف به نفس زکیه به عنوان این که او «مهدی امّت» است، بیعت کردند. عمیر بن فضل می‌گوید: روزی منصور عباسی را به حال انتظار جلوی منزل نفس زکیه دیدم. محمد از خانه خارج شد و خواست بر اسبش سوار شود، منصور با احترام تمام او را بر اسب سوار کرد و ایشان رفت. پرسیدم: او کیست که این همه احترامش کردی؟ منصور گفت: مگر نمی‌شناسی، او محمد بن عبدالله بن حسن، مهدی ما اهل بیت است.^۲

عبدالله بن حسن علوی در جمع بنی هاشم سخنرانی کرد و ضمن دعوت آنان به قیام علیه اموی‌ها گفت: بیایید با پسرم محمد بیعت کنیم، شما می‌دانید او «مهدی» است. عده‌ای از حاضران گفتند: ابو عبدالله جعفر بن محمد در این مجلس حضور ندارد، بهتر است او نیز بیاید. بعد از حضور امام صادق در مجلس، عبدالله بن حسن خطاب به ایشان گفت: شما می‌دانید بنی امیه با ما چگونه رفتار کردند، نظر ما این است که با این جوان (اشارة به پسرش محمد) به عنوان مهدی بیعت کنیم. حضرت پاسخ داد:

این کار را نکنید، هنوز زمان قیام به حق فرا نرسیده است و اگر منظور تو این است که پسرت، مهدی است، بدان که در اشتباہی و او مهدی نیست...^۳

◻ نیرنگ منصور عباسی در بهره‌برداری از اعتقاد جامعه به مهدویت و ظهور ادامه یافت تا این که فرزندش متولد شد. بعد از تولد فرزندش نام او را مهدی گذاشت تا به مردم بگوید فرزند من همان مهدی‌ای است که در انتظارش هستید.^۴

یکی از غلامان منصور می‌گوید: روزی منصور مرا خواست و گفت: پای منبر محمد بن عبدالله بن حسن بنشین بین چه می‌گوید: او می‌گوید: از محمد شنیدم که می‌گفت: مردم! شما شکی ندارید که من مهدی هستم. من این سخن را برای منصور نقل کردم، او گفت: دشمن خدا دروغ می‌گوید، بلکه مهدی، پسر من است.^۵

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۳۲؛ فرق الشیعه، ابو محمد حسن بن موسی نویختی، ص ۴۱-۴۶.

۲- مقاتل الطالبین، ابوالفرح اصفهانی، ص ۱۶۱-۱۶۲. ۳- همان، ص ۱۴۱.

۴- مهدی عباسی بعد از پدرش به خلافت رسید. ۵- مقاتل الطالبین، ص ۱۶۲.

□ بعد از شهادت امام صادق^ع گروهی به نام ناووسیه، واژه «مهدی» را درباره آن حضرت به کار بردن و معتقد شدند او نمرده و ظهور خواهد کرد و او همان «مهدی موعود» است. آنان برای اثبات عقیده خود این سخن را به دروغ به امام صادق نسبت می دادند که فرمود: اگر کسی به شما گفت من خودم امام صادق^ع را غسل دادم و کفن نمودم، سخشن را نپذیرید؛ زیرا که صاحب شمشیر من هستم.^۱

□ فرقه‌ای نیز معتقد شدند امام موسی کاظم^ع نمرده و نخواهد مرد تازمانی که مالک شرق و غرب زمین شود و او همان «مهدی» است که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد. اینان گمان داشتند امام هفتم^ع از زندان خارج شده و کسی او را ندیده و غایب شده است.^۲

حکایت پرسش‌ها

بخشی از پرسش‌ها درباره امام قائم از امامان^ع، بیانگر این مطلب است که مهدویت و ظهور و قیام حضرت مهدی(عج)، در فرهنگ مردم نفوذ داشته، از حتمیت برخوردار بوده است. در این زمینه به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱. بنابر نقل امام باقر^ع، خلیفه دوم از حضرت علی^ع در مورد نام حضرت مهدی(عج) پرسید.
حضرت فرمود:

اسمش رانمی‌گوییم؛ زیرا حبیبم رسول خدا^ع بامن پیمان بسته اسمش رانیاورم تاخدا او را برانگیزد....^۳

این سؤال بیانگر آن است که خلیفه دوم با موضوع مهدویت آشنا و سؤالش برای کسب اطلاعات بیشتر بوده است.

۲. أبی حمزه می‌گوید: نزد امام صادق^ع رفتم و [درباره امر قیام و رهبری جهانی] عرض کردم:
- آیا صاحب این امر شما هستید؟
- نه.
- آیا فرزند شماست؟
- نه.

۱- کلیات فی علم الرجال، جعفر سیحانی، ص ۳۹۸. ۲- فرق الشیعه، ص ۹۰.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴.

- آیا او نوء شماست؟

- نه.

- آیا او فرزند نوء شماست؟

- نه.

- پس صاحب این امر کیست؟

- آن که بعد از گذشت زمانی از دسترسی نیافتن مردم به امام ظاهر و آشکار، ظهور می نماید و زمین را از عدل و داد پر می کند، آن سان که از ظلم و جور پر شده است؛ همان‌گونه که رسول خدا^{علیه السلام} بعد از گذشت زمانی از بعثت پیامبران، برانگیخته شد.^۱

اندیشه مهدویت در آینه ادبیات و شعر

قطعیت امامت حضرت مهدی(عج) و قیام او در افکار و اندیشه جامعه اسلامی از صدر اسلام تا کنون، موجب شده که این مسأله وارد جهان ادبیات و شعر شود و شاعران در این زمینه سرودهایی داشته باشند. به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می شود:

۱. دعبل خزاعی در ضمن اشعاری که درباره مصیت‌های اهل بیت سروده و در حضور امام رضا^{علیه السلام} خواند، به امامت حضرت مهدی(عج) و قیام او اشاره کرد، چنین می سراید:

خُرُوجُ إِمَامٌ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يُسَمِّئُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يَحْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَالتَّقْنَاتِ

امید بیرون آمدن امامی را دارم که البته خروج خواهد کرد. - و به نام خدا و برکاتش قیام خواهد نمود. او در میان ماحق و باطل را از همدیگر جدا می نماید. - و مردم را بر نعمت‌ها و کیفرها پاداش می دهد. (نیکوکاران را تشویق و مجرمان را کیفر می دهد)

او می گوید: وقتی این دو بیت را خواندم، حضرت رضا^{علیه السلام} بسیار گریست. بعد فرمود: ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبانت جاری کرد؛ می دانی آن امام قائم کیست؟ عرض کردم! ای مولای من! نه. فقط شنیده‌ام که امامی از میان شما اهل بیت خروج خواهد کرد که زمین را از آلو دگی فساد پاک کرده، از عدالت پر خواهد ساخت. حضرت فرمود:

ای دعبل! او «حجهت قائم» فرزند حسن است که در غیبتش موردنانتظار مردم است...^۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲ - ۱، ص ۳۷۲.

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲. حافظ، شاعر فارسی زبان در اشعارش به حضرت مهدی(عج) و ظهورش اشاره کرده است:

بگو بسوز که «مهدی» دین پناه رسید^۱

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل
و در مورد دیگر این چنین سروده است:
مژده ای دل! که مسیحانفسی می‌آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش
ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس
هیچ کس نیست که درکوی تواش کاری نیست
کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست
جرعه‌ای ده که به میخانه ارباب گرام
خبر بلبل این باغ مپرسید که من ناله‌ای می‌شنوم کرز قفسی می‌آید^۲
تأمل در نمونه‌های یاد شده، این نتیجه را اثبات می‌کند که امامت حضرت مهدی(عج) در کار
توحید و نبوت و همانند آن‌ها، از سابقه و قطعیت برخوردار بوده و به همان خاطر به صورت یک
عقیده عالم و فراگیر در آمده است؛ به گونه‌ای که شیعه و اهل سنت هر دو درباره آن سخن گفته، از
آن دفاع نموده‌اند و این خود گویای آن است که امامت حضرت مهدی(عج)، توسط پیامبر
اکرم ﷺ در متن دین اسلام و در جدول عقاید و معارف اسلامی قرار گرفته است، بلکه به خاطر
تاکیدهای فراوان حضرتش در مقایسه با دیگر مسائل اعتقادی اسلام، بعد از توحید و نبوت از
جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۱- دیوان حافظ، به اهتمام ابوالقاسم انجوی شیرازی، ص ۵۸

۲- دیوان حافظ، ص ۱۱۱.

فصل دوم

امامت حضرت مهدی در منابع شیعی

براساس قرآن و سنت، پس از پیامبر اکرم ﷺ، اهل بیت او مرجع رسمی امت شدند و به اعتراف دوست و دشمن، برترین افراد جامعه از نظر کمالات بودند و هر کدام در عصر خود همچون ستاره‌ای فروزان در شب تاریک می‌درخشیدند. آنان هر چند از رهبری سیاسی جامعه کنار گذاشته شدند، اما همان عبادت، مناجات، سیره و روش زاهدانه‌شان، یاد و سیره پیامبر ﷺ را در فرهنگ جامعه زنده نگه می‌داشت و گفتار و کردارشان نقش مؤثر و عمیقی در هدایت اندیشه و افکار جامعه داشت؛ از این رو، انسان می‌تواند با اطمینان کامل، اندیشه خود را براساس گفته‌های آنان شکل دهد. شیعه این افتخار را دارد که همیشه باورهای دینی و فرهنگ خود را از اهل بیت ﷺ اقتباس نموده، در پرتو نور هدایت آنان قدم بر می‌دارد.

بر پژوهشگران حق جو، لازم است که درباره امامت حضرت مهدی (عج) به عنوان یک مسئله اعتقادی، به اهل بیت ﷺ مراجعه کرده و از سخنانشان در این زمینه بهره گیرند. روایات اهل بیت ﷺ در مورد امامت حضرت مهدی (عج) چند قسم است؛ بخشی بیانگر تفسیر و تأویل آیاتی است که در مورد آن حضرت نازل شده، بخشی به نقل سخنان پیامبر ﷺ در مورد حضرت مهدی (عج) مربوط می‌شود، پاره‌ای دیگر سخنان خود آن بزرگواران در این زمینه است؛ گرچه آنان تمام علم و دانش خود را از پیامبر ﷺ به ارث برده‌اند.

الف - روایات مربوط به تفسیر و تأویل آیات

□ ابو بصیر از امام صادق ع نقلمی کرد که در مورد آیه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ أَمْتُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلُفَهُمْ فِي الْأَرْضِ^١ فرمود:

این آیه در مورد قائم(عج) و یارانش نازل شده است.^٢

از این سخن استفاده می‌شود که حکمرانی حضرت مهدی(عج) و یارانش در روی زمین، از آن روزست که آنان مصدق کامل مؤمن صالحند و در واقع این آیه پیروزی نوعی عقیده و رفتار را اعلام می‌کند.

□ هم او از امام صادق[ؑ] نقل می‌کند که در مورد آیه: «... فَائتِنُوا الْخَيْرَاتِ أَيْمَّا تَكُونُوا يَأْتِيْ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا»^٣ فرمود:

این آیه در مورد قائم(عج) و یارانش نازل شده که بدون وعده قبلی یکباره (پیرامون مهدی(عج)) جمع می‌شوند.^٤

□ نیز هم او می‌گوید: از امام صادق[ؑ] در مورد آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَ عَلَى الَّذِينَ كُلُّهُمْ لَوْكَرَةُ الْمُشْرِكُونَ»^٥ پرسیدم، حضرت پاسخ داد:

سوگند به خدا، هنوز تأویل این آیه فرود نیامده است. عرض کردم: فدایت شوم، پس کی فرود می‌آید؟ فرمود: هنگامی که قائم(عج) به خواست خداوند قیام کند، وقتی که او خروج کرد، هیچ کافر و مشرکی نخواهد بود مگر این که خروج قائم(عج) را برنمی‌تابد....^٦

نیز هم او می‌گوید: امام باقر[ؑ] در مورد این آیه: «فُلَّ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَا فِيْكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيْ بِهِ بِطَاءً مَعِينًا»^٧ فرمود:

این آیه درباره قائم(عج) نازل شده و منظور این است که اگر امامتان غایب بود و شما ندانستید او کجاست، چه کسی برای شما امام ظاهر و آشکار می‌آورد که از اخبار آسمان و زمین و از حلال و حرام خداوند خبر دهد؟ سپس فرمود: سوگند به خدا، هنوز تأویل این آیه نیامده و به ناچار باید بیاید.^٨

۱- نور (۲۴)، آیه ۵۵ (خداؤند به کسانی از شما که ایمان آورده و کردار شایسته دارند، وعده می‌دهد که به طور قطع آنان را وارد زمین سازد).
۲- غیبت نعمانی، ص ۱۶۰.

۳- بقره (۲)، آیه ۱۴۸. (در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر پیشی گیرید، هر کجا باشید خداوند همه شما را حاضر می‌کند).

۴- غیبت نعمانی، ص ۱۶۰.
۵- صف (۶۱)، آیه ۹. (او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آینینها چیره گرداند، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند).

۶- بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۵۶۰.
۷- ملک (۶۷)، آیه ۳۰ ((پیامبر) بگو: به من خبر دهید که اگر آبهای شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!).

۸- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲.

مفاد دو آیه اخیر این است که به رغم خواست مشرکان و تبهکاران، امور جهان همچنان بر وفق اراده آنان پیش نخواهد رفت و روزی فرامی‌رسد که آیین محمدی در پنهان زمین گسترش می‌یابد و جامعه‌ای که قرن‌ها تشنۀ عدالت و حقیقت بود، با دسترسی به امام معصوم سیراب می‌گردد و بشر در سایه تعلیمات و عمل به گفتار او، به آرمان انسانیت و اهداف آفرینش خود نائل می‌شود.

□ هم‌چنین امام باقر^ع در مورد آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الرَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»^۱ فرمود:

آنان یاران مهدی(عج) در آخر زمان هستند.^۲

□ حضرت علی^ع درباره آیه شریفه: «وَنُرِيدُ أَنْ تَمَّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُعْصَمُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَثْقَلَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۳

آنان خاندان محمدند^ع که بعد از تحمل رنج‌ها و سختی‌ها، خداوند مهدی شان را بر می‌انگیزد. او آنان را سربلند و سرافراز می‌نماید و دشمنانشان را خوار و ذلیل می‌گرداند.^۴ از مجموع این دو آیه شریفه استفاده می‌شود منظور از مستضعفانی که وارث زمین خواهند شد، بندگان صالح خدا هستند و گرنه هر مستضعفی شایسته وراثت نیست و چه بسا برخی از آنان به آتش قهر الهی در دوزخ خواهند سوخت.^۵

□ صالح بن عقبه می‌گوید: امام صادق^ع در مورد آیه «أَمَنْ يُجْبِبُ الْمُضْطَرُ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ»^۶ فرمود:

این آیه در مورد قائم(عج) نازل شده است. سوگند به خدا، او مضطر است؛ آن هنگام که در مقام ابراهیم^ع دو رکعت نماز می‌گزارد و خدا را می‌خواند و او اجابت شیخ می‌کند و گرفتاری اش را بطرف کرده، او را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار می‌دهد.^۷

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵ (در زبور بعداز ذکر (تورات) نوشته‌یم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد).

۲- مجمع‌البيان، طبرسی، ج ۸-۷ ص ۱۰۶.

۳- قصص (۲۸)، آیه ۵ (ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم).

۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴. ۵- ر.ک: سبأ (۳۴)، آیات ۲۱-۲۲.

۶- نمل (۲۷)، آیه ۶۲. («آیا معبودهایی که شریک خدا قرار می‌دهید بهترند» یا کسی که دعای مضطرب را اجابت می‌کند و گرفتاری را بطرف می‌سازد و شما را خلافای زمین قرار می‌دهد؟).

۷- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

آنچه ذکر شد، نمونه‌های برگزیده‌ای از روایات درباره تفسیر و تأویل آیات مربوط به حضرت مهدی(عج) است که بیانگر قطعیت ظهور آن حضرت از دیدگاه قرآن است. خلاصه آن که اندیشه مهدویت و ظهور، پایه و اساس قرآنی دارد؛ جز این‌که این مسأله همانند بسیاری از مسائل مهم اسلام به طور صریح در قرآن بیان نشده و تفسیر آیات مربوط به آن، بر عهده پیامبر ﷺ و اوصیای آن حضرت نهاده شده است.

ب - روایات اهل بیت ﷺ از پیامبر ﷺ

□ امام صادق ع از پدران گرامی‌اش از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند:

امامان بعد از من دوازده نفرند؛ او لین آنان علی بن ابی طالب و آخرینشان قائم(عج) است. آنان جانشینان و اوصیا و دوستان من و حجت‌های خداوند بر اتمم بعد از من هستند...^۱

در نقل دیگری ایشان از پدران بزرگوارش از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود:

قائم(عج) از فرزندان من است، نامش نام من، کنیه‌اش کنیه من و در شمایل (اویاف) و روش، مانند من است. مردم را بر آیین و شریعتم استوار می‌گرداند و آنان را به (عمل و رفتار بر طبق) کتاب خدادرامی خواند، هر کس از او پیروی کند، از من پیروی کرده و هر کس از او سرپیچی نماید از من نافرمانی کرده است، آن که در غیبتش اورا انکار نماید، همانا مرا انکار نموده است، هر که اورا تکذیب کند، مرا تکذیب کرده و آن که اورا تصدیق نماید، مرا تصدیق نموده است. به خدا شکایت می‌برم از آنان که گفتارم را درباره قائم(عج) تکذیب کرده و منکر می‌شوند...^۲

□ امام سجاد از پدران بزرگوارش از پیامبر ﷺ این گونه نقل کرده است:

امامان بعد از من دوازده نفرند. ای علی! تو اولین آنان هستی و آخرینشان قائم است؛ همان کسی که خداوند شرق و غرب زمین را به دست او فتح می‌نماید.^۳

□ امام باقر از امام حسین ع نقل می‌کند که فرمود:

من و برادرم (امام حسن) نزد جدم رسول خدا رفتیم، او ما را در آغوش گرفت و بر دامنش نشاند و بوسید؛ سپس فرمود: پدرم فدای دو امام شایسته و صالح باد. خداوند خواست شما از من واژ پدر و مادرتان پیدا شوید و ای حسین! خدا خواسته از تو، نه امام و پیشوای افرایند که نهمین آن‌ها قائم(عج) است....^۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۲۵۹.

۲- منتخب الانبیاء، ج ۲- ۱، ص ۹۳.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۲۸۲.

□ امام رضا[ؑ] از رسول خدا^ﷻ چنین روایت می‌کند:

قیامت بر پانمی شود تا این که قائم مابه اذن خدا قیام کند. هر که از او پیروی کند، نجات می‌یابد و هر که فرمانش نبرد، زیان می‌بیند. ای بندگان خدا! شما را به خدا (برای یاری) به سوی مهدی بشتابید، گرچه روی برف‌ها راه بروید.^۱

□ و در روایتی دیگر از پیامبر^ﷺ نقل کرده که فرمود:

سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت تا بشارت دهنده باشم، همانا قائم از فرزندان من است، او طبق پیمانی که از من دارد، در غیبت فرو می‌رود تا این که بیشتر مردم گویند: خداوند به خاندان محمد[ؐ] نیاز ندارد و گروهی در اصل ولادتش شک نمایند. هر که زمان غیبتش را درک کرد، بر دینش استوار باشد، مبادا شیطان بر او چیره گشته (نسبت به امامت مهدی) مشکوک گرداند و از شریعت و دین من خارجش کند...^۲

نمونه‌های یاد شده هر یک به شکلی بیانگر امامت مهدی(عج) است و نشان می‌دهد که پیامبر^ﷺ و اوصیای آن حضرت، اهتمام خاصی در مطرح نمودن حضرت مهدی(عج) داشتند. امامان[ؑ] علاوه بر سخنانی که خود درباره امامت آن حضرت بیان کرده‌اند، عنایت خاصی داشتند که سخنان پیامبر^ﷺ را در مورد حضرت مهدی(عج) برای مردم بازگو کنند تا سخنان آن حضرت به فراموشی سپرده نشود و اگر امت اسلامی بعد از پیامبر^ﷺ گرفتار تفرقه و انحراف شدند، با انتظار ظهور، بارقه امید در دل‌های آنان زنده گردد و خود را برای ظهور و قیام حضرت مهدی(عج) آماده کنند.

ج - گفتار اهل بیت[؏] درباره امامت مهدی(عج)

۱ - امیر مؤمنان[ؑ]

- کمیل بن زیاد می‌گوید: حضرت علی[ؑ] دستم را گرفت و به سوی قبرستان کوفه برد. هنگامی که به صحرارسیدیم، آهی کشید و فرمود:

... آری، هرگز زمین از کسی که به حجت الهی قیام کند خالی نمی‌شود؛ خواه ظاهر باشد و آشکار یا ترسان و پنهان! تا دلایل و نشانه‌های روشن خداوند باطل نگردد، ولی آن‌ها چند نفرند و کجا هستند؟! سوگند به خدا، تعداد آنان کم و ارزش و مقامشان نزد خدا بسیار است... آنان جانشینان خدا در روی زمین و دعوت کنندگان به دین او هستند.^۳

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸

۳- نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۱۳۹.

کلام امیر مؤمنان علی^ع در مورد «حجت ترسان و پنهان خدا» اشاره به امام غایب(عج) است.

- عبدالعظيم حسنی از امام جواد^ع و او از پدران گرامی اش از امیر مؤمنان^ع این گونه نقل کرده است:

قائم ما غیبی طولانی خواهد داشت، شیعیان زمان غیبت‌ش را همانند گله‌ای می‌بینم که
دنبال چراگاه است، ولی آن را نمی‌باید. آگاه باشید هر کدام از آنان بر دینش ثابت و استوار
بماند و به خاطر طول غیبت قائم(ع) داش سخت نگردد، روز قیامت با من و هم پایه من
خواهد بود...^۱

۲ - حضرت زهرا^ع

جابر بن عبدالله می‌گوید: برای تبریک ولادت امام حسن^ع نزد سرورم حضرت فاطمه^ع رفتم،
در دستش صحیفه‌ای از ذُرْ سفید دیدم. عرض کردم: ای بهترین زنان عالم! این صحیفه چیست؟ فرمود:
در این صحیفه نام امامان و پیشوایان از فرزندان من نوشته شده است.

عرض کردم: ممکن است آن را به من دهید تا نگاه کنم؟ فرمود:
ای جابر! اگر اشکال نداشت می‌دادم، اما جز پیامبر^ع یا وصی یا اهل بیت نبی نمی‌تواند به
این لوح دست بزند. به تو اجازه می‌دهم که فقط به آن نگاه کنی.
جابر می‌گوید: نگاه کردم دیدم نام پیامبر^ع و امامان و نام پدر و مادر هر کدام در آن نوشته
شده است. مشخصات آخرین امام، عبارت بود از:
ابوالقاسم م ح م د بن حسن، حجت خدا برآفریدگانش، مادرش کنیزی بهنام نرجس است.^۲

۳ - امام حسن^ع

ابو سعید می‌گوید: امام حسن^ع خطاب به مردم می‌فرمود:
... آیا نمی‌دانید که هر یک از ما بیعت طاغوت زمانش را برگردان دارد جز قائم،^۳ همان کسی
که روح خدا عیسی بن مریم پشت سرش به نماز می‌ایستد. از این رو، خداوند ولادتش را
پنهان خواهد کرد و شخص او از دیده‌ها غایب خواهد بود تا این‌که قبل از خروج، بیعت

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۳۰۷.

۳- هر یک از امامان ما، در عصر خود در شرایطی زندگی می‌کردند که طاغوتی رهبری جامعه را به دست داشت، اما وقتی امام غایب^ع ظهر کند، تمام رهبران فاسد را نابود می‌کنند و خود زمام رهبری جهان را به دست می‌گیرند؛ از این رو، بیعت هیچ فرمانروایی برگردان آن حضرت نیست.

کسی را برگردان نداشته باشد. او نهمین از فرزندان حسین و فرزند سرور کنیزان است، خداوند عمرش را طولانی می‌کند، سپس به قدرتش او را در سیماه جوان زیر چهل سال ظاهر می‌کند تا همه بدانند خداوند بر هر کاری توانست.^۱

۴ - امام حسین علیه السلام

عبدالرحمان بن ثابت می‌گوید: امام حسین علیه السلام فرمود:

دوازده نفر (امام و پیشوای از ما اهل بیت است، نخستین آن‌ها امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرين شان نهمین از فرزندان من و قائم به حق است. خداوند زمین را بعد از مرگش^۲ توسط او زنده می‌کند و دین حق را به وسیله او بر تمام دین‌ها چیره می‌گردداند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد. او غیبیتی خواهد داشت که در آن گروهی از دینشان (از عقیده به امامت آن حضرت) برمی‌گرددند و عده‌ای بر دینشان ثابت و استوار می‌مانند؛ این گروه (توسط مخالفان) آزار می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: اگر راست می‌گویید، این وعده (ظهور مهدی) کی خواهد بود؟ آگاه باشید، آن‌ها که در زمان غیبتش در برابر اذیت و آزار (مخالفان) صبر پیشه کنند (و از عقیده به امامت مهدی(عج) دست برندارند)، همانند کسانی‌اند که در کنار رسول خدا علیه السلام با شمشیر جهاد می‌گردند.^۳

۵ - امام سجاد علیه السلام

سعید بن جبیر می‌گوید: امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

ولادت قائم ما از مردم پوشیده می‌ماند، به گونه‌ای که تعدادی از مردم می‌گویند: هنوز متولد نشده است و آن (غیبت قائم و پوشیده بودن ولادتش) برای این است که وقتی ظهر کرد، بیعت هیچ طاغوتی را برگردان نداشته باشد.^۴

۶ - امام محمد باقر علیه السلام

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

قائم ما (عج) با (ایجاد) بیم و هراس (در دل دشمنانش) یاری می‌شود، به پیروزی تأیید می‌گردد... شعاع سلطنت و حکومتش به شرق و غرب زمین می‌رسد، خداوند به وسیله او

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۲- در گمراهی مردم مرگ و در هدایتشان حیات و زندگی است.

۳- منتخب الاثر، ص ۲۰۵.

۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

دینش را بر تمام دین‌ها پیروز می‌کند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد، خرامی‌ها از روی زمین برقیده شده و همه جا آباد شود، روح خدا عیسیٰ بن مریم[ؑ] فرود آمده و پشت سرش نماز می‌گزارد...^۱

۷ - امام صادق[ؑ]

مسعده می‌گوید: نزد امام صادق[ؑ] بودم که پیرمرد قد خمیده‌ای با عصا وارد شد و به آن حضرت سلام کرد. سپس دستش را بوسید و گریه کرد. امام صادق[ؑ] فرمود: پیرمرد چرا گریه می‌کنی؟ او عرض کرد: فدایت شوم ای پسر رسول خدا[ؑ]! صد سال است که در انتظار قائم شما هستم؛ با خودم می‌گوییم این ماه ظهور می‌کند، امسال می‌آید، اما سنّم بالا رفته و اجلمن نزدیک شده و می‌بینم برای شما اهل بیت حوادث ناخوشایندی رخ می‌دهد، یا کشته می‌شوید یا تبعید و آواره می‌گردد، ولی دشمنانتان غالب و پیروزنده؛ بنابراین چرا گریه نکنم.

مسعده می‌گوید: با شنیدن سخنان او چشمان امام صادق[ؑ] پر از اشک شد و فرمود: ای پیرمرد! اگر خداوند به تو عمری دهد که قائم مارا بینی، در بهشت برین باما خواهی بود و اگر قبل از آن مرگت رسید، روز قیامت با خاندان محمد[ؑ] مشهور خواهی شد... ای پیرمرد! قائم ما، فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است و موسی فرزند من است، ما دوازده نفر همه پاک و معصومیم... ای پیرمرد! سوگند به خدا، اگر از دنیا فقط یک روز مانده باشد، خداوند آن را طولانی می‌کند تا قائم ما اهل بیت خروج نماید...^۲

۸ - امام موسی کاظم[ؑ]

یونس بن عبدالرحمان می‌گوید: نزد امام موسی کاظم[ؑ] رفتم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا قائم به حق تو هستی؟ فرمود: من قائم به حقم، اما آن قائمی که زمین را لوث وجود دشمنان خدا پاک می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌نماید، آن سان که از ظلم و جور پر شده است، پنجمین از فرزندان من است که غیبیتی طولانی خواهد داشت...^۳

۹ - امام رضا[ؑ]

ریان بن صَلت می‌گوید: به امام رضا[ؑ] عرض کردم: آیا صاحب این امر تو هستی؟ فرمود:

۲- منتخب الاثر، ص ۲۹۲.

۱- منتخب الاثر، ص ۲۵۴.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

من صاحب امر هستم، اما آن کس نیستم که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن گونه که از ستم پر شده است؛ چگونه من هم او باشم با ضعفی که در اندامم مشاهده می‌کنم، در حالی که وقتی قائم خروج کند، در سن پیرمردان و در سیمای جوانان است، بدنی نیرومند دارد، به گونه‌ای که قوی ترین درخت را می‌تواند با دست از زمین برکند... او چهارمین از فرزندان من است، خداوند او را از دیده‌ها می‌پوشاند تاروزی که آشکار شده، زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.^۱

۱۰ - امام جواد^{علیه السلام}

عبدالعظیم حسنی گوید: به امام جواد^{علیه السلام} عرض کرد: امیدوارم قائم خاندان محمد^{علیه السلام} شما باشی، همان کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن سان که از ظلم و جور پر شده است. فرمود: ای ابوالقاسم! همه ما (امامان) قائم به امر خدا و هدایتگر مردم به سوی دینش هستیم، اما آن قائمی که خداوند توسط او زمین را از لوث وجود کافران پاک می‌گرداند و از عدل و داد پر می‌نماید، کسی است که ولادتش از مردم پوشیده می‌ماند و شخص او از دیده‌ها پنهان می‌شود و بر مردم حرام است نام (مخصوص) او را ببرند، او همنام و هم‌کنیه رسول خداست...^۲

۱۱ - امام هادی^{علیه السلام}

آبی دُلف می‌گوید: از امام علی النقی^{علیه السلام} شنیدم که فرمود: امام و پیشوای بعد از من فرزندم حسن است و بعد از او فرزندش قائم(عج) است، همان کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند آن گونه که از ظلم و جور پر شده است.^۳

۱۲ - امام عسکری^{علیه السلام}

موسی بغدادی می‌گوید: از امام حسن عسکری^{علیه السلام} شنیدم که فرمود: گویا شما را می‌بینم که در مورد جانشین بعد از من اختلاف دارید. آگاه باشید هر که به امامان بعد از رسول خدا عقیده‌مند باشد، ولی امامت فرزندم را انکار نماید، همانند این است که به نبوت تمام پیامبران و رسولان اقرار کند و منکر نبوت رسول خدا باشد (چنین فردی در حقیقت منکر همه پیامبران است): زیرا پیروی از آخرین امام، مانند پیروی از اولین امام است و آن که آخرین امام را انکار نماید، همانند این است که اولین امام را منکر

۱- منتخب الاثر، ص ۲۲۱.

۲- منتخب الاثر، ص ۲۸۶.

۳- همان، ص ۲۲۵.

شده است. آگاه باشید، فرزندم غیبی خواهد داشت که مردم در آن (نسبت به امامتش) به شک می‌افتند، جز آن‌ها که خداوند حفظشان کند.^۱

گفتنی است که روایات اهل بیت^ع در زمینه امامت حضرت مهدی(عج) فراوان و بیش از حد شمارش است؛ آنچه ذکر شد، نمونه‌ای مختصراً، گویا و روشن است و تأمل در آن‌ها این مطلب را اثبات می‌کند که امامان^ع عنایت خاصی داشتند که امامت حضرت مهدی(عج) در جامعه مطرح شود تا خاتمیت و صایت را اعلام کنند، آنان هم چنین از فتنه‌هایی که ممکن است دامنگیر مردم زمان غیبت شود، خبر داده‌اند تا آنان هشیار گردند و فریب شیاطین جن و انس را نخورده و در امامت امام غایب(عج) تشکیک ننمایند. از این رو، هر بار که شیعه‌ای به امام زمان خویش مراجعه و از ظهر حضرت مهدی(عج) سوال می‌کرد، آن امام با دلداری او و بیان مطالبی در مورد آن حضرت موجب آرامش وی می‌گردید و روحیه امید و انتظار را در وجود او تقویت می‌کرد و با عبارات گوناگون، بر حتمیت و قطعیت ظهر حضرت حجت(عج) تأکید می‌ورزید. تمام سؤال و جواب‌ها حکایت از این دارد که شیعه همواره در انتظار ظهر روزشماری می‌کرده و این خود قطعیت مسأله مهدویت و ظهر را در فرهنگ و اندیشه مردم نشان می‌دهد.

در بیشتر روایات مربوط به حضرت مهدی(عج) بر این مطلب تأکید شده که گسترش عدل و داد در روی زمین، پس از ظهر آن حضرت است؛ همان‌چیزی که جامعه بشری همیشه تشنئه آن بوده و تبهکاران و ستمکاران، تنها شعار آن را سر داده‌اند. امامان^ع با تأکید بر این که عدل و داد توسط حضرت مهدی(عج) در پنهانگیتی مستقر خواهد شد، به ماگوشزد کرده‌اند که استقرار عدل و داد در تمامگیتی از کسی غیراز امام عصر(عج) ساخته نیست و توانایی‌های روحی ای که خداوند در وجود آن حضرت نهاده، در حدی است که می‌تواند رهبری جهان را به دست گرفته، عدالت را در تمامگیتی گسترش دهد و چه بسا مردم جهان نیز طی قرن‌ها تجربه به این مطلب برسند که تحقق عدالت واقعی جز از یک رهبر الهی بر نمی‌آید که این خود موجب سرخوردگی آنان از رهبران فاسدشان گردیده، از روی اضطرار و بیچارگی دست به سوی آسمان دراز کشند و از خداوند مدد جویند و این خودگامی دیگر در تحقق شرایط ظهر باشد.

فصل سوم

امامت حضرت مهدی در منابع اهل سنت

مضمون روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی(عج) چند قسم است که در آنها از زوایای مختلفی به این مسأله پرداخته شده است.

الف - پیامبر ﷺ و دوازده جانشین

□ جابر بن سمره می‌گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود:

(بعد از من) دوازده امیر خواهند بود و سخنی فرمود که من آن را نشنیدم؛ پدرم گفت، فرمود: همه آنان از قریشند.^۱

□ هم او می‌گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود:

این دین تا روز قیامت همواره برپاست و دوازده خلیفه بر مردم خواهد بود که همگی از قریشند.^۲

□ عبدالله بن مسعود می‌گوید: از پیامبر ﷺ پرسیدم (بعد از شما) چند خلیفه فرمانروای این امت خواهند شد؟ فرمود:

دوازده نفر به تعداد نقبای^{*} بنی اسرائیل.^۳

این گونه احادیث که در منابع اهل سنت به تعداد زیاد ذکر شده،^۴ بیانگر آن است که پیامبر ﷺ جانشینان خود را با دو ویژگی کلی معرفی کرده است:

۱- صحیح بخاری، ج ۹-۷، ص ۷۲۹

۲- ینابیع المودة، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ج ۳-۱، جزء سوم، ص ۱۰۴.

*- خداوند در سوره مائدہ (۵)، آیه ۱۲، می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِنْبَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعْثَنَا مِنْهُمْ أَشَّهَّ عَشَرَ نَبِيًّا» خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده نقیب (سرپرست) برانگیختیم.

۴- ر. ک. منتخب الاثر، ص ۱۰-۱۴.

۳- همان.

۱. تعدادشان دوازده نفر است.

۲. همه آنان از قبیله قریشند.

با چشم پوشی از دیگر سخنان آن حضرت^۱ درباره جانشینان خود، ویژگی های یاد شده جز بر امامان شیعه قابل انطباق نیست و اهل سنت می دانند که شیعه امامیه به جانشینی دوازده امام بعد از پیامبر ﷺ معتقد است که نخستین آنان حضرت علی بن ابی طالب و آخرین شان حضرت مهدی(عج) است. اگر مراد آن حضرت کسانی از اصحابش باشند که بعد از او به خلافت رسیدند، تعدادشان به دوازده نفر نمی رسد و اگر خلفای اموی را به آنها اضافه کنیم، تعدادشان بیش از دوازده نفر می شود، علاوه بر این که لیاقت و شایستگی برای جانشینی پیامبر ﷺ رانیز نداشتند. آری، با توجه به معیارها و شرایطی که در قرآن و روایات برای زمامدار جامعه اسلامی بیان شده، چگونه ممکن است معاویه و بزرگی که آن همه جنایت مرتکب شدند و در برابر حکومت بر حق امیر مؤمنان و دو فرزندش امام حسن و امام حسین علیهم السلام ایستادند و آنان را به شهادت رساندند و دستشان به خون هزاران انسان حق جوی دیگر آلوده شد، از سوی پیامبر ﷺ به جانشینی وی معرفی شوند؟! دیگر خلفای بنی امية و بنی عباس نیز دست کمی از آنان نداشتند و هر کدام به گونه ای پرونده ای سیاه و ننگین داشتند. با توجه به این مطالب، آیا می توان پذیرفت که خلفای اموی به منزله نقابی بنی اسرائیل باشند!!^۲

ب - «مهدی» نام دوازدهمین جانشین پیامبر ﷺ

□ ابن عباس نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمود:

جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خدا بر آفریدگانش بعد از من، دوازده نفرند؛ اولین

آن‌ها علی و آخرین آنان فرزندم مهدی است. روح خدا عیسی بن مریم فرود آمده، پشت

۱- همانند حدیث ثقلین، منزلت و حدیث سفینه.

۲- گفتنی است آنچه در ذیل حدیث بخاری آمد که پیامبر ﷺ آهسته فرمود: همگی آن دوازده نفر از قریشند، نمی توانند صحیح باشد؛ زیرا آن حضرت هیچ گونه خوفی از اعلام فرشی بودن خلفایش نداشت تا آن را آهسته بیان کند و می بایست صحیح همان باشد که در نقل یتابع الموده آمده که پیامبر ﷺ فرمود: همه آنها از بنی هاشمند؛ زیرا آن حضرت می دانست خلافت بنی هاشم برای قریش ناخوشایند است به همین جهت از اعلام خلافت و ولایت علی علیه السلام به دستور الهی در روز غدیر نیز بیمناک بود. ر.ک. یتابع الموده، ج ۳-۱، جزء سوم، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ پاورقی منتخب الاثر، ص ۲۳-۱۴.

سر مهدی نماز می‌گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن و تابناک می‌گردد و (شعاع)
سلطنت و حکومتش شرق و غرب زمین را فرامی‌گیرد.^۱

□ هم او می‌گوید پیامبر ﷺ فرمود:

من آقای پیامبران هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاست؛ اوصیای من دوازده نفرند؛
اوّلین آن‌ها علی بن ابی طالب و آخرین شان مهدی(عج) است.^۲

ج - «مهدی» از اهل بیت و عترت پیامبر ﷺ

□ ام سلمه می‌گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود:

مهدی از عترت من است.^۳

□ ابو سعید خدری می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود:

قيامت بر پا نمی‌شود تا اين که زمین از ظلم و ستم و دشمنی پرگردد، سپس مردی از
عترت یا اهل بيتم^۴ خروج می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌کند.^۵

د - «مهدی» از اولاد علی و فاطمه

□ ابن عباس از پیامبر ﷺ اين گونه نقل کرده است:

علی بن ابی طالب پیشوای امّت و جانشین بعد از من در میان آن‌هاست و «قائم منظر» از
فرزندان اوست، زمین را از عدل و داد پرمی‌کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده است.^۶
از طریق اهل سنت از امیر مؤمنان علی[ؑ] نقل شده است که فرمود:

اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خداوند مردی از اهل بیتم را بر می‌انگیزد تا
زمین را از عدل و داد پر نماید، آن سان که از ظلم و ستم پر شده است.^۷

□ ام سلمه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

مهدی از فرزندان فاطمه است.^۸

۱- ينابيع المودة، ج ۳-۱، جزء سوم، ص ۱۰۸. ۲- همان.

۳- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی شافعی سلمی، ص ۱۵.

۴- ممکن است تردید از راوی باشد.

۵- مسنـد احمد حنـلـ، ج ۳، ص ۳۶؛ این گونه روایات هاشمی بودن حضرت مهدی(عج) را نیز اثبات می‌کند.

۶- ينابيع المودة، ج ۳-۱، جزء سوم، ص ۱۰۹. ۷- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۸.

۸- همان، ص ۲۱.

٦٤ شناخت حضرت مهدی(عج)

□ ابو ایوب انصاری می‌گوید: پیامبر ﷺ به فاطمه زینه فرمود:

بهرین پیامبران از ماست و او پدر توست، برترین اوصیا از خاندان ماست و او شوهر توست، بهرین شهیدان از تبار ماست و او حمزه عمومی پدرت می‌باشد، و از خاندان ماست آن که در بهشت با دو بال پرواز می‌نماید و او پسر عمومی توست، از ما هستند دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن و حسین که فرزندان تواند و از ماست مهدی.^۱

ه - «مهدی» از فرزندان امام حسین علیهم السلام

□ حذیفه می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند در آن روز مردی را بر می‌انگيزد که همنام من است... مردم در بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، خداوند به وسیله او دین را (به حال اولش) بر می‌گرداند و فتوحات زیادی خواهد داشت، به گونه‌ای که در روی زمین کسی باقی نمی‌ماند، جز این که «لا اله الا الله» می‌گوید.

سلمان فارسی از جابر خاست و گفت: ای رسول خدا! او از کدامین فرزندان است؟ پیامبر ﷺ

دستش را بر دوش حسین زد و فرمود:

از فرزندان این پسرم است.^۲

□ سلمان فارسی می‌گوید: بر پیامبر ﷺ وارد شدم، در حالی که امام حسین علیهم السلام را در آغوش گرفته و چشمان و دهانش را می‌بوسید و می‌فرمود:

تو آقا فرزند آقایی، امام فرزند امام و برادر امامی، تو حجت فرزند حجت برادر حجت و پدر

نه حجت الهی هستی که نه مین آنها «مهدی» قائم است.^۳

تأمل در این احادیث ما را به این نتیجه می‌رساند که حضرت مهدی(عج) آخرین امام از عترت و خاندان پیامبر ﷺ در معرفی آن حضرت چنان دقیق و مشخص عمل کرده که جای هیچ شک و شباهی نسبت به امامت حضرتش باقی نگذاشته است.

و - حضرت عیسی و یاری حضرت مهدی(عج)

حذیفه از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود:

۱- همان، ص ۲۵.

۲- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۳۱-۳۲.

۳- بناییع الموده، ج ۳-۱، ص ۱۰۵.

مهدی متوجه می‌شود که عیسی بن مریم فرود آمد، گویا از موهايش آب می‌ریزد، پس مهدی به او می‌گوید: (ای عیسی) پیشقدم شو و با مردم نماز بخوان. عیسی^{علیه السلام} پاسخ می‌دهد: نماز برای شما بر پا شده (امروز شما امام مردم هستی) پس عیسی^{علیه السلام} پشت سر مردی از فرزندانم نماز می‌گزارد، وقتی نماز به پایان می‌رسد، عیسی^{علیه السلام} با مهدی(عج)^{علیه السلام} بیعت می‌کند.^۱

بیعت حضرت عیسی^{علیه السلام} با حضرت مهدی(عج) به معنای پذیرفتن رهبری اوست و فرودش از آسمان برای این است که حضرت مهدی(عج) را یاری کند و جهان مسیحیت را به بیعت آن حضرت فرا خواند. هم‌چنین نزولش از آسمان و اقتدايش به حضرت مهدی(عج) در نماز، بیانگر این است که هدف نهایی مردان الهی پرستش و بندگی خداست و حضرت عیسی^{علیه السلام} به یاری حضرت مهدی(عج) می‌شتابد تا با برچیده شدن بساط ظلم و ستم، جامعه به سوی عبودیت و بندگی خدا سوق داده شود؛ زیرا کمال واقعی انسان در سایه پرستش و بندگی خداوند است.

ابو امامه باهلو می‌گوید: پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} بعد از بیان ظهور حضرت مهدی(عج) و فرود عیسی بن مریم^{علیهم السلام} و دادگری او فرمود:

وَتُشَاهِلُ الْأَرْضُ مِنَ السَّلْمِ كَمَا يُمَلِّأُ الْإِنَاءُ مِنَ الْمَاءِ وَتَكُونُ الْكَلِمَةُ وَاحِدَةً، فَلَا يُعْبُدُ إِلَّا اللَّهُ
وَتَضَعُ الْحَرَبُ أَوْزَارَهَا....

زمین، سرشار از صلح و صفا می‌شود، آن گونه که طرف از آب پر می‌گردد، اتحاد کلمه و وحدت در میان مردم برقرار شده، فقط خداوند مورد پرستش قرار می‌گیرد و جنگ فرو می‌نشینند...^۲.

ز - آخرالزمان و فشارهای حوادث

دسته دیگر، روایاتی است که از پریشانی حال و فشارهای حوادث بر مردم آخر زمان خبر می‌دهد و این که با ظهور حضرت مهدی(عج) همه آنها رفع شده، در امور مردم، گشایش حاصل می‌شود و آنان از برکات زمین و آسمان بهره‌مند می‌گردند.

□ ابو سعید خُدْرِی می‌گوید: پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود:

در آخرالزمان سختی‌های زیادی بر امت از ناحیه سلاطین وارد می‌شود، به گونه‌ای که

۱ - عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۲۲۹ - ۲۳۰ . ۲ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۲ .

بلایی شدیدتر از آن شنیده نشده باشد، تا این که زمین با همه وسعتش بر آنان تنگ آید و از ظلم و جور پر شود، مؤمن جایی نیابد که از ظلم و ستم به آن جا پناه ببرد در آن هنگام خداوند مردی از عترتم را برمی انگیزد، او زمین را از عدل و داد پر می کند آن سان که از ظلم و جور پر شده است، اهل آسمان و زمین از او خشنود می شوند، همه گونه گیاه از زمین می روید و باران به طور فراوان از آسمان خواهد بارید...^۱

□ هم او نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمود:

در آخر اتم (آخرالزمان) مهدی خروج می کند، خداوند باران را فرود می آورد، زمین انواع گیاهان را می رویاند و مهدی(عج) مال و ثروت را با رعایت تساوی در بین مردم تقسیم می نماید.^۲

از این گونه روایات استفاده می شود که بعد از ظهور حضرت مهدی(عج)، علاوه بر استقرار عدالت اجتماعی و نایل شدن مردم به حقوق خود، موانع نزول رحمت الهی، رفع شده، مردم از برکات زمین و آسمان بهره مند خواهند شد؛ زیرا از دیدگاه توحیدی گناهان مردم از جمله عواملی است که موجب سلب برکات و منع خیرات آسمانی می گردد و هر گناهی که واقع می شود، همان گونه که اثر منفی بر حیات اخروی انسان دارد، آثار سوئی نیز بر زندگی دنیوی و معیشت مردم بر جا می گذارد و با ظهور حضرت مهدی(عج) و برچیده شدن بساط گناه و سوق مردم به سوی بندگی خدا، هر گونه مانع از بین رفته و انسان در بُعد معنوی و مادی به تکامل می رسد. او در آن روز لذت واقعی زندگی را خواهد چشید.

ح - ظلم به اهل بیت ﷺ پس از رحلت ﷺ

دسته دیگری از روایات موجود در منابع اهل سنت، بیانگر آن است که اهل بیت پیامبر بعد از او، مورد تعددی و ظلم قرار می گیرند و با خروج حضرت مهدی(عج) مردم به منزلت و جایگاه ائمه ﷺ پی می برند و اهل بیت ﷺ پیروان زیادی پیدا کرده، دشمنانشان خوار می گردند.

□ شخصی به نام عبدالله می گوید: نزد رسول خدا ﷺ بودیم که عده‌ای از جوانان بنی هاشم آمدند، پیامبر ﷺ با مشاهده آنان، چشمانش پر از اشک شده و رنگ رخسارش دگرگون شد. گفتم: ای رسول خدا! در چهره شما آثار ناخوشایندی می بینم؛ فرمود:

۱- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۴۱. ۲- المستدرک على الصحيحين، ج ۴، ص ۵۵۸.

ما اهل بیتی هستیم که خداوند عوض دنیا آخرت را برای ما برگزیده است و اهل بیتم بعد از من دچار بلا، تبعید، آوارگی و سختی می‌شوند تا وقتی که گروهی از ناحیهٔ مشرق زمین با پرچم‌های سیاه بیایند و خیر و نیکی^۱ را بطلبند، ولی به آن‌ها داده نشود، آنان به مبارزه ادامه داده و پیروز می‌شوند. در آن شرایط خواسته آنان مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ اما آنان نمی‌پذیرند تا این‌که آن (حکومت) را به مردمی از اهل بیتم تسليم می‌نمایند و اوزمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده است، هر کس آن زمان را درک کرد، به آن‌ها بپیوندد و نزد آنان رود، گرچه سینه‌خیز روی برف‌ها را برود.^۲

□ ابن ابی لیلی از پدرش از پیامبر ﷺ این گونه نقل کرده است:

جبئیل به من خبر داد که مردم به علی بن ابی طالب ظلم کرده، حقش را پایمال می‌کنند و این ظلم و ستم (بر اهل بیت) همچنان باقی می‌ماند تا قائم اهل بیت قیام کند و آنان برتر شوند. امت بر دوستی و محبت‌شان اجتماع کنند. در آن روز دشمنان اهل بیت، کم و خوار شده و دوستان آن‌ها فراوان گرددند و آن (خروج حضرت مهدی و عزت یافتن اهل بیت) وقتی است که وضع شهرها دگرگون شده و بندگان خدا ضعیف می‌شوند، نامیدی از فرج (و ظهور حضرت مهدی(عج)) بر آنان حکم‌فرما می‌گردد، در آن هنگام «مهدی قائم» از فرزندانم با گروهی (از مردان الهی) ظهور می‌کند، خداوند حق را به وسیله آن‌ها چیره و غالب می‌گردد، باطل به شمشیرهای آنان نابود می‌شود و مردم از روی رغبت و اشتیاق با بیم و هراس از آنان پیروی می‌کنند...^۳.

این روایات، از اخبار غیبی است که برخی از مفاد آن‌ها تحقق پیدا کرده است؛ همان‌گونه که پیامبر ﷺ فرمود، حرمت اهل بیتش بعد از او شکسته شد و آنان از رهبری جامعهٔ اسلامی کنار گذاشته شدند، اما همیشه چنین نخواهد بود، بلکه با ظهور آخرین حجت الهی، جهان تحت رهبری اهل بیت اداره خواهد شد و مردم بعد از قرن‌ها دوری از معصوم، حکومت به رهبری امام را تجربه خواهند کرد.

در ضمن از این روایات استفاده می‌شود که به رغم انتشار کفر و ظلم در جهان، نه تنها اهل حق به کلی نابود نمی‌شوند، بلکه افراد زبده و ممتازی در روی زمین خواهند بود که به هنگام ظهور، به حضرت مهدی(عج) می‌پیوندند و ایشان را یاری می‌کنند.

۱- شاید منظور حکومت بر مبنای مکتب اهل بیت باشد.

۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶.

۳- یتایع الموده، ج ۳-۱، ص ۹۸.

* ملاحظه: آنچه در این دو بخش ذکر شد، نمونه‌های برگزیده‌ای از روایات فراوان موجود در منابع شیعه و اهل سنت است که راه روشنی را درباره امامت حضرت مهدی(عج) ترسیم می‌کند؛ به گونه‌ای که اعتقاد به امامت آن حضرت و ایمان به دین اسلام، دو امر تفکیک‌ناپذیر جلوه می‌کنند و صحیح نخواهد بود که انسان به رسالت پیامبر ﷺ و دین او ایمان بیاورد، ولی با وجود این همه روایات که فوق تواتر است، به امامت حضرت مهدی(عج) معتقد نگردد و به وجود او به عنوان آخرین جانشین پیامبر ﷺ در روی زمین، مؤمن نباشد؛ به بیان دیگر، اعتقاد به امامت حضرت مهدی(عج) یک اعتقاد اسلامی است؛ زیرا روایات مربوط به آن به طور فراوان از خود پیامبر ﷺ توسط اهل بیت ﷺ و غیر آنان نقل شده و بزرگان شیعه و محدثان اهل سنت آن‌ها را در کتب صحاح و کتاب‌های معتبر دیگر ذکر کرده‌اند و حتی افرادی از دانشمندان اهل سنت، کتاب‌های مستقلی در این زمینه نگاشته‌اند.

اگر با وجود این همه روایات از پیامبر ﷺ، امامت حضرت مهدی(عج) پذیرفته نشود و کسانی بخواهند منکر آن شوند، دیگر هیچ مسأله‌ای از مسائل اسلامی قابل اثبات نخواهد بود؛ زیرا روایات مربوط به آن‌ها در بسیاری از موارد به مراتب کمتر از روایاتی است که درباره امامت حضرت مهدی(عج) در دسترس است.

حضرت مهدی(عج) واقعیت موجود

بخش سوم

فصل اول

حضور محسوس محدود

تا اینجا امامت حضرت مهدی(عج) با دلایل متقن و استوار به اثبات رسید و معلوم شد آن حضرت تولد یافته، جهان باید در انتظار ظهورش باشد. از آن جاکه انسان موجودی است که نخست با محسوسات سر و کار دارد و با مادیات، بیشتر مأнос میباشد، لازم است جنبهٔ حسّی قضیه نیز مورد توجه باشد. از این رو، در این بخش به بررسی این مسأله میپردازیم که حضرت مهدی(عج) مانند سایر انسان‌ها و با خصوصیات بشری، هماکنون در روی زمین زندگی میکند و کسانی از خواص شیعه قبل از غیبت‌کبری و بعد از آن، حضرتش را مشاهده کرده، به خدمتش رسیده‌اند تا خوانندۀ محترم اطمینان بیشتری یابد و به آن حضرت به عنوان یک واقعیت موجود و زنده‌ای که اینک امام روی زمین است، ایمان بیاورد.

در زمان حیات پدرش

□ مردی از شیعیان امام عسکری^۱ از اهالی فارس میگوید: به سامرا آمدم و در خانۀ امام عسکری^۲ به خدمتکاری مشغول شدم. روزی آن حضرت در بیرونی خانه‌اش^۱ بود، خواستم نزدش رَوَمَ که او صدازد: فلاتنی! همانجا بایست. من در جایم ایستادم؛ ناگهان کنیزی بیرون آمد که با خودش چیز پوشیده‌ای را میبرد. سپس حضرت صدازد: فلاتنی! داخل شو. من داخل شدم و حضرت آن کنیز را صدازد که برگردد. او برگشت. حضرت فرمود: از آنچه با خود داری پرده بردار. کنیز، پوشش را برداشت. پسر بچه سفید رنگ و نیکو صورتی را دیدم؛ امام عسکری^۲ فرمود: صاحب شما (بعد از من) این کودک است....^۲

۱- بیرونی به آن قسمت منزل گویند که برای پذیرایی از میهمانان و غیر افراد خانواده است.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴-۵۱۵.

□ محمد بن عثمان عمری^۱ می‌گوید: در یک اجتماع چهل نفره از شیعیان و خواص اصحاب امام عسکری^۲ که در منزل آن حضرت حضور داشتیم، ایشان مهدی(عج) را به ما نشان داد و فرمود: این کودک بعد از من امام و پیشوای جانشین من بر شماست، اورا پیروی کنید و در دینتان دچار تفرقه نگردید که هلاک می‌شوید...^۳

با این که شیعیان و خواص اصحاب امام عسکری^۴ بارها خبر وجود امام دوازدهم^۵ را از امامان اهل بیت شنیده بودند و در آن شکی نداشتند، اما امام عسکری^۶ کودک خود را به آنان نشان داد تا اطمینان بیشتری یابند؛ چنان که حضرت ابراهیم^۷ با این که ایمان داشت خداوند مردگان را زنده می‌کند، اما به خدا عرض کرد:

خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ خداوند فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟! عرض کرد: آری، می‌خواهم قلبم آرامش یابد.^۸

و خداوند نیز برای اطمینان او این کار را به دست وی انجام داد.

□ عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: به محمد بن عثمان عمری (یکی از سفیران چهارگانه) عرض کرد: از تو سؤالی دارم (تا قلبم آرامش یابد) همچنان که خداوند در قصه ابراهیم^۹ فرمود: ابراهیم مگر ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد: آری، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد، و آن سؤال این است که آیا تو صاحبم را دیده‌ای؟ عمری پاسخ داد: آری، اورا دیده‌ام. عرض کرد: اسمش چیست؟ فرمود: در مورد اسمش جست و جو نکن و این راز را فاش ننمای؛ مخالفان ما باور کرده‌اند که این نسل (با رحلت امام عسکری^{۱۰}) قطع گردیده و به پایان رسیده است.^{۱۱}

پس از رسیدن به مقام امامت

□ ابوالادیان می‌گوید: بعد از آن که امام عسکری^{۱۲} از دنیا رفت، او را کفن کرده، در تابوت نهادند. جعفر بن علی (عموی حضرت مهدی(عج)) پیشقدم شد تا بر جنازه برادرش نماز بخواند. همین که خواست تکبیر بگوید، کودکی ظاهر شد و عبای جعفر را کشید و فرمود:

ای عموم! عقب بایستی؛ من سزاوار تم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم.

جهن جعفر عقب رفت، در حالی که رنگ رخسارش دگرگون شده و زرد گردیده بود، سپس آن کودک جلو ایستاد و نماز خواند...^{۱۳}

۱- کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲-۱، ص ۴۳۵. ۲- بقره (۲)، آیه ۴۳۵.

۳- کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲-۱، ص ۴۴۲-۴۴۱. ۴- همان، ص ۴۷۵.

حضرت مهدی(عج) ضمن این که با این کار ثابت کرد، جعفر وارث امامت نیست، عقیده پیروانش را نیز تحریک نمود و با آشکار شدن و نماز خواندن بر جنازه پدر، امامت خود را بر حاضران آشکار کرد. هم‌چنین قدرت ملکوتی آن حضرت موجب شد جعفر از دستور ایشان مبنی بر کنار رفتن سرپیچی نکند و با حال تحریر و تعجب، شاهد نماز آن کودک بر پدرش باشد.

□ محمد بن صالح می‌گوید: صاحب الزمان(عج) از جای غیر مشخصی خارج گردید و با جعفر کذاب درباره میراث پدرش به خصوصیت پرداخت و به او گفت:

ای جعفر! چرا متعرض حقوقم می‌شوی؟*

جعفر متحریر شده و مبهوت گردید. سپس صاحب الزمان(عج) از دیده‌اش غایب شد. جعفر به جست و جوی او در میان مردم برخاست، ولی وی را نیافت...^۱

آغاز غیبت صغیری

علی بن سنان موصلی می‌گوید: گروهی از اهالی قم برای پرداخت وجهه شرعی خود به امام عسکری^۲ وارد سامرا شدند و با حادثه رحلت آن حضرت رو به رو گشتند. مردم آنان را به سوی جعفر (برادر امام عسکری^۳) هدایت کردند. آنان خواستار دلایل امامت از او شدند، ولی هنگامی که ناتوانی و ضعف وی را مشاهده نمودند، با حال یأس و نامیدی برگشته، از شهر خارج شدند. حضرت مهدی(عج) خدمتکار خانه‌اش را در پی آنان فرستاد و دستور داد آن‌ها را به نام‌هایشان بخواند و بگوید: مولا و امامتان را اجابت کنید. آنان احساس کردند که این فرد، علم غیب می‌داند و خیال کردند او خودش امام است. خدمتکار حضرت فرمود: من بنده مولای شما هستم. او آنان را به خانه امام عسکری^۴ راهنمایی کرد. آنان داخل خانه شدند و حضرت مهدی(عج) را دیدند که بر تختی نشسته و همچون ماه می‌درخشید، بر او سلام کردند. سپس آن حضرت از مقدار اموالی که آورده بودند و از نام صاحبان آن خبر داد. آنان با مشاهده اخبار غیبی آن حضرت، از این که به امام خود دست یافته بودند، سجدۀ شکر گزارند. پس از آن حضرت مهدی(عج) دستور داد، بعد از این هیچ مالی را به سامرا نیاورند و نیز فرمود: در بغداد نماینده‌ای منصوب می‌کنم، اموال را به سوی او ببرید و نامه‌ها از طریق او جواب داده خواهد شد.^۵

* - گفتنی است که با وجود پسر، به برادر ارش نمی‌رسد، اما جعفر به گمان این که امام عسکری^۶ فرزندی ندارد، اموال او را تصرف کرد و اعتراض امام مهدی(عج) در این زمینه بود.

^۱ - همان، ص ۴۴۲. ^۲ - کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۷۶ - ۴۷۹.

این قضیه در روز وفات امام عسکری^۱ یا روز بعد از آن اتفاق افتاد و حضرت مهدی(عج) ضمن معرفی خود به عنوان جانشین پدر و ارائه دلایل امامت، به آغاز غیبتش اشاره کرد؛ زیرا فرمود: اموال را به نماینده‌اش در بغداد تحویل دهن و سؤال‌های نیز از طریق او جواب داده خواهد شد. شیعیان در ایام غیبت صغیری توسط سفیران چهارگانه^۲ با حضرت مهدی(عج) ارتباط داشتند. این ارتباط به شکلی بود که وجود امام غایب(عج) را به روشنی حسی برای آنان اثبات می‌کرد؛ زیرا آنان جواب نامه‌های خود را به خط حضرت مهدی(عج) از طریق سفیران دریافت می‌کردند و اموال و وجهه شرعی رانزد وکلای آن حضرت می‌بردند و در مواردی «قبض رسید» را به خط امام دریافت می‌کردند^۳ و در مواردی نیز پیام شفاهی حضرت مهدی(عج) که در بردارنده خبر غیبی^۴ و نوعی اعجاز بود، توسط سفیران به افراد خاصی ابلاغ می‌شد. بدین گونه غیبت صغیری سپری شد و افراد زیادی^۵ به حضور مبارک ایشان شرفیاب شدند که تعدادشان زیاد و نامعلوم است، از جمله آنان خود سفیران چهارگانه هستند.

عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می‌گفت:

حضرت مهدی(عج) را دیدم که پرده کعبه را به دست گرفته، عرضه می‌دارد: پروردگار! از دشمنانم انتقام گیر.^۶

تشریف افراد به حضور آن حضرت در غیبت کبری

با وفات آخرین سفیر، دوره ارتباط با حضرت مهدی(عج) از طریق سفیران خاص به پایان رسید و دوره غیبت‌کبری و اختفای کامل آغاز شد، اما این غیبت بدین معنا نبود که کسی به دیدار حضرتش نایل نگردد، بلکه در طول این مدت افراد زیادی به خدمتش رسیده‌اند و اخبار آن در حد تواتر است. برخی از آنان هنگام شرفیابی، آن حضرت را شناخته‌اند و در موارد دیگری بعد

۱- که به ترتیب عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح، شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۴۸۶.

۳- اسحاق بن یعقوب می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می‌گفت: مردی از اهل عراق مقداری وجوهات به من داد که برای آن حضرت بفرستم. امام آن مال را برگرداند و فرمود: به او بگو چهارصد درهمی را که حق پسرعموهایت است، اداکن. مرد عراقی از این سخن متحریر و شگفت زده شد و در بررسی اموالش متوجه شد که از حقوق پسرعموهایش چهارصد درهم پرداخت نشده است. (ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۶).

۴- ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۴۳۴-۴۷۹.

۵- همان، ص ۴۴۰.

از جدایی با شواهد قطعی مشخص شده که شخص مورد مشاهده حضرت مهدی(عج) بوده است. به طور کلی می توان گفت: قسمت عمده شرفیابی ها در مواردی بوده که شخص در حال اضطرار قرار گرفته، برای رهایی خودش به آن حضرت متول شده است. در این زمینه کتاب هایی نگاشته شده و نام و نشان عالمان و بزرگانی که به خدمت حضرت شریفه اند، در آنها ثبت گردیده است.^۱

در موسم حج

حضرت مهدی(عج) به عنوان امام زنده و غایب، هر سال در موسم حج حضور می یابد؛ همانند مسلمانان مناسک حج را به جای می آورد و مردم را می بیند، اما آنان او را نمی شناسند. عبید بن زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

(روزی می رسد که) مردم از داشتن امام قابل دسترس، محروم می شوند، او در موسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند، ولی آنان او را نمی بینند.^۲ مصلحت در این است که او قبل از وقت قیام و ظهر برای دیده ها آشکار نشود و به عنوان امام روی زمین در پرده غیبت به سر برد. در این میان علاوه بر اخبار رسیده از پیامبر ﷺ و اهل بیت او درباره امامت حضرت مهدی(عج) و ظهرش که استوار ترین سند وجود آن حضرت می باشد، شرفیابی افراد زیادی به خدمتش از هنگام تولد تا وفات پدر و در دوره غیبت صغیری و کبری و مشاهده معجزات و برآورده شدن حاجت ها و نیازهای متولسان، خود دلیل دیگری است بر این که حضرت مهدی(عج) هم اکنون به عنوان امام با ویژگی های بشری در روی زمین زندگی می کند. مشتاقان می توانند با ایجاد صلاحیت های لازم در خود و ارتقای حالت معنوی و عرفانی خویش و ناراحتی از فراق و جدایی و داشتن آرزوی وصال و مشاهده، در شرایط خاصی به خدمتش شرفیاب گرددند.

۱- ر.ک: نجم الثاقب یا مهدی موعود، حاج میرزا حسین نوری، باب هفتم، ص ۲۰۷ - ۴۱۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

فصل دوم

طول عمر حضرت مهدی(عج)

با توجه به دلایل یاد شده درباره امامت بلافضل حضرت مهدی(عج) بعد از پدرش و با ملاحظه دلایل قطعی بر تولد و وجود ایشان در حیات امام عسکری علیه السلام، شیعیان معتقدند او قرن هاست به عنوان امام غایب، در روی زمین زندگی می کند و تارویزی که خدا بخواهد، به حیات خود ادامه خواهد داد. ممکن است گفته شود: ما افرادی با چنین عمر طولانی ندیده ایم و علم و دانش نیز آن را نمی پذیرد. در پاسخ این مطلب، مسألة طول عمر حضرت مهدی(عج) را مورد بررسی قرار می دهیم.

امکان طول عمر

واژه امکان دارای یکی از دو معنای زیر است:^۱

۱. امکان ذاتی و عقلی: بدین معنا که وقوع یک امر به خودی خود از نظر عقل، مانعی نداشته و محال نباشد. به عنوان مثال، تناقض، امکان عقلی ندارد؛ چرا که هستی و نیستی یک چیز در آن واحد قابل اجتماع نیست؛ و نیز امکان ندارد که عدد دو بزرگ‌تر از عدد سه باشد، زیرا لازم می‌آید که عدد دو، در یک آن عدد دو باشد و عدد دو نباشد و آن خلاف فرض و تناقض است. بنابراین، هر چه که تناقض نباشد و منتهی به تناقض هم نشود، امکان عقلی دارد و طول عمر این گونه است، بنابراین امکان دارد.

۲. امکان استقبالي: یعنی این که چیزی محال ذاتی نبوده، از نظر عقل، مانعی از وقوع آن در خارج نیست، گرچه تا به حال وجود نیافته ولی امکان وجود آن در آینده هست. به عنوان مثال، سلطان هر چند تا کنون معالجه نشده است، اما امکان دارد علم بشری در آینده به معالجه آن دست یابد.

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۰، ص ۱۳۸-۱۴۹.

طول عمر به طور طبیعی نیز این‌گونه است؛ زیرا گرچه عملی نشده و زیست‌شناسان نمی‌توانند به آسانی آن را در مورد همه افراد تجربه کنند، اما در تلاشند تا عمر انسان را افزایش دهند. به چند نظریه در این زمینه توجه کنید:

الف - پروفسور اسمیس، استاد دانشگاه کلمبیا می‌گوید:

همان‌گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته شده و وسایل نقلیه‌ای با سرعت مافوق صوت به وجود آمد، یک روز دیوار سن انسانی نیز شکسته خواهد شد و از آنچه تاکنون دیده‌ایم فراتر خواهد رفت.^۱

ب - گروهی از پزشکان عقیده دارند، پیری یک نوع بیماری است که بر اثر تصلب شرایین و یا اختلال متابولیسم بدن پدید می‌آید و اگر ما بتوانیم از طریق تغذیه صحیح و داروهای مؤثر بر این عوامل پیروز شویم، پیری را شکست خواهیم داد و از عمری طولانی برخوردار می‌گردیم.^۲

ج - روان‌شناسان می‌گویند: طول عمر انسان، بستگی زیاد به طرز تفکر و عقاید او دارد و با داشتن روحیات و عقاید سازنده و آرامبخش، افزایش می‌یابد.^۳

آزمایش‌های به عمل آمده روی بعضی از موجودات نیز، طول عمر آنها را عملی ساخته است. دانشمندان با آزمایش روی نوعی از مگس میوه که عمر بسیار کوتاهی دارد، توانسته‌اند عمر آن را به نهصد برابر افزایش دهند. در آزمایش به عمل آمده روی گیاهی که عمر معمولی آن دو هفته بیش نیست، معلوم شده که می‌توان آن را تا شش ماه نگه داشت.^۴

بنابراین، طول عمر انسان از دیدگاه دانش بشری در آینده «ممکن» است، مگر این که گفته شود چرا حضرت مهدی(عج) بر دانش بشری پیشی گرفته و قبل از اینکه علم، عوامل طول عمر را کشف و عملی کند، از عمر طولانی برخوردار شده است؟ پاسخ آن که این اولین بار نیست که اسلام بر دانش بشری پیشی گرفته است؛ مگر قوانین حیات‌بخش اسلام که علم روز به حکمت و راز برخی از آن‌ها پی برده است، قرن‌ها پیش توسط پیامبر اسلام به بشریت ابلاغ نشد؟ بنابراین، اگر مسئله طول عمر حضرت مهدی(عج) را در محدوده قوانین طبیعی بررسی و مطالعه کنیم، باید بگوییم، خداوند، دانش دستیابی به طول عمر را به آن حضرت عنایت کرده، به گونه‌ای که با استفاده از عوامل طبیعی بتواند، از عمر طولانی برخوردار شود.

۱ - مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، ص ۲۲۴. ۲ - همان، ص ۲۲۶، اقتباس.

۴ - مهدی انقلابی بزرگ، ص ۲۲۴، اقتباس.

۳ - همان.

وجود افراد استثنایی

با چشم پوشی از بحث گذشته و قبول این فرضیه که نوع انسان عمر طبیعی ثابتی دارد که فراتر از آن نمی‌رود، این فرضیه را نمی‌توان به تمام افراد تعمیم داد؛ زیرا همیشه افرادی استثنایی وجود دارند که با ضوابط علوم طبیعی مطابقت ندارند و علم از تفسیر وضع آنها عاجز می‌گردد. به عنوان مثال، در مناطق استوایی زمین، درختانی با عمر جاویدان وجود دارند یعنی مرتب در حال ریشه زدن و جوانه زدن هستند و هیچ‌گاه عمرشان پایان نمی‌پذیرد.

در میان جانوران دریابی، حلزون‌هایی با عمر چند هزار سال دیده شده‌اند.

بررسی موارد دیگری از این قبیل نشان می‌دهد که بی‌تر دید امکان دارد، در میان هر نوع از موجودات، افراد استثنایی وجود داشته باشند و وضع استثنایی آن‌ها دلیل بر غیر علمی بودن آن‌ها نیست؛ زیرا همواره طبیعت در دامن خود افراد استثنایی می‌پروراند و این خود، عین طبیعت است. دراز عمرهای تاریخ از جمله افراد استثنایی هستند که بر دیگر افراد انسان پیشی گرفته‌اند و در این زمینه غیر از حضرت مهدی(عج)، افراد دیگری نیز بوده و هستند که از عمر طولانی برخوردار شده‌اند. یکی از آن‌ها حضرت نوح^۱ که به گفته قرآن^۲ فقط نهصد و پنجاه سال قبل از طوفان، قومش را به آین توحید دعوت می‌کرد و عمر وی خیلی بیش از این بوده است.^۳ شداد بن عاد، نهصد سال عمر کرد.^۴ هبل بن عبدالله بن کنانه، ششصد سال زندگی نمود.^۵ از این قبیل نمونه‌ها فراوان در تاریخ یافت می‌شود که با ملاحظه آن‌ها هیچ‌گونه استبعادی درباره طول عمر حضرت مهدی(عج) باقی نمی‌ماند.

طول عمر در قلمرو قدرت الهی

با چشم پوشی از مطالب گذشته و قبول این که عمر طولانی خارج از محدوده قوانین طبیعی است، در این مطلب نمی‌توان تردید کرد که خداوندی که محیط بر قوانین و نظام طبیعت است، می‌تواند خرق عادت کرده و در موردی که اراده نماید، عمر طولانی به کسی ببخشد و از آن جا که اراده خداوند بر این تعلق گرفته که حضرت مهدی(عج) زمین را سرشار از عدل و دادکند و تمدن بشری را در شکل دیگری از نو آغاز نماید، به آن حضرت عمر طولانی عنایت کرده تا همچنان

۱- عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴.

۲- عمر حضرت نوح بنابر روایات ۲۵۰۰ سال بوده است. ر.ک. بحار الانوار ج ۱۱، ص ۲۸۵ به بعد.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱-۲، ص ۵۵۴. ۴- همان، ص ۵۶۰.

در پس پردهٔ غیبت باقی بماند و پس از آماده شدن شرایط ظهور، قیام کند؛ چنان‌که به حضرت حضرت علیه السلام عمر طولانی تانخ صور، بخشیده است. در این زمینه اهل سنت نیز به زنده بودن حضرت حضرت علیه السلام و عمر طولانی اش^۱ اعتراف دارند. طبق بعضی از روایات، ایشان مونس و همنشین حضرت مهدی(عج) در زمان غیبتش می‌باشد.

حسن بن علی بن فضال می‌گوید: از امام رضا^{علیه السلام} شنیدم که می‌فرمود:

حضرت خضر از آب حیات آشامیده و تا روزی که در صور دمیده شود، زنده خواهد بود، او

نزد مامی آید و به ما سلام می‌کند، ما صدایش رامی‌شنویم و شخصش را نمی‌بینیم و در هر

محفلی (از پیروان اهل بیت^{علیه السلام}) که از حضرت علیه السلام یاد شود، حضور پیدا می‌کند^۲ پس هر که از

شما او را یاد کرد، به او سلام دهد. وی در موسم حج هر سال حضور دارد و تمام مناسک آن

را به جامی آورد و در عرفه، وقوف می‌کند و بر دعای مؤمنان آمین می‌گوید. به زودی خداوند اورا

همدم و مونس قائم ما در غیبتش قرار می‌دهد تا وحشت تنهایی را از او بزداید.^۳

از قرآن کریم مورد دیگری از امکان طول عمر به اعجاز الهی استفاده می‌شود؛ چون دربارهٔ

حضرت یونس^{علیه السلام} فرموده است:

و اگر او از تسبیح کنندگان نبود تاروز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.^۴

بنابراین آیه شریفه بیان‌گر این است که در صورت استغفار نکردن یونس و آن ماهی که او را

در شکم داشت، هر دو تاروز قیامت عمر می‌کردند.

با توجه به آنچه یاد شد، عمر طولانی حضرت مهدی(عج) از اموری است که از دیدگاه دانش

بشری ممکن و قابل وقوع است و برفرض آن که در این مطلب تردید شود، اما بی تردید خداوند

می‌تواند به هر کس اراده نماید، عمر طولانی یا جاودانه ببخشد؛ چنان‌که برای اثبات نبوت

پیامبرانش به دست آن‌ها امور خارق العاده‌ای جاری می‌کند، همانند حضرت موسی^{علیه السلام} که عصرا

اژدها می‌کرد، یا حضرت عیسی^{علیه السلام} که مردگان را زنده می‌نمود و پیامبر اسلام که قرآن را آورده و

کسی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد و نیز معجزات دیگر آن حضرت.

با توجه به دلایل قطعی و روشن در مورد طول عمر حضرت مهدی(عج)، منطقی نیست که به

شبهات واهی و بی‌اساس اعتنای شده و آن دلایل قطعی کنار گذاشته شود.

۱- ر.ک. البیان فی اخبار صاحب الزمان(عج)، ص ۱۴۸-۱۴۹.

۲- این حضور همانند عمرش امری خارق العاده است که به اذن خداوند واقع می‌شود.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۳۹۰-۳۹۱. ۴- عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴.

بخش چهارم
غیبت

فصل اول

راز غیبت

معلوم شد که امکان طولانی شدن عمر، وجود دارد و حضرت مهدی(عج) با عمری طولانی در پس پردهٔ غیبت به سر می‌برد. اکنون این سؤال مطرح است که چرا آن حضرت ظاهر نمی‌شود^۱ و راز این غیبت طولانی چیست؟

فلسفهٔ غیبت حضرت مهدی(عج) را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

الف - آمادهٔ پذیرش نبودن جامعهٔ جهانی

گرچه قسمتی از شرایط ظهور حضرت مهدی(عج) خارج از حوزهٔ اختیار مردم است، اما اجرای کلی مأموریت آن حضرت در گروه فراهم شدن شرایط خارجی و عینی است که مردم در آن نقش تعیین کننده دارند و تا آماده شدن مردم جهان برای پذیرش حکومت جهانی به رهبری حضرت مهدی(عج) همچنان غیبت ادامه داشته، ظهور آن حضرت به تأخیر خواهد افتاد، و این آمادگی، عمدتاً به بُعد فکری و فرهنگی مردم مربوط می‌شود.

توضیح این که باید سطح افکار مردم جهان چنان بالا رود که بدانند تفاوت جغرافیایی، نژادی، رنگ و زبان هیچ‌گونه امتیازی برای انسان‌ها محسوب نمی‌شود و باید همه از حقوق یکسان و برابر برخوردار گردد. و همه انسان‌ها مانند اعضای یک خانواده در کنار یک‌دیگر زندگی کنند. به عبارت دیگر، باید مردم جهان بعد از تجربهٔ تلغی ظلم و ستم حکومت‌های فاسد، این احساس را

۱- باید توجه داشت که این سؤال تنها متوجه شیعه نیست، بلکه هر ملت و قومی که بگونه‌ای به ظهور مصلح کل اعتقاد دارد تا با قیامش جهان را پر از عدل و داد کند، در این سؤال شریک هستند و باید پاسخ دهنده که چرا آن مصلح ظهور نمی‌کند؟

پیداکنند که انتظار عدالت، از حکومت‌های بشری بی‌جا و بی‌مورد است؛ به هر حال بشر باید از حصار مادیت، رهیده، دست نیاز به سوی آسمان دراز کند و از خداوند مدد جوید.

بدیهی است بدون آمادگی فکری مردم، اصلاحات اجتماعی امکان‌پذیر نیست؛ از این رو، پیامبران نیز برای پیشبرد اهدافشان نخست از تعلیم و تربیت و پرورش افراد زبده و لایق استفاده می‌کردند و با ایجاد تحول فرهنگی در جامعه، راه را برای اصلاحات دیگر هموار می‌کردند. حضرت مهدی (عج) نیز به تقدیر الهی باید به ظلم و ستم در جهان پایان بخشد و عدالت را در پنهان زمین بگستراند و اجرای این طرح بزرگ، بدون آمادگی فرهنگی مردم جهان امکان‌پذیر نیست. مردم باید به قدر کافی تلخی بی‌عدالتی‌ها و ضعف قوانین بشری را لمس نمایند و آن قدر چوب سرپیچی و انحراف از دین را بخورند تا به‌طور واقعی در طلب مصلح برآیند.

خداوند متعال فرموده:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا يَقُولُونَ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا يَأْنفِسُونَ.^۱

خداوند وضع هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا این که آنان خود را تغییر دهند.

خواجه طوسی در این باره فرموده:

وُجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصْرُفُهُ لُطْفٌ أَخْرُ وَ عَدَمُهُ مِثْا.^۲

وجود امام، لطف خداوند است و تصرف او (بودنش در میان مردم و تدبیر امور ایشان) لطف دیگری است و نبودن آشکار او (در میان ما) از ناحیه خود ماست.

ب - بیم از کشته شدن

هر یک از رهبران الهی اعم از انبیا و جانشینان آن‌ها همواره از سوی دشمنان کینه‌توز مورد تهدید قرار می‌گرفتند که به صورت‌های آزار، شکنجه، به زندان افکنند، تبعید کردن و کشتن، عملی می‌شد. نیاکان حضرت مهدی (عج) هر کدام به نحوی متحمل این آزارها شده بودند. با توجه به این مطلب، برای آن حضرت سه راه بیشتر وجود ندارد:

۱. حضور در میان مردم و صبر کردن تا هنگامی که شرایط قیام فراهم شود؛ که در این صورت کشته شدن حضرت مانند اجداد بزرگوارش به دست دشمنان بسیار محتمل خواهد بود.

۱- رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

۲- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی، ص ۳۸۵.

۲. ظهور و قیام قبل از فراهم شدن شرایط و آمادگی‌های لازم؛ که در این صورت بی‌تر دید بدون دستیابی به نتیجه کشته خواهد شد.

۳. غیبت و عدم ظهور تارویزی که مصلحت ظهور فراهم شده و آن حضرت بتواند بر ستمکاران چیره گردد.

زاره می‌گوید: از امام صادق ع شنیدم که فرمود:

برای قائم قبل از قیامش غیبی خواهد بود. عرض کردم: چرا؟ فرمود: زیرا می‌ترسد و اشاره به شکمش کرد.

زاره می‌گوید: مقصود حضرت، کشته شدن بود.^۱

باید توجه داشت هر چند شهادت آرزوی اولیای خداست، اما حضرت مهدی(عج) جانشین ندارد و امام دیگری بعد از او نخواهد بود. بنابراین لازم است تا قبل از فراهم شدن شرایط ظهور، همچنان در پردهٔ غیبت به سر برد.

ج - آزمایش مردم

یکی از اسرار غیبت که در روایات به آن اشاره شده، مسئله آزمایش مردم در غیبت ولی خداست؛ زیرا گردن نهادن به اطاعت یک امام ظاهر و آشکار، ممکن است از روی ترس یا طمع باشد، اما ایمان به اطاعت از امام غایب از این عیب‌ها به دور است.^۲

در بخش‌های پیشین گذشت که امامت حضرت مهدی(عج) مسأله‌ای است که به دست پیامبر ع در جدول عقاید و معارف اسلامی قرار گرفته است و مسلمانان باید به امامت آن حضرت و ظهورش ایمان داشته، همواره در انتظار ظهورش باشند. طولانی شدن غیبت موجب می‌شود افکار و عقاید باطنی افراد بروز کرده و مشخص گردد که چه کسانی به وعده‌های پیامبر ع ایمان دارند و همچنان بر اعتقاد به امامت حضرت مهدی(عج) استوار می‌مانند و آزمایش یکی از اهداف آفرینش انسان است.

در قرآن چنین می‌خوانیم:

او خداوندی است که مرگ وزندگی را آفرید تا بیازماید که کدامیں از شما عمل نیکوتری دارد.^۳

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۰

۲- ر. ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۱۱.

۳- ملک (۶۷)، آیه ۲.

منصور^۱ می‌گوید: امام صادق^{علیه السلام} فرمود:

ای منصور! این امر (گشایش به واسطه ظهور آخرین حجت الهی) به سویتان نخواهد آمد،
مگر بعد از این که مردم مأیوس می‌گردند. هم‌چنین سوگند به خدا، (این امر نخواهد بود)
مگر این که از همیگر جدا شده و آزمایش شوید (صفوف حق و باطل مشخص گردد)...^۲
زید شحام از امام صادق^{علیه السلام} نقل می‌کند که فرمود:

حضرت صالح^{علیه السلام} مدتی از میان قومش^۳ پنهان شد... سپس به سوی آن‌ها آمد، در حالی که
به سه دسته تقسیم شده بودند: دسته‌ای که اورا انکار کردند و به او معتقد نگشتند، عده‌ای
که به او شک داشتند و گروهی که بر ایمان به صالح وفادار باقی ماندند. حضرت صالح^{علیه السلام}
ابتدا به سوی گروه دوم رفت و به آنان گفت: من صالح هستم. آنان او را تکذیب کردند و از
خود راندند و گفتند: خداوند از تو بیزار باشد، همانا صالح به شکل توبه.^۴ سپس به سوی
دسته اول رفت. آنان نیز اورا نپذیرفتند و به شدت وی رارد کردند. بعد به طرف گروه مؤمن
رفت و فرمود: من صالح هستم. آنان گفتند: به ما خبری بده که توسط آن یقین کنیم تو
همان صالح هستی (و تغییر قیافه‌ات مهم نیست); زیرا تردیدی نداریم که خداوندانسان را
به هر شکلی که بخواهد درمی‌آورد... صالح به آنان گفت: من همان صالحی هستم که ناقه را
برایتان آوردم. آنان گفتند: راست گفتی؛ حال ناقه صالح، چه نشانه‌ای داشت؟ او پاسخ داد:
یک نوبت آشامیدن آب مال شما و یک نوبت نیز مخصوص ناقه بود. آنان گفتند: به خداوند
و به آنجه تو آوردم ایمان داریم....

سپس حضرت صادق^{علیه السلام} فرمود:

همانا قائم^(ع) مانند صالح خواهد بود (که غیبتش موجب می‌شود عده‌ای از پیروانش در
او به شک و تردید افتدند و عده‌ای نیز انکارش نمایند و همه آنان نمی‌توانند از آزمایش

۱- منظور از «منصور» در این روایات یکی از افراد زیر است: منصور بن ابی الاسود، منصور بن حازم، منصور بن خارجه، منصور بن محمد، منصور بن یونس (معجم رجال الحديث، خوبی، ج ۱۸، ص ۳۴۰ به بعد).

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۰

۳- غیبت حضرت صالح^{علیه السلام} پس از هلاک شدن قومش به عذاب الهی واقع شد و پس از سپری شدن زمان غیبت، به سوی قومی آمد که پیشتر به خاطر ایمان به صالح^{علیه السلام}، از عذاب رها شده بودند. (ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، پاورقی ص ۱۳۶).

۴- زیرا در مدت غیبت، قیافه ظاهری صالح^{علیه السلام} تغییر کرده بود، اما مهم این بود که آنان دلایل نبوت را از صالح^{علیه السلام} بخواهند.

غیبت، موفق بیرون آیند).^۱

مشخص شدن راز واقعی غیبت پس از ظهور

تا اینجا بعضی از رموز غیبت را ذکر کردیم و ممکن است غیبت طولانی آن حضرت رازها و حکمت‌های بیشتری داشته باشد که ما از آن‌ها آگاهی نداریم و در روایات به این مطلب اشاره شده است.

عبدالله بن فضل می‌گوید: از امام صادق ع شنیدم که فرمود:

به ناچار صاحب این امر دارای غیبیتی خواهد بود که تبهکاران در آن به شک و تردید می‌افتنند. عرض کردم: فدایت شوم؛ چرا؟ فرمود: به خاطر امری که اجازه بیانش را (به‌طور تفصیل) نداریم. عرض کردم: حکمت غیبتش چیست؟ فرمود: (اجمالش این است که) راز غیبت مهدی(عج) همان راز غیبت حجت‌های پیش از اوست و حکمت (واقعی) غیبت بعد از ظهور آشکار می‌گردد، چنان‌که راز کارهایی که خضر ع انجام داد، کشتی را سوراخ کرد، پسر بچه‌ای را کشت و دیواری را بنا کرد، بعد از جدایی او از موسی ع روش نگردید. (و موسی ع قبل از جدایی، راز آن‌ها را نمی‌دانست و از آن رو به خضر ع نیز اعتراض نمود). ای پسر فضل! این امر (غیبت مهدی(عج)) کار خداوند، از اسرار او و از امور غیبی و الهی است و چون می‌دانیم خداوند، حکیم است باید تصدیق کنیم کارهای او (از جمله در غیبت نگه داشتن ولی خودش) همه دارای حکمت و راز است، گرچه برای ما آشکار نباشد.^۲

۱- ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۱۳۶- ۱۳۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۴۸۲.

فصل دوم

آثار وجود حضرت مهدی(عج)

سؤال دیگر در مورد حضرت مهدی(عج) این است که وجود یک رهبر در صورتی مفید است که با پیروانش تماس مداوم داشته باشد، در صورتی که زندگی آن حضرت در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است، نه یک زندگی اجتماعی به عنوان امام و پیشوای بنا بر این اثر وجودی این ذخیره الهی برای مردم چیست و امت اسلامی در زمان غیبت از وجود ایشان چه بهره‌ای می‌برند؟ این سؤال در عصر حاضر و تنها برای ما مطرح نشده، بلکه از روایات برمی‌آید که قبل از تولد حضرت مهدی(عج) هنگامی که پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام درباره غیبت ایشان سخن می‌گفتند، با این سؤال رو به رو بودند؛ به عنوان نمونه:

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر ﷺ پرسید: آیا شیعیان از وجود امام در غیبتش بهره‌مند می‌شوند؟ آن حضرت فرمود:

آری، سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخته، مردم زمان غیبتش از او بهره‌مند گشته و به نور ولایت و رهبری اش راهنمایی می‌شوند، همان‌گونه که از خورشید هنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره‌مند می‌گردد.^۱

خورشید دو نوع نورافشانی می‌کند: مستقیم و غیر مستقیم. در نورافشانی مستقیم و آشکار، اشعه آفتاب به خوبی دیده می‌شود، اما در تابش غیر مستقیم، ابرها همانند یک شیشه مات، نور خورشید را گرفته و پخش می‌کنند.

نور آفتاب مهم‌ترین نقش را در حیات موجودات زنده ایفا می‌کند؛ رشد و نمو موجودات، تغذیه و تولید مثل آنها، حس و حرکت و جنبش، زدن زمین‌های مرده و... همه و همه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن همه به خاموشی خواهند گراييد و اين برکات و آثار

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

حیات بخش، مخصوص زمانی نیست که نور به طور مستقیم می‌تابد، بلکه بسیاری از این آثار در نور مات خورشید نیز وجود دارد و تنها قسمتی از آن آثار که نیاز به تابش مستقیم دارد، موجود نیست. خورشید وجود امام مهدی(عج) در زمان غیبت، دارای آثار گوناگونی است که به رغم تعطیل بودن رهبری ظاهری اش، فلسفه وجودی اور آشکار می‌سازد. برخی از آن آثار عبارتند از:

الف - وساطت فیض

اراده خداوند بر این تعلق گرفته که آنچه از ذات مقدسش به موجودات افاضه می‌شود، از طریق اسباب و معجاری مشخص صورت گیرد و همه امور از راه علم و سبب خود به جریان افتدند. فیوضات الهی بر دو قسم است:

فیوضات تکوینی: تمام هستی و سراسر کاینات از کوچکترین موجودات تا کهکشان‌های بزرگ و عوالم دیگر، همه فعل خدا و صادر شده از اراده اوست. فیوضات تکوینی خداوند با واسطه به موجودات می‌رسد و آن واسطه وجود «ولی الله» (پیامبر یا وصی معصوم او) است. وجود «ولی الله» دارای چنین مرکزیتی در عالم هستی است که معبّر پیدایش و ادامه هستی و تسلسل آفرینش است و خود او نخستین فیض الهی است که سبب سایر افاضه‌های خداوند است؛ بنابراین، جهان به وجود «ولی الله» برقرار است.

امام هادی^ع به پیر و انش تعلیم می‌دهد که بگویند:

وَبِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقْعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ.^۱

وبه واسطه شماست که خداوند باران را نازل می‌کند و از فرود آمدن آسمان به زمین جلوگیری می‌نماید، مگر این که خود بخواهد.

ابی حمزه می‌گوید: به امام صادق^ع عرض کرد: آیا زمین بدون امام، ماندگار است؟ فرمود: اگر زمین بدون امام باشد، اهلش را فرو می‌برد.^۲

جريان شب قدر و نزول فرشتگان بر امام و تقدیر امور، در جهت همین تأثیر تکوینی امام در جهان خلقت است و نشان می‌دهد فیوضات الهی و سرنوشت‌ها به طور اجمالی بر امام^ع عرضه می‌شود و از طریق اراده آن حضرت به طور تفصیل، تحقیق می‌یابد.

امام باقر^ع در این باره می‌فرماید:

۱- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، زیارت جامعه کبیره.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

ای گروه شیعه! به سورة «آل‌آنزلناه» (بر وجود امام و جانشین پیامبر) احتجاج کنید که پیروز می‌شوید. سوگند به خدا، این سوره حجت خدابرنده‌گانش بعد از پیامبر ﷺ است.^۱

هم او فرمود:

اراده حتمی خدابر این تعلق گرفته که در هر سال شبی باشد که فرشتگان برای تنظیم و تفسیر امور فروود آیند... و خداوند بزرگ‌تر از این است که روح و فرشتگان را بر کافر و فاسقی (رهبران و خلفای جور) نازل کند. (پس آنان بر قلب امام معصومی فروود می‌آیند).^۲
بنابر مضمون این سوره، شب قدر، هر سال وجود دارد، پس صاحب شب قدر نیز باید همیشه وجود داشته باشد؛ چراکه تداوم تقدیر در امر آفرینش، سنت تغییرناپذیر الهی است و مستلزم تداوم مجری تقدیر یعنی وجود مقدس حضرت مهدی (عج) است.
از دیگر فیوضات تکوینی امام عصر (عج)، نفوذ روحانی او در دلهای مستعد است که موجب می‌شود آنان کشش و جذبه خاصی نسبت به ولایت «ولی الله» پیدا کنند و تحت تأثیر هدایت باطنی آن حضرت قرار گرفته، در صراط مستقیم الهی، ثابت قدم بمانند.

فیوضات تشريعی: امر هدایت و تشریع، خود فیضی بزرگ بوده، نیازمند واسطه‌ای قابل است که آن را دریافت کند و به مردم برساند. این گونه نیست که هر نفسی، مستعد قبول وحی و علوم الهی باشد. واسطه‌فیض تشريعی در مصدق خارجی، پیامبر یا امام است که هم‌اکنون منحصر به وجود مقدس حضرت مهدی (عج) است. نفس پاک و معصوم ایشان، حامل علوم پیامبر ﷺ است و با ظهورش به تعلیم و تربیت و ارشاد مردم خواهد پرداخت و نفوس بشری را به کمال خواهد رسانید. در حال حاضر به خاطر آماده نبودن شرایط ظهور، مردم جهان از هدایت تشريعی حضرتش محروم‌مند؛ هر چند در مواردی ممکن است جاهلی را ارشاد کند و افرادی را به صلاح و درستی راهنمایی نماید، اما این مطلب عمومی نیست. نتیجه این‌که می‌توان گفت: حضرت مهدی (عج) در شأن هدایت تشريعی که شأنی از شؤون امامت است، غایب و پنهان است، اما در دیگر شؤون امامتش، در جهان، حاضر، ناظر، فعال و نافذ است و اگر او از تمام شؤون امامتش برکنار باشد، جهان هستی، اهلش را فرو خواهد برد؛ چراکه تا «ولی خدا» هست، جهان که تا جهان هست، حجت خدایز هست.

ب - امیدبخشی

در میدان‌های نبرد، همت سربازان به ویژه فرماندهان، این است که پرچم در برابر حملات دشمن

۲ - همان، ص ۲۵۳.

۱ - همان، ص ۲۴۹.

همچنان در اهتزاز باشد؛ چراکه برقرار بودن پرچم، مایه دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمر آن‌هاست. همچنین وجود فرمانده لشکر در مقر فرماندهی- هر چند در ظاهر خاموش و ساکت باشد - خون‌گرم و پرحرارتی را در عروق سربازان به حرکت درمی‌آورد و آنان را به تلاش بیشتر و امیدارد، اما هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود، ممکن است لشکری بزرگ در اندرک زمانی متلاشی گردد. شیوه بنابر عقیده‌ای که به وجود امام زنده و غایب دارد، خود را تها نمی‌داند و همواره انتظار ظهور آن سفر کرده را می‌کشد. اثر روانی این طرز فکر در زنده نگه داشتن امید در دل‌ها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای انقلاب جهانی او، به خوبی قابل درک است، به ویژه این‌که، امام^۱ در دوران غیبت به طور مداوم، مراقب حال شیعیان و پیروان خویش است و طبق الهام الهی از اعمال آن‌ها آگاه می‌گردد.^۲ این اندیشه سبب می‌شود همه معتقدان به آن حضرت در یک مراقبت دائم فرو روند و هنگام ورود در هر کاری توجه به آن نظارت عالی داشته باشند. اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست.

توسل به حضرت مهدی(عج) و الطاف ویژه

توسل به بندگان خاص خداوندیکی از وسائل تقرب به درگاه خدادشت. در این میان توسل به حضرت مهدی(عج) به عنوان مقرب ترین بنده خدا در روی زمین، می‌تواند مشکلات متولسان را برطرف کند. افراد زیادی در گذشته و حال بوده و هستند که این امر را تجربه کرده‌اند و با توسل و تصرع به درگاه خدا توفیق تشرف به محضر امام را یافته و به شفاعت ایشان به خواسته‌های خود رسیده گرفتاریشان رفع شده است. چه انسان‌هایی که با سوز و گذار به ساحت مقدس آن امام همام، متولسان گردیده و از الطاف حضرتش بهره‌مند شده‌اند.^۳ و این خود از دلایل تجربی وجود حضرت مهدی(عج) در پشت پرده غیبت و فایده‌رسانی اش به مردم است. اگر مادر حجاب‌گناه خود زندانی و از الطاف ویژه آن حضرت محروم هستیم، دلیل بر نبودن او نیست. ما می‌توانیم به عنوان یک متظر واقعی امام زمان(عج) با توسل به ساحت مقدسش، از عنایات ایشان بهره‌مند گردیم و از انوار تابناک خورشید وجودش، راه خود را در تاریکی‌ها بیابیم.

نباید انتظار داشت که آفتاب برای نورافشانی مستقیم از پشت ابرها پایین بیاید، بلکه ما باید همچون مسافران هوایپما بر فراز ابرها قرار گیریم و از شعاع حیات بخش آفتاب بهره‌مستقیم گیریم.^۴

۱- ر.ک: اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲- ر.ک: نجم الثاقب، باب هفتم، ص ۲۰۷-۴۱۲.

۳- ر.ک: خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۲۲۱-۲۳۶؛ مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، بخش ۳، فلسفه وجود امام به هنگام غیبت، ص ۲۴۷-۲۶۹.

بخش پنجم
انتظار

فصل اول

در انتظار حضرت مهدی(عج)

پیش از این گفته شد که اندیشه پیروزی نهایی حق بر باطل و غلبة قطعی صالحان و پرهیزکاران و کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران از اجتماعات بشری، ریشه قرآنی دارد^۱ که در روایات اسلامی از آن به «انتظار فرج» تعبیر شده است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن «حرمت یأس از روح الله»^۲ است. افراد با ایمان در هیچ شرایطی تسلیم یأس و نامیدی نمی‌شوند، اما این انتظار فرج و امیدواری به رحمت خدا، در مورد یک عنايت عمومی برای همه بشر است، نه شخصی یا گروهی؛ به علاوه این انتظار با نویدهای خاص و مشخصی همراه است و ظهور حضرت مهدی(عج) که مظهر رحمت خداوندی است، یک حادثه قطعی در آینده تاریخ است.

این اندیشه مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به آینده و طرد عنصر بدینی نسبت به پایان کار بشر است.

انتظار سازنده و مخرب

گروهی این گونه فکر می‌کنند که اگر ظهور حضرت مهدی(عج) - همان طور که در روایات تصریح شده است - جز با پر شدن زمین از ظلم و فساد واقع نخواهد شد، بنابراین دست زدن به هرگونه اصلاحات اجتماعی کمک به تأخیر ظهور است و برای تسریع آن لازم است از اقدامات

۱- ر.ک: توبه (۹)، آیه ۳۳، صفحه (۶۱)، آیه ۹ و انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۲- «إِنَّهُ لَا يَئِاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» همانا از رحمت خدا جز گروه کافران نا امید نمی‌شوند، یوسف (۱۲)، آیه ۸۷.

اصلاحی خودداری کرده، انجام آن را بر عهده حضرت مهدی (عج) گذاشت. بنابراین دیدگاه، مفهوم انتظار، دست روی دست گذاشتن به دور از هرگونه مسؤولیت پذیری اجتماعی و انجام وظیفه است.

روشن است این برداشت منفی از انتظار، با تعالیم عمومی اسلام، بهویژه وظایف منتظران در زمان غیبیت، منافات دارد. انتظار فرج که از عبادات و بلکه برترین آنها شمرده شده، نمی‌تواند یک چنین بار منفی داشته باشد.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ^۱

برترین اعمال امّتی انتظار فرج (حضرت مهدی) از سوی خداوند بزرگ است.

این حدیث، بیانگر آن است که انتظار فرج از سنخ عمل است، نه دست روی دست گذاشتن و سکوت. بنابراین، لازمه انتظار، حالت آماده باش داشتن و تهیه مقدمات آن ظهور بزرگ است. دوران دولت حضرت مهدی (عج) به تعبیر قرآن، دوران حکومت «بندگان صالح»^۲ است، یعنی آنان که صالحند وارث زمین می‌شوند. آیا انتظار این دوران، بدون به وجود آمدن بندگان صالح و شایسته، درست است یا انتظاری است کاذب؟! پس باید نخست در زمرة بندگان صالح درآییم، آنگاه طالب نویدی که به آنان داده‌اند، باشیم. پس امّتی که در انتظار ظهور مصلح به سر می‌برد، باید خود صالح باشد.

به بیان دیگر، چگونگی انتظار همواره متناسب با هدفی است که در انتظار وقوع آن هستیم:

– انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر؛

– انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز؛

– انتظار فراسیدن فصل چیدن میوه از درخت و برداشت محصول؛

– ارتشی که هر لحظه در انتظار آمدن فرمانده و فرمان او برای جهاد آزادی بخش به سر می‌برند و

هر یک از این انتظارها آمیخته بانوعی آمادگی است. به عنوان مثال، انتظار آمدن یک مسافر عزیز از راه دور به این است که خود را برای استقبال از او آماده کنیم و برای پذیرایی از وی وسائل و امکانات لازم را تهیه کرده باشیم.

۱- آیه ۴۹۶، صفحه منتخب الأثر، آیه ۲۱، آنیبا (۲).

۲- آیه ۱۰۵، آیه ۲۱، آنیبا (۲).

انتظار یک مصلح جهانی نیز به معنای آماده باش کامل فکری و عملی برای پیشبرد اهداف اوست. به عبارت دیگر، در دوران انتظار یعنی پیش از ظهور، باید آنگونه باشیم که اگر امام ظهور نمود از ما انتظار دارد آنگونه باشیم.

پاداش منتظران

کسی از امام صادق^ع پرسید: درباره کسی که انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و با این حال از دنیا می‌رود چه می‌گویید؟ امام فرمود:

او همانند کسی است که در خیمه «قائم» (عج) (ستاد ارتش او) با او باشد. سپس اندکی

سکوت کرد و فرمود: بلکه مانند کسی است که همراه پیامبر^ص بوده است.

این مضمون با تعبیرات دیگری نیز نقل شده است:

او مثل کسی است که در محضر پیامبر^ص شهید شده است.

او به منزله کسی است که پیش روی پیامبر^ص جهاد کند.

همانند کسی است که خونش در راه خدا ریخته باشد.^۱

امام صادق^ع در روایت دیگری فرمود:

... کسی که دوست دارد از یاران «قائم» (عج) باشد، پس منتظر بماند و به پرهیزکاری و

روش‌های نیک خوبگیرد؛ اگر او بمیرد و بعد از او «قائم» (عج) قیام کند، برای او پاداش کسی

خواهد بود که آن حضرت رادر کرده باشد؛ بنابراین (در عمل به دین) جدیت و تلاش

کنید؛ و ای گروهی که مورد عنایت و رحمت خدا هستید (پاداش الهی) گوارایتان باد،

منتظر بمانید.^۲

عبارات یاد شده، روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه، میان مسئله انتظار و جهاد وجود دارد و انتظار چنین انقلابی، همواره با جهادی وسیع و دامنه‌دار همراه است.

۲- منتخب الاثر، ص ۴۹۷.

۱- منتخب الاثر، ص ۴۹۸.

فصل دوم

وظایف منتظران

منتظران راستین آن حضرت علاؤه بر انجام دستورهای عمومی اسلام، باید تکالیف خاصی را در مورد حضرت مهدی (عج) مرااعات نمایند که به بعضی از آنها اشاره می‌کیم:

۱. شناخت درست از امامت و صفات آن حضرت؛ زیرا اعتقاد به امامت ایشان از ارکان اعتقادی دین اسلام است که مرگ بدون آن از نوع مرگ ضلالت و جاھلیت است.

۲. دعا برای سلامتی آن حضرت، به گونه‌ای که ائمه[ؑ] تعلیم داده‌اند.^۱

۳. صدقه دادن برای سلامتی ایشان^۲، همان‌گونه که وقتی یکی از عزیزان ما، در سفر است، صدقه می‌دهیم تا سالم بازگردد. این صدقه نوعی ابراز موذت به آن حضرت است که همه امت بدان مأمورند.

۴. اندوهناک بودن در فراق آن حضرت؛ از این رو، سزاوار است دعای ندبه در هر صبح جمعه خوانده شود، و آن دعا ناله عاشقی است که در فراق آن حضرت اشک می‌ریزد، همان‌گونه که امام صادق[ؑ] در فراقش اشک ریخت.

سدیر صیرفى می‌گوید: من و مفضل و ابو بصیر و ابیان بر امام صادق[ؑ] وارد شدیم، دیدیم روی خاک نشسته و مانند زن جوان مردگریه می‌کند و حزن و اندوه از چهره‌اش نمایان است، در حالی که می‌فرماید:

آقای من! غیبت تو خوابم را بیوده، بسترم را بر من تنگ کرده، آرامش قلبی ام را گرفته و مصیبتم را البدي کرده است. جز این مصیبত عظیم [غیبت تو]^۲ که در برابر دیدگانم مجسم است و از همه مصایب بزرگتر، جانگدازتر، سخت‌تر و ناآشناتر است، چیزی را احساس نمی‌کنم، نه اشکی را که از دیدگانم روان است و نه ناله‌ای را که از سینه‌ام برمی‌خیزد.

۱- منتخب الاثر، ص ۵۰۳

۲- همان، ص ۵۰۲

سدير می‌گويد: با دیدن اين منظره، عقل از سر ما پريده و گمان کردیم، حادثه‌ای برای آن حضرت پيش آمده است. عرض کردیم: اى پسر بهترین آفریدگان! خداوند چشمانتان را نگرياند، چه حادثه‌ای پيش آمده که اشك شما روان است؟ در اين هنگام آن حضرت نفس عميقی کشيد و فرمود:

امروز صبح در کتاب جفر نگاه می‌کردم، کتابی که شامل بر حوادث گذشته و آينده تاروز قیامت است و خداوند آن را به محمد<ص> و امامان بعاز او اختصاص داده است. در آن جابه اخبار قائم(عج) بخوردم و درباره غيبيت و طول عمر او و آزمایش مؤمنان در فکر فرو رفتم که چگونه طول غيبتش موجب شک و تردید آنان و ارتداد عده زيادي می‌شود، از اين رو، غم و اندوه بر من غلبه کرد و متاثر شدم...^۱

۵. انجام طواف و حج مستحبی به نياابت از ايشان.

موسى بن قاسم می‌گويد: به امام جواد<ع> عرض کردم: می‌خواهم به نياابت از طرف شما و پدرتان طواف کنم، اما به من می‌گويند نباید به نياابت از طرف او صيا طواف کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود:

نه اين چنین نيسست، هر چه برایت امكان دارد طواف کن.^۲

۶. توسل و استغاثه به آن حضرت؛ چراکه او فريادرس بیچارگان و درماندگان است و چه بسيار مشكلات و نيازهایي که بر اثر استغاثه به آن حضرت رفع شده است.^۳

۷. هنگامی که نام آن حضرت [قائم آل محمد<ص>] برده می‌شود، همه برای تعظيم و تكرييمش به پا خيزند، چنان که روایت شده که حضرت رضا<ع> در مجلسی در خراسان وقتی نام «قائم»(عج) برده شد، ايستاد و دست بر سرش نهاد و فرمود:

اللهُمَّ عَجِلْ فَرَجَهُ وَ سَهِلْ مَهْرَجَهُ.^۴

۸. آشناکردن مردم با امامت آن حضرت و راهنمایي آنان به لزوم پيروی از ايشان که نوعی «تواصي به حق» است.^۵

۹. بزرگداشت و تجليل از مقام افرادي که منسوب به آن حضرت هستند، از قبيل سادات، علماء

۱- كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲-۱، ص ۳۵۴-۳۵۳. ۲- وسائل الشيعه، ج ۸ ص ۱۴۱ و ۱۳۸.

۳- ر.ک: نجم الثاقب يا زندگاني مهدی موعود(عج)، ص ۵۳۱-۵۳۸.

۴- منتخب الاثر، ص ۵۰۶.

۵- ر.ک: عصر (۱۰۳)، آية ۴.

و صالحان که از خاندان آن حضرت یا شاگردان و جانشینان اویند.

۱۰. برای ثبات عقیده و ایمان خود به خواندن دعای زیر مدام است نماید.

زراره می‌گوید: به امام صادق عرض کردم: فدایت شوم، اگر زمان غیبت رادرک نمودم، چه کنم؟ آن حضرت فرمود:

ای زراره! اگر آن زمان رادرک کردم، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ تَبَيَّنَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ حُجَّتَكَ
ضَلَّلْتُ عَنْ دِينِي.^۱

خداؤند! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت رانخواهم شناخت. پروردگار! فرستادهات را به من بشناسان؛ چون اگر او را به من معرفی نکنی، حاجت تو را نخواهم شناخت. بار الها! حاجت (امام وقت) خود را به من معرفی کن؛ چرا که اگر او را به من نشناسانی، در دینم گمراه خواهم شد.

۱- منتخب الاثر، ص ۵۰۱

فصل سوم

در محضر امام عصر(عج)

یکی از وظایف منتظران، عمل به دستورها و رهنمودهای آن حضرت است. از امام عصر(عج) در دوران کوتاه حضور (پنج سال دوران پدر و در طول دوره غیبت صغیری یعنی از سال ۲۵۵ ه.ق تا سال ۳۲۹ ه.ق) سخنان و نامه‌هایی به دست ما رسیده که شامل دستورالعمل‌های مهمی است و ما به عنوان منتظران امام باید در عمل به دستورهای آن حضرت اهتمام فوق العاده داشته باشیم. از این رو، در اینجا چند دستورالعمل امام را مطرح می‌کنیم:

عرضه هدایای پاک به محضر امام

مطابق احکام اسلام، واجب است که خمس (در مواردی که خمس تعلق می‌گیرد) را در زمان حضور امام به ایشان و در زمان غیبت به ناییان ایشان تحویل داد. علاوه بر آن یک شیعه منتظر هدایا، پیشکش و نذرهای دیگری را نیز به محضر امام عرضه می‌کند و شایسته است که در انتخاب هدایا از اموال پاک و حلال سعی فراوان داشته باشد و بسیار ناپسند است که شیعه منتظری خمس، وجوهات یا نذرهای خود برای امام زمان را از اموال شبهه‌آلود یا حرامی انتخاب کند که وقتی امام علیه السلام با نظر ولايت، باطن ناپاک آن‌هارا دید، از پذيرفتن آن‌ها امتناع ورزد.

سعد بن عبد الله اشعری قمی رحمه الله گويد: به همراه احمد بن اسحاق به محضر امام عسکری علیه السلام رسیده و در محضر ایشان نوباهای را در کمال حسن و جمال دیدم. احمد بن اسحاق اموال و وجوه شرعی و اهدایی شيعيان را به محضر امام عسکری علیه السلام عرضه کرد. امام خطاب به فرزند بزرگوارش فرمود:

از اموال و هدایای شيعيانست مُهر بگير. (آنان را تحویل بگير.)

امام زمان(عج) به پدر عرض کرد:

مولای من! آیا جایز است که دست پاکم را به سوی هدایای ناپاک و اموال نجس دراز کنم؟

سپس امام عسکری علیه السلام خطاب به احمد بن اسحاق فرمود:

اموال را عرضه کن تا حلال و حرام آنها را تعیین کند.

احمد بن اسحاق اموال را در محضر امام قرار داد و امام عصر(عج) حلال و حرام و مقدار حرام را از هر کدام معین فرمود، از جمله با اشاره به یکی از اموال فرمود:

در این کیسه پول، دیناری است که در فلان تاریخ در ری ضرب شده و نصف نقش سکه رفته است به اضافه سه قطعه قراصه زر به وزن یک دانگ و نیم که حرام می‌باشد. صاحب این کیسه پول، در فلان ماه از فلان سال، یک من و یک چهارم من رشته پیش یکی از همسایگانش که بافنده بود، گذاشت. همسایه‌اش ادعای کرد که رشته‌ها به سرقت رفته است، ولی او ادعای همسایه را نپذیرفت و غرامت گرفت رشته‌ای را که نازک‌تر و یک من و نیم بود. بعد دستور داد رشته‌ها را بآفاد و این دینار و این خرد از قیمت آن پارچه است.

آن گاه امام با اشاره به یکی دیگر از اموال فرمود:

این پنجاه دینار است که برای ما دست زدن به آن (قبول آن) سزاوار نیست؛ زیرا آن‌ها پول

و بھای گندمی است که از شراکت صاحب مال با کشتکارانش نصیب او شده است. او به

هنگام تقسیم، سهم دوستانش را با کیل ناقص پرداخته و سهم خود را با کیل کامل

گرفته است.^۱

هدیه به امام، پاک کننده نفووس است

متأسفانه انسان‌ها در باب انفاق و ادائی حقوق واجب و مستحب مالی، سست و ضعیف‌اند. آنان گمان می‌کنند اموالی که به دست آورده‌اند، واقعاً محصول فکر، تلاش و تدبیر خودشان است و مالکیت‌شان بر آن اموال صد درصد و قطعی است و هیچ‌کس - حتی خدا و پیامبر - در آن اموال حقی ندارد و حال آن که آنان به کمک قوای جسمی و عقل خدادادی از سفره گسترده طبیعت خداوندی استفاده کرده، قسمتی از موahib طبیعت را به خود اختصاص داده‌اند و خداوند متعال نیز به فضل و کرم خود این اختصاص دادن را امضا کرده و مالکیت آنان را با شرایطی تأیید کرده

۱- احتجاج، ص ۴۶۲

است که از جمله آن شرایط، پرداخت حقوق واجب و مستحب مالی مانند خمس است. خداوند پیامبر را مأمور کرده این حقوق واجب و مستحب را از آنان تحویل بگیرد و بدین وسیله روح و روان آنان را ترکیه کند:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا.^۱

از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی.

امام زمان(عج) به یکی از شیعیان می‌نویسد:

آمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا تَقْبِلُهَا إِلَّا تُطَهِّرُوا فَمَنْ شَاءَ فَلِيَصِلْ وَ مَنْ شَاءَ فَلِيَقْطُعْ فَمَا أَثَانَا اللَّهُ حَيْرٌ مِّمَّا أَنْتُمْ كُمْ^۲.

ما اموالتان (خمس، زکات، هدايا و نذرورات شما) را قبول نمی‌کنیم جز برای این که شما پاکیزه شوید (پس شما به خاطر ادائی حقوق واجب و مستحب مالی بر مامن ندارید، بلکه ما هستیم که بر شما منت داریم که با پذیرفتن این اموال نفوس شما را ترکیه می‌کنیم) بنابراین هر کس می‌خواهد، بدهد و هر کس نمی‌خواهد، ندهد و قطع کند و (بدانید) آنچه خدابه مداده است (نعمت ولایت و تقرب خاص به درگاه خدا) از آنچه به شما مداده است (از اموال و مواهب دنیا)، برتر است.

بنابراین امام به شیعیان درس می‌دهد که با اهدای نذرها، هدايا و حقوق واجب مالی به محضر آن بزرگوار به خدا، پیامبر و امامان تقرب بجویند و زمینه طهارت روح خود را آماده کنند تا به سعادت واقعی نایل آیند.

اولویت خویشاوندان در صدقات

پرداختن صدقات واجب و مستحب به همه نیازمندان جایز است، ولی پرداخت آن به نیازمندان خویشاوند اولویت دارد؛ چون هم مصدق صدقه است و هم مصدق صلة رحم و خویشاوندان بر انسان بیشتر حق دارند تا دیگر مؤمنان، مسلمانان و انسان‌ها؛ بلکه بنابر روایتی از امام معصوم:

لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحْمٍ مُّحْتَاجٌ.^۳

صدقه [قبول یا کامل] نیست، در حالی که خویشاوند، نیازمند باشد.

۱- توبه (۹)، آیه ۱۰۳.

۲- احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۰.

۳- بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۹.

محمد بن عبدالله حمیری در نامه‌ای از محضر امام زمان(عج) می‌پرسد:

فردی نیت می‌کند مبلغی به یکی از برادران دینی اش کمک کند و قبل از این که اقدام نماید می‌بیند در بین خویشاوندان خودش فردی نیازمند است. آیا باید او آن پول را به نیازمند خویشاوند بدهد و از پرداختن آن به فردی که نیت کرده بود، منصرف شود؟

امام در جواب می‌نویسد:

پول را به آن یکی بدهد که او را به مذهب خودش نزدیک‌تر می‌بیند و اگر می‌خواهد به کلام معصوم عمل کند که فرمود: «لَا صَدَقَةٌ وَذُو رَحْمٍ مُّحْتاجٌ»، پس آن پول را بین خویشاوند محتاج و آن برادر دینی تقسیم کند تا به تمام فضیلت (فضیلت عمل به کلام معصوم و کمک به خویشاوند و فضیلت کمک به برادر دینی) دست یابد.^۱

نماز؛ بهترین به خاک مالنده بینی شیطان

نماز، برترین عبادت است و در اسلام به آن اهمیت زیادی داده شده است. در کلام امام زمان(عج) نیز نماز مورد عنایت ویژه قرار گرفته است. دو کلام از امام زمان(عج) نشان دهنده اهمیت فوق العاده نماز است.

اهل سنت نماز خواندن هنگام طلوع آفتاب و غروب آفتاب را جایز نمی‌داند و مستند آنان روایاتی از رسول خدا به این مضمون است:

هنگام طلوع و غروب خورشید نماز نخوانید؛ زیرا آفتاب بین دو شاخ شیطان طلوع و غروب می‌کند.^۲

از طریق امامان شیعه نیز روایاتی به همین مضمون رسیده است و هم‌چنین روایاتی داریم که نماز خواندن هنگام طلوع و غروب خورشید را جایز شمرده‌اند.^۳ در جمع این روایات گفته‌اند ممکن است روایات منع از باب «تفیه» صادر شده باشد و یا روایات منع دلالت بر کراحت دارد؛ زیرا نماز خواندن در این ساعات مشابهت به عمل خورشید پرستان دارد و از این رو، مورد منع قرار گرفته است و یا ممکن است منظور از روایات منع، نهی از به تأخیر انداختن نماز صبح و

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۱.

۲- المختار من کلمات الامام المهدی(عج)، محمد غروی، ج ۲، ص ۱۱۲ به نقل از صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۱۰-۲۱۱.

۳- همان.

عصر تا هنگام طلوع و غروب آفتاب باشد.^۱ در هر حال، با توجه به اعتقاد مشهور بر ممنوع بودن نماز در این دو وقت، یکی از شیعیان از محضر امام[ؑ] در مورد نماز خواندن در این دو وقت پرسید و امام در جواب نوشت:

آمّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنَ الصَّلَاةِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا فَإِنْ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَى الشَّيْطَانِ وَ تَغْرِبُ بَيْنَ قَرْنَى الشَّيْطَانِ، فَمَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ شَاءَ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلِّهَا وَ أَرْغِمِ الشَّيْطَانَ أَنْفَهُ.^۲

و اما سؤال از نماز هنگام طلوع و غروب خورشید، پس اگر چنان باشد که می‌گویند: «خورشید از بین دو شاخ شیطان طلوع می‌کند و در بین دو شاخ شیطان غروب می‌کند»، (ولی) هیچ چیز بهتر از نماز، بینی شیطان رابه خاک نمی‌مالد (و او را خوار و ذلیل نمی‌کند) پس در آن زمان‌ها هم نماز بگزار و بینی شیطان رابه خاک بمال.

جمله آخر روایت حکایت از اهمیت و اثر فوق العاده نماز دارد. نماز، برترین عبادت و بهترین وسیله نشان دادن خضوع و خشوع در محضر خدا و به خاک مالیدن بینی شیطان نفس و شیطان جن است. انسان نمازگزار با اظهار عبودیت، بندگی، ضعف و ناتوانی خویش و با اقرار به ربویت، قدرت، رحمت و هدایت پروردگار و نفی آلهه‌های دیگر، عاجزانه دست نیاز به سوی خدای بینیاز دراز می‌کند و با تعظیم و پیشانی ساییدن بر خاک درگاه او، جبروت نفس را می‌شکند و آن رابه تسلیم در برابر اراده الهی و امی دارد و بدین وسیله شیطان را که به گمراه کردن او دل بسته بود، نا امید می‌گرداند و ادعای شیطان مبنی بر گمراه کردن همه انسان‌ها را باطل می‌کند و او را خوار و ذلیل می‌گرداند.

طور موسی بوتر از میقات نماز نیست

حضرت موسی^{علیه السلام} از مدین به سوی مصر روان بود. در طول سفر، شب هنگام در تاریکی، سرما و وحشت بیابان، در دور دست آتشی مشاهده کرد. خانواده رادر آن بیابان تاریک، رها کرد و خود برای آوردن آتش گیرانه یا راهنمایی گرفتن از افراد کنار آتش، به سوی آن روان شد. هنگامی که به طور رسید مشاهده کرد نور آتش نیست، بلکه تجلی خداوند بر درخت است که آن را نورانی کرده و از دور آتش نمایانده است. به ناگاه سروش غیبی به گوشش رسید که:

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۹.

۱- همان.

يا مُوسى ۰ إِنَّي أَنَا رَبُّكَ فَالْخَلْعُ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوبَىٰ^۱

ای موسی! این منم پروردگار تو، پای پوش خود را بیرون آر که در وادی مقدس «طوى» هستی.

گروهی-بهویژه اهل سنت- روایت کرده اند که موسی از آن جهت مأمور شد پاپوش خود را درآورد که آنها از پوست مردار و نجس بودند و طور، محل تکلم با خدا و مقدس بود و نباید با پاپوش نجس بر آن قدم گذارد. سعد بن عبد الله اشعری گوید: وقتی به محضر امام زمان(عج) رسیدم و پرسیدم:

آقای من! درباره امر خدا به پیامبرش موسی به من خبر ده (که چرا مأمور به کندن پاپوش خود شد؟) چه این که فقهای شیعه و سنی گمان می کنند که نعلین حضرت از پوست مردار بود (واز این جهت مأمور به کندن آن شد).

امام در پاسخ فرمود:

هر کس چنین بگوید، بر موسی افترا بسته و او را در حال نبوت، جاهم شمرده است؛ زیرا یا نماز خواندن موسی با آن پاپوش جایز بوده، یا جایز نبوده است. اگر جایز بوده است که با آنها نماز بخواند پس (نجس نبوده اند و) جایز بوده که با آنها در وادی طوی نیز حاضر شود؛ چون گرچه آن وادی پاک و مقدس بوده، ولی مقدس تر و پاک تر از نماز نبوده است و اگر جایز نبوده در آن هانماز بخواند (به خاطر نجس و از اجزای مردار بودن) پس باید مدعی بپذیرد که از نظر او موسی حلال و حرام را نمی شناخته و نمی دانسته پوشیدن چه چیزهایی در نماز جایز است و چه چیزهایی جایز نیست! و داشتن چنین اعتقادی درباره پیامبران کفر است.

سعد گوید: از امام پرسیدم: تأویل و معنای واقعی آیه را برايم بگو.

امام فرمود:

موسی در وادی مقدس طوی با خدامناجات کرد و عرضه داشت: خدایا! من محبتمن را فقط به تو اختصاص داده ام و قلیم را از محبت غیر تو شسته ام در حالی که به اهل و عیال خود علاقه و افری داشت (و حواسش متوجه آنان بود). خدای تعالی فرمود: «فَالْخَلْعُ نَعْلَيْكَ» اگر

محبت را فقط به من اختصاص داده‌ای و قلب را از میل به غیر من شسته‌ای، پس محبت اهل و عیال را از قلبت ببرون کن^۱ (و فقط متوجه من باش).

در این کلام، امام علیهم السلام وادی طوی و کوه طور و محل میقات موسی با خدا را با نماز مقایسه می‌کند و آن را مقدس تر از نماز نمی‌شمرد؛ زیرا وادی مقدس، محل ملاقات و مکالمه موسی با محبوب مطلق بود، میقات نماز نیز محل ملاقات و مکالمه مؤمن با خداست و همچنان که موسی نباید با پاپوش و پای بند ظاهر بر طور قدم بگذارد و نباید هیچ تعلق خاطر دیگری داشته باشد و باید همه تعلقات خود را به کنار نهاده و آن گاه به وادی مقدس قدم گذارد، مؤمن نیز باید هنگام نماز، همه تعلقات دنیوی را به کنار نهاده، با قلبی فارغ از تعلقات به محض خدار و کند. کوه طور و وادی طوی گرچه مقدس و طاهراند، ولی پاک تر و مقدس تر از نماز (میقات مؤمن با خدا) نیستند.

رد بر اهل غلوّ

بعضی از انسان‌ها متأسفانه اهل تعادل نیستند و از جاده عدالت و طریق وسطی منحرف شده، به چپ یا راست می‌گرایند و افراط یا تفریط می‌کنند. نمونه افراط و تفریط انسان‌ها را در برادر اولیای خدا می‌توانیم مشاهده کنیم. پیامبران و امامان علیهم السلام با این دو گروه مواجه بودند. وقتی پیامبر یا ولی خدا به اوج فضایل و کمالات می‌رسد، دشمنان که نسبت به آنان جانب تفریط را گرفته‌اند و بعض و کینه دارند، با مشاهده آن کمالات و اخلاق متعالی، به جای متنبه شدن و گرایش یافتن، بر عناد و لجاج خود می‌افزایند و بعض و کینه را بروز می‌دهند و اولیای خدار اساحر، شیاد و جادوگر معرفی می‌کنند. در مقابل این دشمنان، دوستان افراطی نیز پیامبران و امامان را از ساحت بندگی بالا برده، به مقام ربویت می‌رسانند و محبت افراطی آنان را گمراه می‌کنند.

ضرر این دوستان نا‌آگاه به مراتب بیشتر از آن دشمنان مفترض و کینه‌توز است؛ از این رو، می‌بینیم که معصومان «صلوات الله عليهم اجمعین» با غلوّ به شدت مبارزه کرده‌اند و از جمله امام زمان (عج) نسبت به این پدیده موضع گیری شدیدی دارد.

در دورهٔ غیبت صغیری بین شیعیان اختلاف افتاد و گروهی قائل شدند که خداوند بزرگ آفریدن و روزی دادن را به امامان واگذار و تفویض کرده است و این امامانند که مخلوقات را می‌آفرینند و روزی می‌دهند. در مقابل گروهی دیگر گفتند: تفویض بر خدای تعالیٰ محال است و

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۶۰.

غیر خدا، قدرت بر خلق تندارد. نزاع و اختلاف این دو گروه شدید شد و در نهایت بناگذاشتند از محضر نایب امام زمان(عج)، محمد بن عثمان بیان حق را بخواهند. مطلب خود را به محضر ایشان نوشتند و توقيع و جواب امام به شرح زیر به دست آنان رسید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَ لَا حَالٌ فِي جِسْمٍ
لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَ أَمَّا الْأَئِمَّةُ عَيْنُهُمُ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى
فِيحْكُمُ وَ يَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ أَبْجَابًا لِمَسْأَلَتِهِمْ وَ إِعْطَامًا لِحَقِّهِمْ.

همانا خدای تعالی که خالق اجسام و تقسیم‌کننده روزی‌ها است، نه جسم می‌باشد و نه در جسم حلول کرده است. مانندی برای او نیست و او شنواری بینا است؛ اما امامان^۱؛ آنان از خداوند (خلق‌تی) طلب می‌کنند و خداوند به اجابت طلب آنان می‌آفریند و آنان از خداوند برای کسی طلب روزی می‌کنند و خداوند به اجابت دعای آنان و برای بزرگداشت حقشان، او را روزی می‌دهد.

در نامه دیگری از امام زمان(عج) خطاب به محمد بن علی بن هلال کرخی در رد غلات و مفوضه شیعه^۲ چنین آمده است:

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلَىٰ تَعَالَى اللَّهُ وَ حَلَّ عَمَّا يَصْفُونَ، سُبْحَانَهُ وَ بِحَمْدِهِ، لَيْسَ نَحْنُ شُرَكَاءُهُ فِي
عَمَلِهِ وَ لَا فِي قُدْرَتِهِ بَلْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبُ كَمَا قَالَ فِي مُحْكَمٍ كِتَابِهِ تَبَارَكَتْ آشْمَاؤُهُ: «فُلْ
لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّنَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبُ إِلَّا اللَّهُ»^۳

آنا و جمیع آیائی من الاولین: ادم و نوح و ابراهیم و موسی و غیرهم من النبیین و من الاخرين محدث رسول الله و على بن ابی طالب و غیرهم ممن مضى من الائمه صلوات الله عليهم اجمعین، إلى مبلغ آیامي و مسنه عصری عبید الله عزوجل...

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۱.

۲- در قبال مفوضه که قائلند خدا امر خلق تندارد را به امامان و اگزارده، محققان شیعه معتقدند پیامبر و امامان معصوم صلوات الله عليهم اجمعین بندگان خاص خدا هستند و مسیر عبودیت را طی کرده‌اند و از نربان بندگی بالا رفته، به اوج رسیده‌اند و در خدا فانی شده‌اند. آنها دیگر از خود هیچ ندارند و فهم و دست و چشم و گوش آنان الهی شده است. خداوند آنان را برگزیده و به خود اختصاص داده است و آنها مظهر و خلیفه خدا شده‌اند و فعل آنان فعل خداست. خداوند به دست آنان روزی می‌دهد و به دست آنان تدبیر می‌کند و آنان واسطه فیض حق گشته‌اند و این مطلب غیر از تفویض باطل است. آیت الله جوادی آملی در این زمینه بیان مفصل و رسایی دارند که پژوهندگان را به آن ارجاع می‌دهیم: تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۸، ص ۱۸۳ - ۱۸۵.

۳- نمل (۲۷)، آیه ۶۵

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلَىٰ قَدْ أَذَانَا جُهَلَاءُ الشِّيَعَةِ وَ حُمَقَاءُهُمْ وَ مَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبَعْوَضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ
 فَأُشْهِدُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيدًا وَ رَسُولُهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ
 مَلَائِكَتِهِ وَ آئِيَاءُهُ وَ أُولَيَاءُهُ وَ اشْهَدُكَ وَ اشْهِدْ كُلَّ مَنْ سَمِعَ كِتَابِي هَذَا آنِي بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَ
 إِلَى رَسُولِهِ مِمَّ يَقُولُ إِنَا نَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ نُشَارِكُهُ فِي مُلْكِهِ أَوْ يُعْلَمُنَا مَحَلًا سَوَى الْمَحَلِّ
 الَّذِي رَضِيَ اللَّهُ لَنَا وَ خَلَقَنَا لَهُ أَوْ يَتَعَدَّدُ بِنَا عَمَّا قَدْ فَسَرَنُهُ لَكَ وَ بِسَيِّسَتِهِ فِي كِتَابِي.
 وَ اشْهِدْ كُمْ أَنَّ كُلَّ مَنْ تَبَرَّأَ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَبْرَأُ مِنْهُ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ أُولَيَاءُهُ وَ جَعَلْتُ هَذَا
 التَّوْقِيَّةَ الَّذِي فِي هَذَا الْكِتَابِ أَمَانَةً فِي عُنْتُكَ وَ عُنْقِ مَنْ سَمِعَهُ أَنْ لَا يَكُنْهُ لِأَحَدٍ مِنْ
 مَوَالَىٰ وَ شِيعَتِي حَتَّى يَظْهَرَ عَلَىٰ هَذَا التَّوْقِيَّةِ الْكُلُّ مِنَ الْمَوَالِي لَعَلَّ اللَّهُ يَتَلَافِيَهُمْ فَيَرِجِعُونَ
 إِلَى دِينِ اللَّهِ الْحَقِّ وَ يَسْتَهِنُونَ عَمَّا لَا يَعْلَمُونَ مُسْتَهِنَ أَمْرِهِ وَ لَا يَلْعُغُ مُسْتَهِنَهُ فَكُلُّ مَنْ فَهَمَ
 كِتَابِي وَ لَا يَرْجِعُ إِلَى مَا قَدْ أَمْرَتُهُ وَ نَهَيْتُهُ، فَقَدْ حَلَّتْ عَلَيْهِ الْلُّغَةُ مِنَ اللَّهِ وَ مِمَّنْ ذَكَرْتُ مِنْ
 عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ.^۲

ای محمد بن علی! خداوند برتر و متعالی تر از توصیف آنان است. تسبیح و حمد او (می‌کنم). ما شریک‌های خدا در کارش و در قدرتش نیستیم و غیب را غیر او نمی‌داند، همچنان که در کتاب محکم خود فرموده است: بگو کسانی که در آسمان و زمین هستند، جز خدا، غیب را نمی‌دانند. من و همه پدرانم از اولین: آدم، نوح، ابراهیم، موسی و پیامبران دیگر و از آخرين: محمد، علی بن ابی طالب و دیگر امامان گذشته تا امروز - صلوات خدا بر آنان -، بندگان خدای تعالی هستیم....

ای محمد بن علی! جاهلان شیعه و احمقانی که پر پشه‌ای از دیانت آنان سنگین تر است، ما را آزار می‌دهند. من خدایی را که جز او خدایی نیست به شهادت می‌گیرم - و شهادت او کافی است - و فرستاده‌اش محمد - صلی الله علیه و آله و ملایکه‌اش و اولیائش و تورا و همه

۱- درباره علم غیب امامان، بنابر آیات قرآن علم غیب اختصاص به خداوند دارد و هیچ کس دیگری علم غیب ندارد و بنابر بعضی آیات دیگر بعضی از بندگان خدا به اذن او علم غیب دارند و این آیات با هم منافات و مخالفت ندارند؛ چون علم غیب دیگران - پیامبران و امامان - به اراده و اذن خداست و به خود آنان استناد ذاتی ندارد. آنان به خودی خود علم غیب ندارند، بلکه خداوند - که عالم مطلق است - آنان را به غیب آگاه کرده است. آنچه امام در حدیث یاد شده در صدد انکار آن است، استناد علم غیب به خود امامان است. می‌فرماید: ما به خودی خود هیچ نداریم از جمله علم به غیب و فقط خداست که همه چیز از جمله علم به غیب دارد. کسانی که امامان را عالم به غیب بدانند و این علم را به خود امامان استناد دهند، آنان را در ردیف خدا و شریک او قرار داده‌اند و این غلط و کفر است و امام از چنین جهالت‌هایی در رنج و عذاب است.

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۳-۴۷۴.

آن را که این نامه به گوششان خواهد خورد، که من به سوی خدا و رسولش بیزاری می‌جویم از هر کس که بگوید «ما علم غیب داریم و در ملک خدا با او شریکیم» یا ما را در جایگاهی قرار دهد غیر آن جایگاهی که خدا برای ما پسندیده و برای آن آفریده است و (نسبت به ما) از این مقامی که برایت تفسیر کردم و در این نامه بیان نمودم، تجاوز کند. و شما را گواه می‌گیرم که خداوند، ملائکه، رسولان و اولیای او بیزارند از هر کس که ما از او تبریز بجوییم. این توقیع را که در این نامه نوشتہ امامتی برگردان تو و هر کس که بشنود، قرار دادم (و شما را متعهد نمودم) که آن را از هیچ کدام از دوستان و شیعیان مأکتمان نکند و همه آنان را بر مضمون آن آگاه گرداند، شاید خداوند (به وسیله این توقیع گذشته) آنان را جبران کند و آنان به دین حق خدایی برگردند و از آنچه (غلو) نسبت به سرانجامش جاهلنده، دست بکشنند. پس هر کس که این نامه را بفهمد و به سوی آنچه اورا بدان امر کردم بازنگردد و از آنچه از آن نهی نمودم دست نکشد، لعنت خدا، پیامبران، ملائکه، اولیا و بندگان صالح بر او واقع شده است.

خداوند با کسی خویشاوندی ندارد

اسحاق بن یعقوب گوید مسائلی را در نامه‌ای نوشته بودم و به نایب امام زمان (عج)، محمد بن عثمان عمری دادم تا به امام برساند و جواب آن‌ها را برایم بگیرد. امام جواب مسائل را به خط خود نوشت؛ از جمله:

اَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرْشَدَكَ اللَّهُ وَ ثَبَّتَكَ مِنْ أَمْرِ الْمُتَكَبِّرِينَ لَيْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِنَا وَ بَنِي عَمِّنَا
فَاعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ بِيَمِنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قِرَابَةً وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ سَبِيلُ
اَبِنِ نُوحٍ.^۱

خدا تو را ارشاد کند و بر حق ثابت قدم بدارد، سؤالی که درباره افرادی از خانواده‌ام و عموزادگانم مطرح کردی که منکر امامت هستند (که با توجه به انکارشان و این که از ذریه فاطمه زهرا و رسول الله هستند، عاقبت Shank چگونه است؟) بدان که خداوند با کسی خویشاوندی ندارد. هر کس مرا انکار کند، از من نیست و به راه فرزند نوح رفته است (که با

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

۱۰۶ شناخت حضرت مهدی(عج)

کفر و انکارش رابطه نسبی اش راقطع کرد و این ارتباط نسبی برایش فایده نداشت و در قیامت سبب نجاتش نخواهد شد).

امام زمان(عج) در این جواب هشدار می دهد که به روابط نسبی و سببی دنیایی دلخوش نباشد و بدانید آنچه نجات بخش است، ایمان و عمل صالح می باشد. اگر ایمان و عمل صالح به روابط نسبی و سببی ضمیمه شد، آن روابط ماندگار بوده و در قیامت نیز دوام خواهد داشت، ولی اگر ایمان و عمل صالح به آن روابط ضمیمه نشد، آن روابط باطل شده و برای آن افراد منشأ اثر مثبتی نخواهد بود، بلکه باعث سنگین تر شدن گناه آنان می گردد.

همه انسانها در محکمة عدل الهی با یک میزان سنجیده می شوند و به یک قانون محاکمه می گرددند، پس باید به این هشدار توجه کرد و به پیوندهای ظاهری دنیایی مغرور نشد و از اصلاح نفس و تحصیل ایمان غفلت نورزید.

این ها برخی درس های مهمی بود که شایسته است یک شیعه منتظر از محضر امام زمان(عج) فرا گیرد.

بخش ششم
عصر ظهور

فصل اول

علام ظهور

برای ظهور حضرت مهدی(عج) نشانه‌هایی قرار داده شده تا حق طلبان با تحقق هر یک از آن‌ها، مژده نزدیکی ظهورش را دریافت کنند و نیز حجتی برای عموم باشد تا مبادا فریب مدعیان دروغین مهدویت را خورده، گمراه شوند و این جدا از ویژگی‌های جسمی و نسبی حضرت مهدی(عج) است که در درس‌های گذشته یادآور شدیم.

و باید توجه داشت که بیشتر شرایط و علام ظهور،^{*} اموری هستند که پیدایش هر یک از آن‌ها بیانگر آن است که ظهور تا اندازه‌ای نزدیک شده است، اما دلیل آن نخواهد بود که بعد از وقوع آن‌ها، بلافاصله حضرت مهدی(عج) ظهور می‌کند؛ البته درباره بعضی از علام تصريح شده که مقارن ظهور واقع می‌شوند.

از روایات اهل بیت استفاده می‌شود برخی علام ظهور حضرت مهدی(عج) «حتمی» و بعضی «غیر حتمی» است.

علام حتمی حوادثی هستند که به طور حتم قبل از ظهور واقع می‌شوند و مشروط به شرط یا قیدی نیستند.

* - ممکن است بین شرایط ظهور و علام آن فرق بگذاریم، بدین معنی که شرایط ظهور اموری باشد که در زمرة عمل ظهور آن حضرت است و ظهور متوقف بر تحقق آن هاست، چنان که ممکن است پیدایش عدد کافی از یاران خالص آن حضرت را از جمله شرایط ظهور بدانیم که تعدادشان در روایات ۳۱۲ نفر مشخص شده است، اما علام ظهور اموری هستند که حکایت از نزدیکی ظهور دارند، بدون این که ظهور متوقف بر آن‌ها باشد. البته نقطه اشتراک علام و شرایط در این خواهد بود که هر دوقبیل از ظهور واقع می‌شوند، اما تشخیص این که کدام یک از آنچه در روایات بیان شده از شرایط یا علام است، بلکه ممکن است همه حوادث قبل از ظهور، به گونه‌ای در نزدیکی و تحقق ظهور مؤثر باشند که ما از آن‌ها آگاهی نداریم. (ر. ک: تاریخ الغيبة الکبری، سید محمد صدر، ج ۲، ص ۳۹۵.)

علائم غیر حتمی اموری هستند که مشروط به شرط یا شرایطی هستند که اگر آنها تحقق یابند، «مشروط» نیز واقع خواهد شد و مصلحت بوده که به طور اجمالی از علائم ظهور شمرده شوند.
معلی بن خنیس می‌گوید: از امام صادق^ع شنیدم که فرمود:
بعضی از امور (ی که از علائم ظهورند) حتمی و بعضی غیر حتمی است از جمله امور
حتمی خروج سفیانی در ماه رجب است.^۱

علائم حتمی

بعضی از نشانه‌های حتمی ظهور امام زمان^ع براساس روایات^۲ به قرار زیر است:
۱. خروج سفیانی و یمانی: در روایات آمده که سفیانی از نسل ابوسفیان و نامش عثمان بن عنیسه است، پنج شهر شام - دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرين - را به تصرف خود درمی‌آورد.^۳
امام صادق^ع فرمود:

ما و خاندان ابوسفیان دو اهل بیتی هستیم که در مورد خداوند با همدیگر دشمنی کردیم،
ما گفتیم خداوند راست می‌فرماید و آنان گفتند دروغ می‌گوید. ابوسفیان با پیامبر^ص،
معاویه با علی^ع و یزید بن معاویه با حسین^ع جنگیدند و سفیانی با قائم(عج) می‌جنگد.^۴
یمانی نیز شخصی از اهل یمن است که از دوستان اهل بیت^ع است و برای یاری آنان قیام
می‌کند.^۵

۲. خروج دجال: نزال بن سیره می‌گوید: صعصعة بن صوحان از حضرت علی^ع سؤال کرد:
دجال کی خروج می‌کند؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:
... سوگند به خدا، کسی که از او سؤال کردی (در این زمینه) داناتر از سؤال کننده نیست،
ولی (خروج دجال) علائمی دارد که پشت سر هم ظاهر می‌شوند. اگر بخواهی از آنها خبر
دهم...^۶

۳. صیحه آسمانی: منظور از صیحه، ندایی آسمانی است که نام حضرت مهدی(عج) را می‌برد
و همه ساکنان زمین، آن را به زبان خودشان، می‌شنوند.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

۲- همان، ص ۲۰۴.

۳- ر.ک: منتخب الاثر، ص ۴۵۷.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۵- همان، ص ۱۹۳.

۶- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

زراره می‌گوید: امام صادق ع فرمود:

کسی نام قائم(عج) را (در جهان) می‌برد. عرض کردم: آیا این صدا را افراد خاصی می‌شنوند

یا همگانی است؟ فرمود: این صداعمومی است و هر کس به زبان خودش آن را می‌شنود...^۱

۴. فرو رفتن لشکر سفیانی در صحراء: حضرت علی ع در این زمینه فرمود:

نزدیک زمان قیام مهدی(عج) سفیانی خارج می‌شود و نه ماه به اندازه دوران حاملگی زن،

فرمانروایی می‌کند. لشکر او به سوی مدینه می‌آید تا این‌که وقتی به صحراء رسید، خداوند

آن را در زمین فرو می‌برد.^۲

باید توجه داشت که سفیانی لشکر خودش را برای جنگ با حضرت مهدی(عج) به سوی مدینه گشیل می‌دارد؛ ناگهان متوجه می‌شود که آن حضرت به سوی مکه روانه شده است؛ لشکر او به دنبال آن حضرت راهی مکه می‌شود، اما در بین راه به امر الهی در زمین فرو می‌رود.^۳

۵. کشته شدن «نفس زکیه»: امام باقر ع فرمود:

قائم(عج) به یارانش می‌گوید: ای اصحاب من! اهل مکه مرا نمی‌خواهند، اما من کسی را به

سوی آنان خواهم فرستاد تا حجت را بر آنان تمام کنم، پس مردی از یاران خود را

فراخوانده و به او می‌گوید: به سوی مکه رفته و اعلام کن ای اهالی مکه! من فرستاده

مهدی(عج) به سوی شما شتم و او خطاب به اهل مکه چنین اظهار می‌دارد: ما اهل بیت

رحمت و معدن رسالت و خلافتیم، ما ذریه محمد و از نسل پیامبرانیم، از هنگامی که

پیامبر ع فرمود: از دنیا رفت، ما مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌ایم، از شما یاری می‌طلیم مرا باری

کنید. اما اهل مکه او را در بین رکن (حجرالاسود) و مقام (ابراهیم ع) سر می‌برند و او دارای

نفسی پاک است. (زیرا بدون هیچ گناهی کشته می‌شود).^۴

امام صادق ع فرمود:

بین قیام قائم آل محمد ع و کشته شدن «نفس زکیه» پانزده شب بیشتر فاصله

نمی‌افتد.^۵

در بعضی از روایات امور دیگری از علائم حتمی شمرده شده است:

۱- منتخب الاثر، ص ۴۵۰، ۴۵۳ و ۴۵۵. ۲- همان، ص ۴۵۵.

۳- ر.ک: الامام المهدى من المهد الى الظهور، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۴- ۳۶۳.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷. ۵- همان، ص ۱۹۲.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

و دستی که از طرف آسمان آشکار می‌شود، از جمله امور حتمی است.^۱

شمالي از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

و اختلاف و انقراض فرزندان عباس از امور حتمی است...^۲

علام دیگر

امور و حوادث زیادی به عنوان علام ظهور در روایات مطرح شده بدون این که به حتمی بودن آنها تصریح شود که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. گرفتن خورشید و ماه در ماه رمضان: عبید بن خلیل می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

دو چیز قبل از قیام قائم(عج) خواهد بود که از زمان آدم تا آن روز نبوده است: گرفتگی خورشید در وسط ماه رمضان و ماه در آخرش.^۳

۲. خرابی دیوار مسجد کوفه: از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود:

هنگامی که دیوار مسجد کوفه از طرف خانه عبدالله بن مسعود خراب شد، سلطنت ستمکاران پایان می‌پذیرد و مهدی(عج) خروج می‌کند.^۴

۳. هلاکت بسیاری از مردم: از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

مهدي خروج نمی‌کند مگر این که $\frac{1}{3}$ مردم کشته شوند، $\frac{1}{3}$ بمیرند و $\frac{1}{3}$ باقی بمانند.^۵
ممکن است در اثر جنگ‌های جهانی و وقوع زلزله‌ها یا حوادث دیگری بیشتر مردم از بین بروند.

۴. ظهور علم و دانش در قم: از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

به زودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم و دانش از آن فروکش می‌کند، آن گونه که مار در لانه اش فرومی‌رود. سپس علم و دانش در شهری که قم نامیده می‌شود، آشکار می‌گردد و آن شهر منبع علم و دانش خواهد شد، به گونه‌ای که همه حتی زنان پشت پرده از دین آگاه می‌گردند و این امور نزدیک ظهور قائم ما خواهد بود...^۶

۱- همان، ص ۲۳۳.

۲- همان، ص ۲۰۶.

۳- غیبت نعمانی، ص ۱۸۱.

۴- عقدالدرر فی اخبار المنتظر، ص ۵۱.

۵- همان، ص ۶۳؛ منتخب الائچ، ص ۴۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

۶- منتخب الائچ، ص ۴۴۳.

۵. فraigیر شدن ظلم و فساد در جامعه: روایات زیادی بیانگر آن است^۱ که قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) جهان از ظلم و فساد پر می‌گردد، ولی باید توجه داشت که در عین حال، جناح حق و عدل از بین نمی‌رود و جامعه مؤمنان گرچه به صورت اقلیت باقی خواهد بود و قیام مهدی(عج) نیز برای یاری این گروه است که مستحق یاری هستند.^۲

بخشی از علائم ذکر شده واقع گردیده و درباره برخی دیگر باید در انتظار وقوعش بود. توجه به مطالب یاد شده ما را به این نتیجه می‌رساند که در روایات، فقط علائم ظهور حضرت مهدی(عج) بیان شده، وقت ظهور نه تنها تعیین نشده، بلکه تعیین کننده آن دروغگو شمرده شده است.

ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره وقت ظهور فائیم (عج) پرسیدم، فرمود: آنان که وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند، ما اهل بیتی هستیم که برای ظهور وقتی مشخص نمی‌کنیم.^۳

فضیل می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم، آیا برای این امر (ظهور حضرت مهدی) وقت مشخصی هست؟ فرمود:

آنان که وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند، دروغ می‌گویند، دروغ می‌گویند.^۴

۱- ر.ک: همان، ص ۴۲۸-۴۳۲.

۲- ر.ک: قیام و انقلاب مهدی(عج)، شهید مطهری، ص ۶۴-۶۸.

۳- غیبت نعمانی، ص ۱۹۸.

۴- کتاب الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۶۲.

فصل دوم ظهور

منتظران حضرت مهدی(عج) می‌آیند و می‌روند و سال‌ها و قرن‌ها سپری می‌شود و آن حضرت همچنان در پرده غیبت به سر می‌برد، اما این وضعیت برای همیشه ادامه نخواهد داشت؛ پایان انتظار فراخواهد رسید و مردم جهان روزی شاهد طلوع ستاره ولايت در سپیدهدم این شب ظلمانی خواهند بود و زمین با تابش نور معنویت امام مهدی(عج) درخشش نوینی خواهد یافت. برای آگاهی از حوادث آن ایام به سخنان اهل بیت^۱ توجه می‌کنیم. از امام باقر^۲ روایت شده که فرمود:

مهدي(عج) از گردنۀ کوه طوي با ۳۱۳ مرد به عدد رزمندگان بدر فرود می‌آيد تا آن‌که وارد مسجدالحرام می‌شود و چهار رکعت نماز در مقام ابراهيم می‌خواند. سپس با تکيه بر حجرالاسود، حمد و ثنای الهی به جا آورده و بر پیامبر^۳ درود می‌فرستد و به گونه‌ای سخن می‌گويد که تابه حال کسی آن‌گونه سخن نگفته باشد. نخستین کسانی که با او دست بیعت می‌دهند، جبرئيل و میکائيل خواهند بود.^۴

طبق روایات، یاران حضرت مهدی(عج) شبانگاه به اذن الهی از بستر بیرون آمده، همگی در یک ساعت نزد آن حضرت در مکه اجتماع می‌کنند. سپس ایشان ظهور می‌کند و با یارانش وارد مسجدالحرام می‌شود. آنان پس از بیعت جبرئيل، با آن حضرت بیعت می‌کنند و با حضرت مهدی(عج) رسالت انقلابی خود را اعلام می‌کند تا این که تعداد یارانش افزایش می‌یابد؛ وقتی که به ده هزار نفر رسیدند، آن حضرت از مکه خارج می‌شود^۵ تا زمین را از لوث وجود تبهکاران و ستمکاران پاکسازی کند.

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

امام صادقؑ فرمود:

آیه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يُأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا»^۱ درباره یاران قائم(عج) نازل شده، آنان شب از
بسترشان بیرون می‌آیند، در حالی که صبح در مکه هستند...^۲

عبدالعظيم حسنی از امام جوادؑ نقل می‌کند که فرمود:

وقتی ۳۱۳ نفر از اهل اخلاص نزد مهدی(عج) اجتماع کردند، او ظهر می‌کند و هنگامی
که تعداد یارانش به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند خروج می‌کند، سپس به حدی از
دشمنان خدا را می‌کشد که خداوند از او خشنود گردد...^۳.

ویژگی‌های یاران حضرت مهدی(عج)

امام صادقؑ در حدیثی، خصوصیات یاران حضرت مهدی(عج) را این چنین یاد آور می‌شود:
... مردانی که قلب‌هایشان همانند تکه‌های آهن است (از ایمانی راسخ برخوردارند)، هرگز
در مورد خدا شکی به دلشان راه نیافته است. اگر به کوهها حمله کنند، آن‌ها را از جایشان
می‌کنند، با پرچم‌های خود وارد شهری (از شهرهای کفار) نمی‌شوند، مگر آن را ویران
می‌سازند، برای تیمن و تبرک به اسب امام مهدی(عج) دست می‌مالند، آنان گرد امام
مهدی(عج) را گرفته و در جنگ‌ها خود را سپر بلای ایشان می‌کنند و آنچه از آنان بخواهد
به طور رسا و کامل انجام می‌دهند، مردانی که شب را نمی‌خوابند و در نمازشان زمزمه‌ای
همانند زمزمه زنبوران دارند، شب را به عبادت سپری کرده، صحبتگاهان بر اسب‌های خود
سوارند، راهبان شب و شیران روزند، آنان نسبت به قائم(عج) مطیع‌تر از کنیز نسبت به
آقایش هستند، برافروخته و نورانی هستند، انگار در قلبشان چراغی است، از خداوند
بی‌مناکند، برای شهادت دعا می‌کنند و آرزو می‌کنند که در راه خداکشته شوند، شعارشان
خونخواهی امام حسینؑ است. وقتی که سیر می‌کنند رعب و وحشت تا مسافت یک ماه
را، در پیش‌پیش آن‌ها در حرکت است (تبهکاران از مسافت‌های دور از آنان می‌ترسند)
خداوند امام مهدی(عج) را به وسیله آنان یاری می‌کند.^۴

۱- بقره (۲)، آیه ۱۴۸. یعنی: هر کجا باشید خداوند همگی شما را می‌آورد.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶ - ۳۰۶، ۲۸۳ - ۳۰۷.^۳

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

اگر ما بخواهیم از یاوران حضرت مهدی(عج) باشیم، نخست باید از چهره‌های مصمم و با ایمانی باشیم که در بیان فوق ترسیم شده‌اند.

سؤال: با وجود سلاح‌های مدرن و پیشرفت‌کنونی، چگونه حضرت مهدی(عج) پیروز می‌شود؟

پاسخ:

الف - همان‌طور که گفته شد، ممکن است فرود حضرت عیسیٰ از آسمان و بیعتش با حضرت مهدی(عج) موجب شود که دولت‌های مسیحی نشین همچون اروپا و آمریکا، بدون جنگ مهمی تسلیم شوند و بنابر روایات، حضرت مهدی(عج) تورات را از غاری بیرون می‌آورد^۱ و امکان دارد یهودیان نیز با مشاهده تورات اصلی، به آن حضرت ایمان بیاورند و جنگی میان حضرت و آنان واقع نشود و تسلیم شدن جهان مسیحیت و یهودیان البته تأثیر عمیقی بر دیگر کشورها خواهد گذاشت و شاید آنان با احساس رعب و وحشت، راهی جز تسلیم در برابر رهبر جدید جهان نداشته باشند. امام باقر[ؑ] در این باره فرمود:

... رعب و وحشت، پیش‌پیش مهدی(عج) در حرکت است....^۲

قرآن‌کریم نیز دربارهٔ پیامبر[ؐ] چنین می‌فرماید: رسول خدا[ؐ] با ایجاد رعب در دل دشمنانش، یاری شد.^۳

ب - ممکن است بر اثر وقوع جنگ‌های جهانی، سلاح‌های پیشرفت‌های نابودگردد. در روایات از کشتارهای دسته جمعی و وسیع خبر داده شده است، چنان‌که پیشتر از حضرت علی[ؑ] نقل شده:

مهدی(عج) خروج نمی‌کند، مگر این‌که $\frac{1}{3}$ (مردم) کشته شوند و $\frac{1}{3}$ بمیرند و $\frac{1}{3}$ باقی بمانند.^۴

ج - نمونهٔ پیروزی بر سلاح‌های مدرن را همهٔ ملت‌های جهان در پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر رژیم ستمشاهی و هشت سال دفاع مقدس مشاهده کردند و بر همگان ثابت شد که پیروزی تنها مرهون داشتن سلاح مدرن نیست، بلکه اراده‌های استوار و مقاومی می‌طلبد که بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. پس چه مانع دارد، همان‌گونه که ملت ایران توانست با سلاح‌های معمولی برابر تمام جهان کفر بایستد و پیروز شود، امام زمان(عج) و یارانش نیز با استقامت بی‌نظیر بتوانند سلاح‌های مدرن جهان را به غنیمت گرفته و پیروز شوند؟ البته در این میان از

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۵۷.

۲ - همان، ص ۱۵۵.

۳ - ر.ک: احزاب (۳۳)، آیه ۲۶؛ حشر (۵۹)، آیه ۲.

۴ - منتخب الانبیاء، ص ۴۵۳.

امدادهای ویژه‌الهی که نصیب آنان می‌شود نیز نباید غفلت کرد.
روایات نیز مؤید این مطلب است. مفضل از یاران امام صادق^ع نقل می‌کند که روزی در حضور ایشان سخن از قائم(عج) پیش آمد و من گفتم: امیدوارم کارش به آسانی پیش رود.
امام^ع فرمود: چنین نخواهد بود و این پیروزی دست نخواهد داد، جز در غرقاب خون و عرق بدن.^۱

بنابر روایت دیگری یکی از یاران امام باقر^ع به ایشان عرض کرد:
می‌گویند وقتی مهدی^ع قیام کند، همه کارها برایش خود به خود روبه راه می‌شود،
بی‌آنکه قطره‌خونی ریخته شود.
امام فرمود:

ابدا چنین نیست. به حق آن که جانم در دست اوست، اگر بنا بود کارهای بین آسانی پاگیرد،
برای پیامبر اسلام چنین می‌شد؛ پس چرا در راه مبارزاتش دندانش شکست و صورتش
زخم برداشت. نه چنین نیست به خدا قسم (پیروزی حاصل نخواهد شد) جز این‌که ما و
شما در عرق و خون زخم‌های خود غرق گردیم.^۲

در بیانی دیگر امام صادق^ع فرمود:

گویا قائم^ع و یارانش را می‌بینم که خطر از هر سوبر سرشان سایه اندادته، توشه‌های آنان
تمام شده، جامه‌های ایشان فرسوده‌گشته، سجده بر پیشانی آنان اثر گذارده است، روزها
همچون شیر زیان و شب هنگام نیایشگر حق و دل‌هایش چون پاره‌های آهن است...^۳
د - در روایات از افراد و گروه‌هایی یاد شده که زمینه‌سازان ظهور هستند و چه بسا آنان در
قسمتی از جهان حکومت تشکیل دهند و با تهیه کردن سلاح‌های مدرن در انتظار ظهور امام باشند
و امام بعد از ظهور، رهبری آنان را به عهده گرفته با امکانات مدرن آن‌ها به جنگ با دشمنان
بپردازد و آنان را شکست دهد.

البته در روایات، از سلاح او به شمشیر تعبیر شده که ممکن است یک تعبیر سمبولیک باشد،
یعنی شمشیر کنایه از قدرت و منظور از قیام به شمشیر، اتکای به قدرت باشد.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۳- همان، ص ۳۸۶.

فصل سوم

شیوه حکومت امام مهدی (عج)

برآورده شدن تمام آمال و خواسته‌های طبیعی و فطری انسان‌ها و تکامل فطری و روحی آنان در تمام ابعاد، تنها در سایه حکمرانی امام معصوم امکان‌پذیر است. این ایده با ظهور حضرت مهدی (عج) جامه عمل خواهد پوشید و جامعه بشری بار دیگر و این بار به طور کامل شیوه حکمرانی معصوم را تجربه خواهد کرد.

روش حکمرانی آن حضرت براساس اصول و محورهایی خواهد بود که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. اجرای صحیح و دقیق قوانین الهی

مشکلات عمدۀ مادی و معنوی مردم، معلول عملی شدن قوانین نادرستی است که از مغز بشر تراوش می‌کند و مستند به وحی الهی و جهان غیب نیست و یا اگر قانون درست در دسترس هست، اما مجریان لائق و شایسته‌ای نیستند که بتوانند آن را اجرا کنند. حضرت مهدی (عج) به عنوان آخرین خلیفه پیامبر ﷺ با آگاهی کامل به شریعت رسول خدا ﷺ و به عنوان فردی معصوم، قوانین اسلام را در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی زنده کرده و به مرحله عمل می‌گذارد تا جایی که گفته می‌شود او دین جدیدی آورده است؛^۱ چرا که حتی جامعه‌های اسلامی نیز فاصله زیادی با اسلام واقعی دارند و عادت آنان به وضع موجود و حکمرانی افراد فاسد و تبهکار، این تفکر را در آن‌ها تقویت کرده که دین اسلام همان است که آنان فهمیده‌اند^۲ و در کشورشان عملی می‌شود.

۱- ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸ و ۳۵۳ . ۲- ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲

امام صادقؑ فرمود:

مهدی(عج) به روش پیامبرؐ عمل می‌کند، هر چه (از عادات و سنت‌های نامشروع) بوده، آن‌ها را محومی نماید، چنان که پیامبرؐ امور (را)جایح در) جاهلیت را از بین برد. او اسلام را از نو آغاز می‌کند (قوانين تعطیل شده آن را پیاده می‌کند).^۱

۲. قضاوت به روش حضرت داودؑ

اغلب قضاوت‌ها در محاکم بشری براساس شهادت شهود و جمع آوری قرایین انجام می‌گیرد. حضرت مهدی(عج) براساس علم خود و به روش داودؑ در منازعات قضاوت می‌کند.

امام صادقؑ فرمود:

وقتی قائم آل محمدؑ قیام می‌کند، همانند حضرت داود در بین مردم داوری می‌کند، احتیاجی به بیان (شهود عادل) ندارد، خداوند به او الهام می‌کند و به هر کس از آنچه پنهان کرده و انجام داده، خبر می‌دهد...^۲

۳. تقسیم عادلانه ثروت

یکی از روش‌های نادرست حکومت‌های بشری، تقسیم غیر عادلانه ثروت‌های عمومی است که موجب پیدایش فقر و فاصله طبقاتی در جامعه می‌گردد. حضرت مهدی(عج) ثروت را به طور مساوی تقسیم می‌کند و به گونه‌ای فقر را ریشه کن می‌نماید که برای مصرف صدقه موردي نمی‌ماند. ابوسعید خدری از رسول خداؑ چنین نقل می‌کند:

در پایان (عمر) امّتم، مهدی(عج) خروج می‌کند، در دوران اوباران (به حدّ کافی) می‌بارد و زمین گیاه خود را می‌رویند و مهدی(عج) مال را به طور مساوی و درست به مردم می‌دهد...^۳

هم او از پیامبرؑ نقل کرده که فرمود:

مهدی(عج) به عنوان دادگری عادل خروج می‌کند، صلیب را می‌شکند... و مال و ثروت در میان مردم گردانده می‌شود، ولی کسی پیدا نمی‌شود که آن را قبول کند (همه بی نیاز می‌شوند).^۴

۱- منتخب الاثر، ص ۲۰۵

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵ و ۳۳۹

۳- منتخب الاثر، ص ۴۷۳؛ عقد الدارر، یوسف بن یحیی شافعی سلمی، ص ۱۶۴

۴- عقد الدارر، ص ۱۶۶ و ۱۷۱

۴. ساده‌زیستی

حضرت مهدی (عج) به عنوان رهبر حکومت اسلامی با آنکه ثروت‌های زمین را در اختیار دارد، از غذا و لباس ساده استفاده خواهد کرد تا الگویی برای زهد و بی‌اعتنایی به دنیا باشد.
امام صادق ع در این زمینه فرمود:

مهدی جز جامه زبر و خشن نمی‌پوشد و جز غذای خشک و سخت نمی‌خورد.^۱

عمر و بن شمر می‌گوید: در خانه امام صادق ع بودم؛ مردم از چیزی نمی‌پرسیدند، مگر این که آن حضرت پاسخ می‌داد؛ من به گریه افتادم. فرمود: ای عمر! چرا گریه می‌کنی؟
گفتم: چگونه گریه نکنم؛ در میان امت، مثل تو نیست، اما در به رویت بسته است (یعنی از مقام اجتماعی و ثروت و مکنت برخوردار نیستی!). امام ع فرمود:

ای عمر! گریه نکن؛ بیشترین غذاهای پاکیزه و لذیدرامی خوریم و لباس نرم می‌پوشیم و حال آن که اگر چنان شود که تو می‌گویی (رهبری امت به دست ما بیفت)، همانند امیر مؤمنان ع جز غذاهای سخت و لباس خشن نخواهد بود و اگر جز این باشد عاقبتی جزغل و زنجیر آتشین نخواهد داشت.^۲

از این روایات استفاده می‌شود که هر چند در زمان ظهور زمینه برای استفاده از هر نوع لذت مادی فراهم می‌شود، اما اهل بیت پیامبر کسانی هستند که اگر به زعامت برسند، بیشتر از گذشته به دنیا پشت پا می‌زنند و این از وظایف و ویژگی‌های رهبری امام معصوم است.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰.

۱- منتخب الاثر، ص ۳۰۷.

فصل چهارم

ترسیمی از حکومت جهانی حضرت مهدی(عج)

با ظهر حضرت مهدی(عج) مسیر تاریخ دگرگون شده و فصل نوینی در زندگی انسان‌ها گشوده می‌شود. آن روز اوج اقتدار مستضعفان مؤمن و خواری ستمگران است. با تحقق ظهرور، صلح و صفا، امنیت و عدالت، رشد و شکوفایی، توحید و یکتاپرستی با جنگ و خونریزی، ظلم و ستم و شرک و خرافه پرستی مبادله می‌شوند و ثمرة تلاش تمام پیامبران، اولیا و اوصیا در آن روز آشکار می‌گردد.

در اینجا به بررسی بخشی از ابعاد حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) از دیدگاه روایات می‌پردازیم.

پاک شدن زمین از ستمگران

با ظهر حضرت مهدی(عج) دوران ستمگران به سر رسیده و زمین از لوث وجودشان پاکسازی می‌شود.

امام جواد^{علیه السلام} در این باره فرمود:

وقتی شمار لشکر مهدی(عج) به ده هزار نفر رسید، به فرمان خدا خروج می‌کند و پیوسته دشمنان خدا را از دم تیغ می‌گذراند تا آن که خداوند از او خشنود شود.^۱

حاکمیت مطلق بر جهان

تمام نقاط زمین در سیطره حکومت امام مهدی(عج) قرار می‌گیرد و عدالت‌ش بر همه جا سایه می‌افکند.

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷.

امام باقر^ع در مورد آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَإِتَوْا الزَّكُورَةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۱ فرمود:

این آیه درباره خاندان محمد^ع است؛ در مورد مهدی(عج) و یارانش میباشد، خداوند آنان را فرمانروای شرق و غرب زمین قرار میدهد و دین آشکار میگردد، خداوند به وسیله مهدی(عج) و یارانش بدعتها و باطل را میمیراند، همان‌گونه که سفیهان حق را میراندند بودند تا این‌که نشانه‌ای از ستم باقی نماند. آنان به معروف، فرمان داده، از زشتی باز می‌دارند و پایان امور از آن خدادست.^۲

برقراری امنیت

از ضروری‌ترین نیازهای انسان، برقراری امنیت و صلح و صفا در جامعه است. زندگی در محیط ناامن، تلغی و دشوار است. با استقرار حکومت امام مهدی(عج) و سرکوبی اشرار و تبهکاران، امنیت در حد عالی در سراسرگیتی برقرار می‌شود و ثبات و آرامش روانی، جای اضطراب حاصل از ناامنی می‌نشیند.

امام باقر^ع فرمود:

قائم(عج) و یارانش می‌جنگند تا همه به توحید و یکتاپرستی روآورند و چیزی را شریک خدا قرار ندهند. پیروز ناتوان از شرق زمین به غرب آن مسافرت می‌کند، بدون این‌که از ناحیه‌کسی آسیب ببینند...^۳.

پیشرفت برق‌آسای علم

علم و دانش بشری با تمام دستاوردها و مظاهر شگفت‌انگیزش، هنوز دوران کودکی خود را سپری می‌کند و با تحقق ظهور امام مهدی(عج) به بلوغ کامل می‌رسد.

امام صادق^ع فرمود:

علم و دانش ۲۷ حرف (شعبه و شاخه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده‌اند، دو حرف است. مردم تا روز ظهور بیش از آن دو حرف را نمی‌دانند، وقتی قائم(عج) قیام کند، ۲۵

۱- حج (۲۲)، آیه ۴۱. (آن‌ها که اگر در زمین استقرارشان بخشم (به حاکمیت برسند)، نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند، به معروف امر کرده و از زشتی باز می‌دارند و پایان امور از آن خداوند است.).

۲- منتخب الاثر، ص ۴۷۰. ۳- همان، ص ۳۰۸.

حرف بقیه را بیرون آورده و در میان مردم منتشر می‌سازد و بدین سان مجموع ۲۷ جزء
دانش را نشر می‌دهد.^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

...مردم در زمان قائم(عج) از حکمت برخوردار می‌شوند تا آن جا که زن در خانه‌اش به
کتاب خدا و سنت پیامبر علیه السلام قضاوت می‌کند.^۲

و نیز فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد و به آن، عقل‌هاشان جمع
شده و افکار و اندیشه‌شان کامل می‌شود.^۳

به طور خلاصه، در پرتو هدایت امام مهدی(عج) مردم با افکاری باز، هستی والا و بینشی
واسیع پرورش می‌یابند و یک انقلاب فکری و علمی با امواجی گسترده در همه قشرهای جامعه به
وقوع می‌پیوندند.

رشد مواد غذایی و گیاهی

هم‌اکنون رشد جمعیت کره زمین، زمزمه کمبود مواد غذایی در آینده را به وجود آورده است، در
زمان امام مهدی(عج) خداوند برکات آسمان و زمین را به روی مردم می‌گشاید و هیچ نوع قحطی
در هیچ نقطه‌ای از زمین مشاهده نمی‌شود.

حدیفه از پیامبر علیه السلام این گونه نقل می‌کند:

آب‌ها در دوران حکومت مهدی(عج) فراوان می‌شود، نهرها پر آب می‌گردند، زمین
خوارکی‌های خود را چند برابر می‌کند و گنج‌های خود را بیرون می‌دهد.^۴

و نیز فرموده است:

زمین گنج‌هایش را برای او (مهدی(عج)) خارج می‌کند و وی مال و سرمایه بی‌شمار بین
مردم پخش می‌کند.^۵

هم‌چنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

باران به طور فراوان فروید می‌آید و زمین انواع گیاهان خود را می‌رویاند.^۶

۱-بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۳۶.

۲-غیبت نعمانی، ص ۱۵۸.

۳-بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۲۸.

۴-منتخب الانثر، ص ۴۷۲.

۵-بحار الانوار، ج ۵، ص ۶۸.

۶-عقد الدذر فی اخبار المنتظر، ص ۶۰.

آبادانی شهرها و گسترش مساجد

در عصر حکومت امام مهدی(عج) شهرهای وسیع و آباد، جاده‌های پهن و مساجد بزرگ اما ساده و بدون زرق و برق ساخته می‌شود.

امام باقر^{علیه السلام} فرمود:

گنجهای زمین برای قائم(عج) آشکار می‌شود، سلطنت و حکومتش شرق و غرب زمین را فرامی‌گیرد، خداوند به وسیله او دینش را بر تمام ادیان چیره می‌گرداند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد و همهٔ خرابی‌های زمین آباد می‌گردد...^۱

مفضل می‌گوید: از امام صادق^{علیه السلام} شنیدم که فرمود:

وقتی قائم آل محمد(عج) قیام کند، در پشت کوفه مسجدی بنا می‌کند که دارای هزار در است و خانه‌های کوفه به رو دخانه کربلا می‌پیوندند.^۲

ابو بصیر از امام باقر^{علیه السلام} چنین نقل کرده است:

هنگامی که قائم قیام کند... مساجد در عصر او همگی دارای دیوارهای کوتاه و بدون کنگره خواهد بود، همان‌گونه که در عصر رسول خدا^{علیه السلام} بود. او جاده‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد و به شصت ذراع می‌رساند و تمام مساجدی را که در مسیر راه قرار گیرند، خراب می‌کند...^۳

از این روایات استفاده می‌شود که در زمان قائم(عج)؛ در کنار آبادانی شهرها و راهها، مساجد نیز توسعه یافته و آباد می‌گردد؛ چرا که با رهبری آن حضرت، مردم در مسیر بندگی که هدف آفرینش انسان است، قرار می‌گیرند و رفاه و آبادانی در خدمت فضایل و کمالات انسانی در می‌آید.

شکوفایی روحیه برادری و مساوات

در پرتو ارشاد و تربیت امام مهدی(عج)، نفوس انسانی رشد و تکامل پیدا کرده و ارزش‌های اخلاقی به اوج خود می‌رسد.

شیعیان به امام باقر^{علیه السلام} عرض کردن: ما در کوفه گروه بسیاری هستیم. اگر شما فرمان دهی، همه

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ۱، ص ۳۳۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۳- کتاب الغیب، شیخ طوسی، ص ۲۸۳.

فرمان برند و از شما پشتیبانی و حمایت خواهند کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود:
آیا چنین هست که یکی از این گروه بیاید و آنچه نیاز دارد، از جیب برادرش بردارد؟
گفتند: نه. فرمود:

پس این گروه (که در راه دادن مال به یکدیگر این گونه بخل می‌ورزند) برای دادن خون
خویش (در راه اصلاح جامعه) بخیل تر خواهند بود. مردم هم اکنون در صلح و زندگی
مسالمت‌آمیزند؛ از مردم همسر می‌گیریم و به آنان همسر می‌دهیم، از یکدیگر ارث
می‌بریم، حدود را بر آنان اقامه می‌کنیم؛ امانتشان را بازمی‌گردانیم (یعنی زندگی مردم در
همین حد است و نه کاملاً اسلامی) اما با قیام قائم(عج) آنچه هست، دوستی و یگانگی
است تا آن جا که هر کس هر چه نیاز دارد، از جیب برادرش بدون هیچ ممانعتی
برمی‌دارد.^۱

اسحاق بن عمار می‌گوید: نزد امام صادق^{علیه السلام} بودم که دربارهٔ تساوی مردم با دیگر برادرانشان
و حقی که هر کس بر دیگری دارد، سخن می‌گفت: من سخت در شکفت شدم و برایم وظيفة
خطیری جلوه کرد. آن حضرت فرمود:

این، در وقت قیام قائم ماست که در آن روزگار بر هر کس واجب است برادران مؤمنش را
تقویت و یاری کند و وسائل لازم را در اختیار آنان قرار دهد.^۲
راوی گوید: از امام صادق^{علیه السلام} پرسیدم که این روایت: «سودگرفتن مؤمن، از مؤمن رباست.»
معنا یاش چیست؟ فرمود:

این، به هنگام قیام قائم اهل بیت و ظهور حق است، اما اکنون اگر کالایی بفروشید و سود
بگیرید، اشکالی ندارد.^۳

گفتاری از علی^{علیه السلام}

امیر مؤمنان^{علیه السلام} زمان پس از ظهور را در گفتاری چنین ترسیم کرده، می‌فرماید:
حضرت مهدی(عج) امیرانش را به تمام کشورها می‌فرستد تا عدالت را پیاده کنند. [در آن
زمان:]

۲ - وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۱۵.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۳ - همان، ج ۱۲، ص ۲۹۴.

- گوسفند در کنار گرگ می‌چرد.

- کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و هیچ آسیبی به آن‌ها نمی‌رسد.

- شر برداشته شده و خیر می‌ماند.

- انسان یک مدد (کمتر از یک کیلو) می‌کارد و هفت‌صد مدد محصول برداشت می‌کند، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «همانند یک دانه که از آن هفت سنبل بروید و در هر سنبلی صد دانه باشد».

- ربا و زنا برداشته می‌شود و اثری از شراب‌خواری و ریا و خودنمایی باقی نمی‌ماند.

- مردم به اطاعت و عبادت و نماز جماعت رو می‌آورند.

- عمرها طولانی می‌شود.

- امانت‌ها رعایت می‌شود.

- درختان پرثمر و برکات افرون می‌گردد.

- اشرار هلاک شده و نیکان می‌مانند.

- از دشمنان اهل بیت ع کسی باقی نمی‌ماند.^۱

گفتنی است، همان قدر که ترسیم چنین جهانی در افق خیال آسان است، از نظر عمل فوق العاده مشکل و طاقت‌فرساست، اما حضرت مهدی (عج) به عنوان معمار این جامعه نوین، به قدری از توانایی‌های روحی و معنوی برخوردار است که می‌تواند جهانی را که از ظلم و جور پر شده است، از عدل و داد پر کند و فراتر از مدینه فاضله‌ای که فلاسفه و دانشمندان ترسیم کرده‌اند، به وجود آورد.

۱ - عقد الدرر في اخبار المنتظر، ص ۱۵۹.

منابع و مأخذ

قرآن كريم

نهج البلاغه، فيض الاسلام، مركز نشر آثار فيض الاسلام.

نهج البلاغه، شهيدى، انتشارات آموزش انقلاب اسلامي.

البيان في اخبار صاحب الزمان، محمد بن يوسف گنجي شافعى، مؤسسه الهدى للمطبوعات.

اثبات الهداء، شيخ حرّ عاملی، دارالكتب الاسلامية.

احتجاج، طبرسى، مؤسسة اعلمى بيروت.

اديان و مهدویت ، محمد بهشتی، مؤسسه انتشارات امير کبیر.

الاذاعه، سید محمد صدیق حسن، مصر.

ارشاد، شیخ مفید، مؤسسة الاعلمى بيروت.

الاشاعه لاشراط الساعه، شریف برزنجی، مصر.

اصول کافی، شیخ کلینی، با حواشی علی اکبر غفاری، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم.

الامام المهدی من المهد الى الظهور، سید محمد کاظم قزوینی، مؤسسه النور للمطبوعات، بيروت.

الامام المهدی عند اهل السنة، مهدی فقيه ايمانی، كتابخانه اميرالمؤمنین اصفهان.

بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفا بيروت.

تاریخ ابن خلدون، اعلمی بيروت.

تاریخ العیة الصغری، سید محمد صدر، مکتبة الامام علی علیہ السلام.

تذكرة الخواص، سبط ابن جوزی، انتشارات مروی.

تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از دانشمندان، دارالكتب الاسلاميه.

تفسیر موضوعی قرآن مجید، جوادی آملی، مركز نشر فرهنگی رجاء.

خورشید هغرب، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دائرة المعارف القرن العشرين، محمد فريد وجدى، بيروت.
ديوان حافظ، به اهتمام سيد ابوالقاسم انجوى شيرازى، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ چهارم.
زن و هومن یسن (مسأله رجعت و ظهور در آین زرنشت)، انتشارات امير كبير، ۱۳۴۲.
سنن ابن ماجه، با حواشی محمد فؤاد عبدالباقي، دار احياء التراث العربي.
سنن ابی داود، با حواشی محمد محیی الدین عبدالحمید، نشر دار احياء السنة النبویة.
سنن ترمذی، ناشر محمد عبدالحسین الکتبی، چاپ الفجالة الجدیده.
شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، دار احياء التراث العربي.
شرح مقاصد، تفتازانی، منشورات الرضی قم.
صحیح بخاری، دارالقلم بيروت.
صحیح مسلم، دارالمعرفه بيروت.
ظهور نور، على سعادت پرور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، قم.
عند الدرر في اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی شافعی سلمی، مکتبة عالم الفکر، قاهره.
عهد عتیق، کتاب مزامیر داود، انجمن پخش کتب مقدسه.
عهد جدید، انجیل متی، انجمن پخش کتب مقدسه.
الفتحات المکیه، محی الدین عربی، دار صادر بيروت
فرائد السمهین، جوینی، بيروت.
فرق الشیعه، ابی محمد حسن بن موسی نوبختی، المطبعه الحیدریه نجف.
فیض القدیر، مناوی، بيروت.
قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، انتشارات حکمت.
کتاب النیه، شیخ طوسی، تهران، مکتبة نینوی.
کتاب غیبت، محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی زینب، ترجمه احمد فهري زنجانی،
دارالکتب الاسلامیه تهران.
كشف المراد في شرح تجرید الاعتقاد، مکتبه المصطفوی قم.
کفاية الموحدین، آقا سید اسماعیل طبرسی نوری، انتشارات اسلامیه.
کلیات في علم الرجال، جعفر سبحانی، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
كمال الدين و تمام النعمة، شیخ صدق، تصحیح و حواشی علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه
لجماعه المدرسین بقم.
لسان العرب، دار صادر بيروت.
مجموعه آثار، شهید مطهری، انتشارات صدرا.
مجمیع البیان، طبرسی، دارالمعرفه بيروت.
المختار من کلمات الامام المهدی، محمد غروی، مهر قم.

- المستدرک علی الصحيحین، حاکم نیشابوری، دارالفکر بیروت.
- مسند احمد حبیل، دارالفکر.
- مفایح الجنان، شیخ عباس قمی.
- مقالات الطالبین، ابی الفرج اصفهانی، مؤسسه دارالکتاب للطباعة والنشر قم- ایران.
- المنار المینف فی الصحيح والضیغف، ابن قیم، سوریه، ۱۳۹۱ هـ.ق.
- منتخب الاعظمة، لطف الله صافی گلپایگانی، انتشارات مکتبة الصدر، چاپ سوم.
- منتهی الامال، شیخ عباس قمی، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات هدف قم.
- المهدی الموعود المنتظر، شیخ نجم الدین جعفر بن محمد عسکری، نشر مؤسسه امام المهدی.
- موسوعه اطراف الحديث النبوی شریف، محمد سعید زغلول، دارالفکر.
- نجم الثاقب یا زندگانی مهدی موعود، حاج میرزا حسین نوری، انتشارات علمیه اسلامیه.
- نظم المتأثر من الحديث المتواتر، محمد بن جعفر کتّانی، فاس، ۱۳۲۸ هـ.ق.
- نهایه، ابن اثیر، مکتبة الاسلامیه.
- ینابیع المودة، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت.
- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، المکتبة الاسلامیه.